کتابخانه خصوصی
حسین متقی
تهمین ۱۳۵۸

خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۹۲۷۵

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب جنگ مرانی

مؤلف .....

مترجم .....

شمارهٔ قفسه ۱۹۲۷۰

شماره ثبت کتاب

۲۱۱۴۴۵

۱۹۲۷۰
۲۱۱۴۴۵

۱۵
۲۱

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب جنگ مرانی
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۹۲۷م
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۱۱۴۲۵
۱۹۲۷م
۲۱۱۴۲۵

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب جنگ مرانی

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۹۲۷۰

شمارهٔ ثبت کتاب

۲۱۱۴۳۵

۱۹۲۷۰
۲۱۱۴۳۵

۲۱۳
۲

کتابخانه عمومی آستان قدس رضوی
تاسیس ۱۳۱۲ هجری شمسی

والأمام والزناد والنجم انا ميزان انا مقلب

انا سيف القاضي انا ذاد ولغ ونبع و

سيف انا الصديق والفاروق انا ابو

و مكسر انا دابة الأرض وانا صاحب و انا الموت

انا الذي نزل انا النباء انا الصراط انا قالع انا قاتل

انا قاتل انا الناطق انا الذي عنده انا يد الله

وادنه وعينه انا الشهاب ومفرق امام

مظهر ومظهر والذي حبه انا الذي وجب

اسد الله على ابي اسطالب فلم يزل قال انا انا

حتى عد من مناقبه سبعين منقبة قال

الحسين ع الحمد اما ما ذكرت يا ابتا وامّا انا

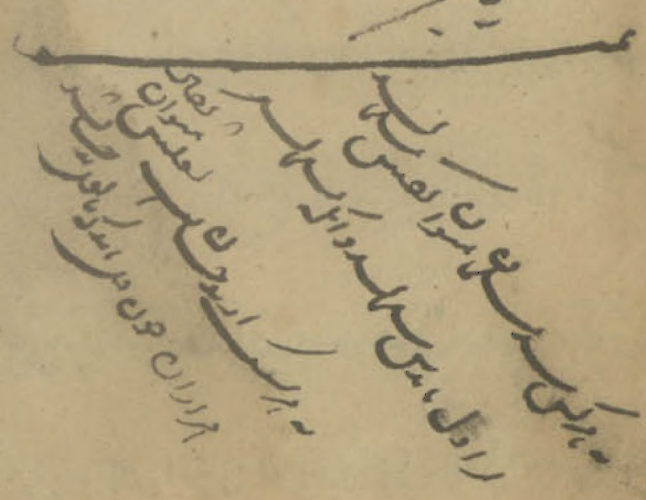

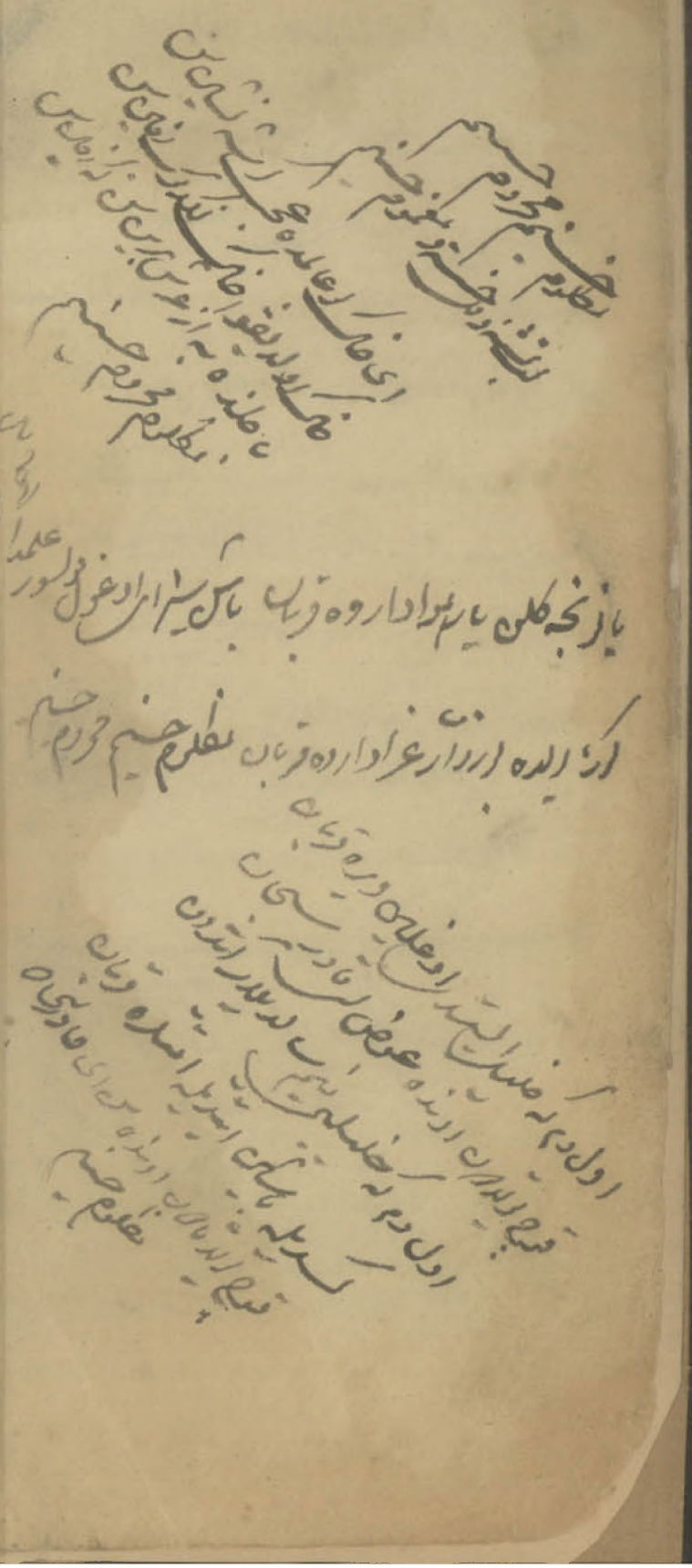

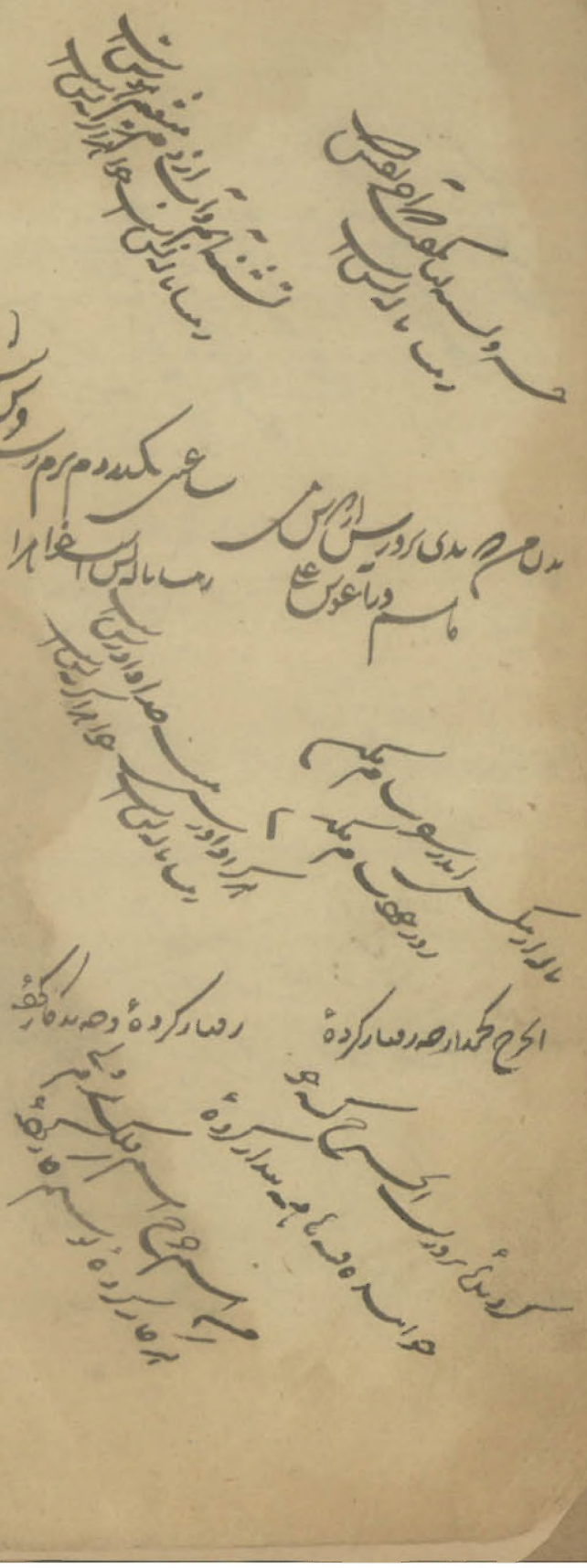

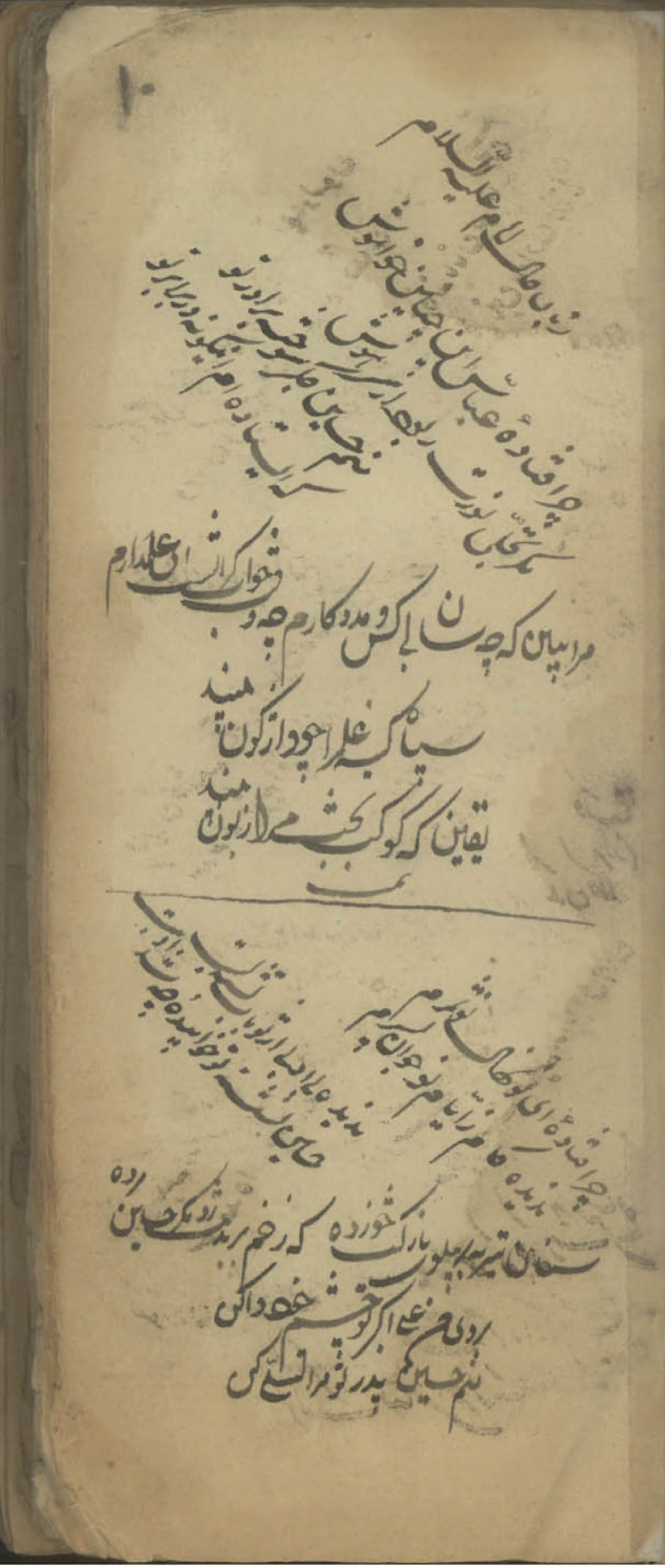

ب مهریه زهرا و ب بسم الله الرحمن الرحیم سوختم بنام ایزد دانا و بینا

برم مظلوم از بیداد عاشقا از تا نقد سوختم ابدی هیچ گونه شکایت

ایدیده سوختم بصدمان ایجوب اول ما را بدیه بوبرد و اصول

وضیم اوی نیم سدمی شیشه ارتیه اع ایجی تا بادیه باد لادینه

خوارینه ما جلدرینه تا بشود در برابر در ما بادیم من داخی بدینه

کنیده برم تا سیز کنید سوختم ایلیکه بدینه دارد لولیدن

ابرادوزه لکوینه پیش قهر من کنید سوختم جدیکون ردیه سه

اب دعای تروزدن ابنی اع

دولوا له ماخره الاوری حیث ندیع الحطاب

اع

۳۴ جی برابر در ما بوم نصف عطش دل ما ما ابا

وحدی دانیم لین تشقوا

حیث اگر ابو نیم ما بابون سو بیدو در ابا انصاف دین

کنیده سوختم جابه دیم ۳۴ جی بر سوختم نفوس ظاهر ب

ع را ابدی سکینه تنفاهیدن کجیدی عالم ما بوابدو در

ما باشیه دانش ابرید در ایم نیم سدمی شیشه ارتیه حیث اع

می لعد لسک العسر

عرم کنیده سوختم لیتی سه اندازه ایشی ع اگر بیدا دین

مکنی او لدور نقشا عرض ایلیدو یا العطش قتلنی اع لانسم

اردی ۳۴ ارت وضیلیه ایدیه ایدیه قیدانده سوختم اع

عرض ایدو در عوایا بر قورزم سوه کا زن کنرا ابرو در یع با بلد

سوه کا نیم عمر ما بدیه با بلد دیه سته دسته اع آن آن

نیم بر نفوذن جزیم دار اع سوختم لصدان شکایت ایجوب

ادا اسقط عن ذمه مکم اگر بو ماکدن دیار دیه عراد

لطفی علی العباس

والی عرض ع لصدان سوختم لغایل کر لندی اوده لنده

دندی عمل ما بادیه ما بلد دیه و لسوه سوختم نوق سنده

ع ما را لعصی اصلد الله ملعون سدن اوراسان

سوختم حی اولن ذرداه لصدان شکایت ایدو

لرزی زانه سنگر لدردن اردی سوکرز نفی برو بنه ده دی
ارقاور جدی یا رصه لالنسون الدین اورنغای اوچان لدردن

سویله فاراد شرب الماء بادی لهم

یا حسرتی للسید العطشان

اورا اورنیه دیدی عبس انك تشرب الماء وقد
کان الحسین ظمانا

بر حسین ی ازان مصیبتده برجوزی سوکدنلق ایدی برغوله
عوض ایلدم داغی شه ایدی

فخری دشت چه میدره دیر چکیب باش

همبا نغولی

یا اصحابه اولنکاده اعلاردن ی ایله معینول ایدی اعلیه ی ان
نکایت ایدر ایدی لشکده دیر سارپان دست قوارنده دیاکه
وای خاتون الندن وای سارپانوه الندن عتق

واجتمع شيوخ اهل المدينة واقبلوا الى امير المؤمنين

فقالوا له ان فاطمة تقوم الليل والنهار فلا احد منا

يستريح بالنوم في الليل ولا في النهار

لما قد اشغلنا وطلب معاشنا

فقال يا ابا الحسن ما الذي منعك ان تأمر فاطمة

ليلة وتكفينا امر الحق يا رسول الله

صلى الله عليه وآله وسلم

م م م م

كل انكسار وخضوع بابه الهوى

ما في الوجود محجبة محجبة لكن
الا هو فله حجارة في المنتوى
وخلق الدنيا مصاب بعوى
للاسباب ابدا اولى

اما ترى الآفاق مغبرة والشمس حمراء بكرة او مساء

اما سمعت الاصل يبكي لك
والفرع والنحب بقدر الحب
وكل نفس بما كسبت رهين
وكل يوم يومه اتمام

تغص شرب الماء عما من وعى

لتشرب غير ماكما
والدمع يجري ماء او دما
تكليم وجه حار بان على
خيانة وان تلف القوى

والله ما رايت شيئا ابدى في الكون الا ببقاء تلا

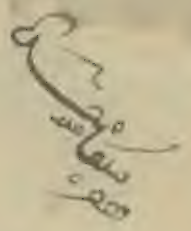

[illegible]

ح

حق بالله فخری بزه بالله بنزه کابر بالدی [illegible] اشاره برحم [illegible]

سکیدم فواد نزلت که رفت از کنار من

این زخم که به بیندا و چون رسیدم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دائم دیدی الله [illegible] اوله بابول [illegible] سلیه دیدی [illegible] حان

والتقلدن حذاب ذنب [illegible] ای بابا ای بعدی ازین نیم [illegible]

[illegible] نیو ازردی ای [illegible] زدی [illegible]

[illegible] اندیشه اندیره سوزنی [illegible]

ح یا اخشا یا زینبا [illegible]

[illegible]

[illegible] واقت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ام الثوب [illegible] ام

ام التحر مخور ابعض صقبله

ام لنظر [illegible] ام الشیب [illegible] ام الراس عز نوعا کبد [illegible]

[illegible] شده ات [illegible]

[illegible] ت [illegible] سنوت [illegible]

[illegible] شفایه نایم

ام التطفل مذ بوحا ام القلب [illegible] ام الدمع [illegible]

تتوقه

ادی علل الدّیار علی کثرة وصاحبها حتی الممات خلیل

وانّی لمشتاق الی من هویته
فمثل الذی طاوعته مثل الذی عصی
یرید الفتی ان لا یموت حبیبه
ولیس علی ما ینبغی بقلیل

لعلّ انحداری فی خلیلین فرقة
وکلّ الأذی بعد الفراق قلیل

وانّ اشتیاقی کلّ یوم زیادة
ودلیل علی ان لا یدوم خلیل
ولیس جلیدا من ذری ما له نما
ولکنّ ذری من اذاه علیل

لذالک حبّی لا یزال مضیّعا
وفی القلب منه موضع ومقیل

صاحب الدعوة

يارب يارب انت مولاه فارحم عبدا اليك يلجأ

يارب العالمين ليك متذلي
طول بين كنت انت مولاه

طول بكان زاد ما انا
بيكون الذي بلوا

وما به علة ولا سقم اكثر من حبه لمولاه

اذا اشتكى تنفس وغصه
اجابه الشافي بلا

اذا انبلى بالآلام منجلي
اكرمه الله ثم اذا

ع

لبيك عبدي وانت لقي وكل ما قلت قد علمنا

موتك نشتاقه ملائكتي
فحبك الصوف قد سمعناه

دعا الهنا يكون نحب
فحبك الشاكر قد سمعنا

لوهبت ارتج من جوابه عزم ربنا لما تمنا

سنى الدين بن عبد الله الحنفي الحسيني
الحمد لله وحده

بسم الله الرحمن الرحيم

حدیث ده دارد از آن جمله خواهد شد سوم سبحی و منهنی و منهنی و چهارم
قریدی اولها بناء خداوند عالم جمیع حور بهشت بیچ چیز قرار نمیدهد
مریم را مگر آنکه او را در آیده خدمت او مسلم خواهد بود چون حاضر شد
دارا بخدا بیچ حورت از کنیزهای آبدار در بیچ حوران بهشت مرتبه از کنیز
زن شهوت نمیکند مگر آنکه بیچ حورت کنیز او را در آیده همه
اوقات طاهر و مطهر او را بیند و جمیع حوریان او را بیند همه او را ممتاز
دوست دارند کنیز حضرت مریم و کنیز فاطمه از جمله دختران آله علیها
خداوند عالم حضرتی به او بخشیده که تفصیل آنچه بیان کرده هر وقت
حضرت زکریا او را مشغول خدمتی فرموده معطر میشود
از آنکه هر گز او را بیان نبوده و بوی معطر طعام خوشبوی
که او بیند یا بوی بیند بوی خوش او بوی که او بیند او بیند کلوب
دهم چنین جناب پیغمبر خدا بر آن تشریف فرمود بر فاطمه او را در آن
حجره بسته جناب فاطمه حضرت آن حدیث را بیان کرده ایک گفت
گفتند ای که فرمود معطر بیند حضرت خدا را در بیند بوی خوش
بیند بوی خوش خدا الله تعالی او را شکر میکند بر نعمت خوشبوی
خوشبوی بیند خدا دلهای او را که عطا نموده بیچ فاطمه
اول کسیکه مریم عطا نموده بیچ او را در دنیا او صفا
و وقتی که مریم فرزند بیچ متولد شد بان ملک نازل او بیند خدا بر آن
نازل شد خدا بر مریم بشارت او بود سنگ که ان الله
اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

یا مریم اقنتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین یعنی مریم خدا را
و اشکر کن او را بیان بناء او بیچ فرمود اطاعت او بنویس و خدا را
ملتفت شده که بیا کنیز زنان عالم مریم را کن الخ و نزول ملائکه
و بیچ که بیان عرض او بیند نوشته و بیچ صفات
و بیان او بیچ و بیان که او بیند معصیان اهل عالم بیند
در مریم خداوند عالم او بیند کرامت بیشتری که کرامت او بیان نوشته
جزء بنویس و بیان فاطمه از مریم بر آن او بیچ و بیان او بیان نوشته
همه کلوب که تمام مدینه آن کلوب و بیان او بیان نوشته
او بیند که بیان نوشته و بیچ مطهر او بیند
بیچ بیچ که بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ
وقت خدا سرخ وقت شام زرد او بیچ
وقتی که مریم از صنیقه طاهره آسیه و والده مریم عمران
و والده فاطمه عفت قدیمه رسالخ والده مریم حنه
و والده فاطمه ضریحه که سلام الله علیها او بیند بیچ که بیان
به اندازه ده ذراع مریم فرزند بیچ و بیچ که بیان نوشته
بو بیچ او بیچ بیچ بیچ که بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ
و بیان او بیچ بیچ که بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ بیچ
فاطمه او را بیچ بیچ را نازیده الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت
بن و جلد کنید تا تمام بودکار کرده و بیچ الفین و بیچ او بیچ بیچ بیچ
کلمه بیچ الخ

امطاره و ضمع او ملعون از اخر دین توحید بره

ص اصوا دل برتبسم ابدی نبع پایدنده تقام شهادتم تا بدم
والنجه بنا ابدی فرداقده بالدجه الدین چاماقه لعبد بنا ابدی غفلته
اگر دلم از قسیدی عرض ایلیرون

کشیه ندامت ماده حزنم وراثب غنی از دیده مظلومم

لشودن از سینه لذشتم دنی خواهم آب چشم
این تیر دین کشیده از حلقوم

ماده محیط البرم سه سوالمن برحمه راوی عرض ایلیرم اگر حضرت عبادیه حب
اگر ابتی بالدا اقوال دین قوی ضعیف جا بیان تسلیم ابدی و تسوی این ناخوانده
از دیده اما از سنه راسدان فتحون عذر بقلع لوی اوطرف اطراف اخر ایلیرون
ص اصوی دفوم ابدی الکشوی مرحوم اوسه سا اندا لوقعه لدی
اخلده ماقه الخ لعبد کلدی خبره حضرت رسی قوی

حضرات عبیریه دراس سوال ج لعبد نبیه ص اصوی دفوم ابدیون
ایردی باق بلورم انکاره لغت نبع دراه قدر دالفاظ بنا و بیدوم

ص اصوزن بنا ردام ایتز الا لعنه الله علی القوم الظالمین

وسیعلم الذین ظلموا ای
منقلب ینقلبون

الجزار الجزار
الجزار

اخرجه ابو نعیم کالوار ۱۰ سطر ۴

ان الله اصطفی ادم ونوحا وال ابراهیم وال عمران
انبیاء ع

محمد ع موسی داود سلمان

عبد ع فرامرز عبد محمد

ملائکه حرس معاش سماء امن عباس

حرس محمد

اخرجه ابو نعیم فی دلائل النبوة ابی الدنیا طول کالوار

صوره ولد ارجعه رجیزون لدسماة نعمانه

سدره طوبی زقوم سدره

دائره ازرقی دعی عربی الذین قوی السماء الله طوله اربع
وسطی ۱۰ فرسخ ۱۰ فرسخ ۱۰ فرسخ

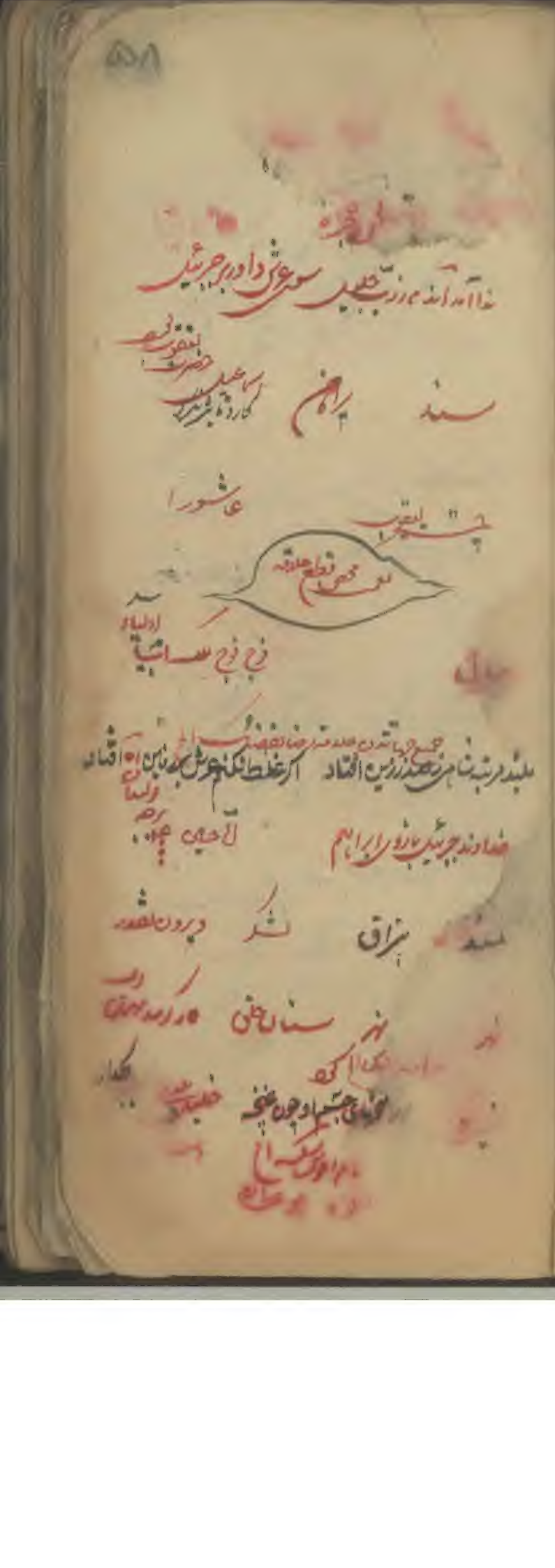

[illegible]

ان حاس [illegible]

الخ

بارد نظر را بدیدی آن بیرانه قابیدی بر آن حدیقه گرفی فاطمه را

سلام الله علیها کیجه آن عالی اکلوب حسینیان بامداد صحبت

هرشدی بایرامان حسینان تا عرض ایلدی نا بس هیچ بزیم ایچون

لباس مدتدک اعزیز ایرادی ارزیدی صبر ایله ان شاء الله ضیاط

محمد تاه لیک اولوز قالدی نا بیرام آخشامی اولدی حاجیان تا عرض

ایلدی آنا بیلی نا بیرام ورزی کلمدی بخه اولدی بزیم لباسمز خانم

افندی یه اخلیورسان حاجیان تازه لباس البیتور -

وقتی رتب افندیسون

لباس کلمه هوسیدی بزیم پرانیش مکر که بزیم خدیجه بنیش

خانم ایرادی بالله بزیم وقتی الله سیزدن ایچون لباس ایرادی

بزیم حسینیان بایدتور لکیجه آن رمضان خانم افندی محاب سیزدن

سئوال روز نیاز ایدی بر وقتاباسه لس کلدی السلام

علیکم

السلام علیکم جناب فاخره خانم افندی حضرتلری بزدن صوکره بایرامی

لیس عرض ایلدی فاطمه صدیقه زکی دوردی اباقه کلدی قالدی نا اوتده

بابان ایلدی نا بو قیهنا الدی کلدی حسینیون بابلدی اوسته بایرامی بالا

دوردون اباقه اچدی بو قیهنا بایرامی دوردون ۲ ۶ ۴ سلوار ۲ ایچک

۲ جفت اچکه نا بابلدی آنی عرض ایلدیلر کیچه آنی نا بایرامی کلمدیلر اکلدیلر

اجیدی بو حدیث الشریف کتوردیلر ایرادیلر بعده فاخره خانم ضیاط محمد ک

بایرامی بزم تشنیدن بزم بایرامی او ضیاط محمد کلدی بهشته بایرامی

ان شاء الله بهشته اولدی اوم ۷ عاشورا السلام علیکم ایلیکم

اولدی کلمدیلر سئوال حضوریته دوره اوده اسرا عاشورا صدر

بابلدی بهشته دوره السلام علیکم ایلیکم حلیته

روایات حضرت سلمان که حضور دوره اوده اوم صادقه سلیمه آنی

سلام الله علیها حسینیان ایلدی عرض حضور دوره اوده اوم صادقه

بیلیان حضرت حسینیان حیف اوزان آنی بابلدی کلمدی سئوال ایلدی

بزم ۲ حضرت حضرتیان نا بابلدیم ۴ حضرت حضرتیان نا بابلدیم اوده اسرا

دوردون آنی نا بابلدیم اکلیور سئوال ایلدی اوده اسرا

کفاش حسین علیه السلام الهی امان ۴ الهی الغ

امان در مرسه سم حرامی که ندم بردارد امان دی یار آل

یا رسول الله الله بکه یا علی عباس اولاد زه ا امید دار

اولاد زه

این الرسول

این الرسول

یا سی مرسه در علی علیک السلام دی فلان علیک السلام دی آل

یا دادی ع غ

دی کربه بردل شهداء علیه السلام ۱۲ دفعه

فوت کوفه دروازه حوالی دروازه

ذکر اولاد

ذکر اینکه دارد اولاد او و نام کنیه جناب امیر المومنین علیه السلام

بعد از حمد و ثنا مصنف این کتاب چنین گوید که اهل تواریخ و حدیث و سیر حضرت از اینکه جناب امیر حضرت های بسیار از اولاد امجاد برکات اولاد او بین اکثر مردمان از اولاد او غول

ع ایز من اهل مدینه زن به تملیکان کرام الیزم و فخر
کهه مدینه کیدم خیالیم اولاد ایچه اکثر ده الکثر
تعداد اولاد کیده کن اهل حرص اکرد ب کلدیلر بن محمد حنفیه

برنجه نفر اند اولاد او اکثر میدان و اکثر ب کلدیلر مدینه در
اهل سایه دارد اولاد ابراهیم بن الحسنین نام قری رمله
کلدی اولاد اسمون بابه محمد بابام دان مصاهر حرمین اولاد
الحمد لله سلامت اهل بابام اولاد بن بابه کلدیلر که اولاد
اولاد اما اکثر زیاده اهل که دار اولاد که اسمون
من کم اکثر ب که سبب بدی اکثر بابام بن محمد حنفیه بندار که
مسئول اولاد نام رمله اولاد محمد عقدم ره دیکلدی که
اولاد اولاد ربوار دوه ارکتور سوند عقدم فوق مصاهر ربوار دوه
ارکتور ب که دوه ری برنجه ایکی ب اللاد ارکلدیلر
که دوه ره برنجه نفر بن سبعه ان الذین عربان نام اکثر اولاد
که دوه ری ابابکه محمد حنفیه اولاد اولاد اسمون ابابه بنا اولاد

اولاد اولاد اولاد بابه بابه اولاد حضرت علیه السلام او وقته او بابه
ابدی اولاد دوه او اولاد بن سینده اولاد نده معلوم او اولاد او
قته اولاد بابه اولاد اون بینده دوه جهان امیر الله نده علم رمله
که اولاد بسمون قته بندی اکثر اولاد بابه بنده بیر اکثر اون حواله
که اولاد جون اهل اکثر السبعه بیر نه اولاد نده اولاد که علیه اولاد
علیه اولاد سنه دوه حضور نده تمام اتاشاه اولاد اکثر اکثر اولاد نده اولاد
جمع اولاد سنه اولاد ملکه اولاد بیر جمعه رسم اولاد بیر عظیم اولاد اولاد
سنه دوه نده اهل سنه اولاد بابه بنی اولاد بیر اکثر اولاد اولاد محرمه اولاد
تمام بابام اولاد اولاد بابه دوشوب اکثر اولاد بابه بیر بابام اولاد اولاد
اکثر اولاد اولاد بابه اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
که اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
که اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد
اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد

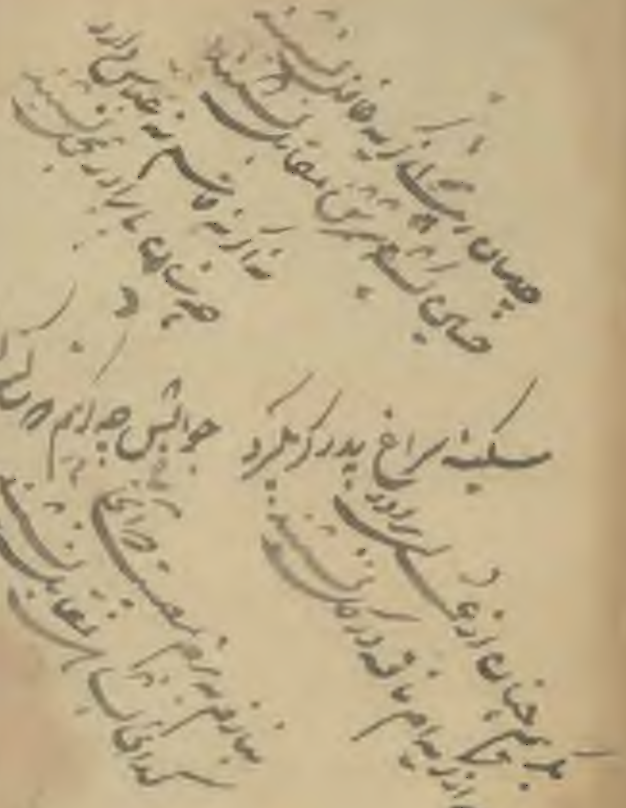

بهر جا شود ذکر شاه شهیدان مناقب‌ورالیم بشمارم

برای ز شاه مظلوم دلکش
بنامم سرایی ز بیدل بسازم
بنام سه در روز عاشورا در کربلا در خانه حاجی سالار

رد و بیقده دارد او لوب که او حاضر است اوشاق سوطلی
ایرکن پیش تعلم ایلیوب ایدی حضرت مسیح حق تعالی و تقدس
نجه که ایجوه یا حضرت خداوند او مشکلام محمد بنده او ایرد بلدرر قال
الله یتبادر دلقم و اذکرنی لکی تکون ایدی اذا انبذت من اهلها
مکانا شرقیا یعنی یاد ایله ان حکایتی بیزدانه قصه مریم که عمران ابن ماثان
ان زنبدار که بیت مسجده خدمتنه مسئول اولدوی حکمدر وقتی
اوزخانه سی ایچنه کیدوی خراب اولمغه قوده مسجدا مکدوی بر وقت
خانه سیدن ایرلیوب ایدی شرقه طوغری اولدی بر پرده اختیار ایدی که اوزه
حضرت ایلیوب تا اینکه اولدی ایرلیدن اوراق اولسون دیوی اوزن
برکیشه که آن جنی طرفه اوزاهلیدن اوراق اولدی فاتخذت
من دونهم حجابا یعنی اینا اهلیدن ایرلیوب پرده اسدی
ایله کندوزن طرف اولدی ایله بان کیوب ایدی گذاده بجسون
فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سویا
پس اوندزاک اوزن طرفه روحنی که حضرت اولسون جبرئیلدن
تمثل و تصور اولدی مریمه آدم صورتنده که یستوی اخلقه اولسون
جبرئیل حوان خوش رو صورتنده دایانه دی دیوان تشریح نظم

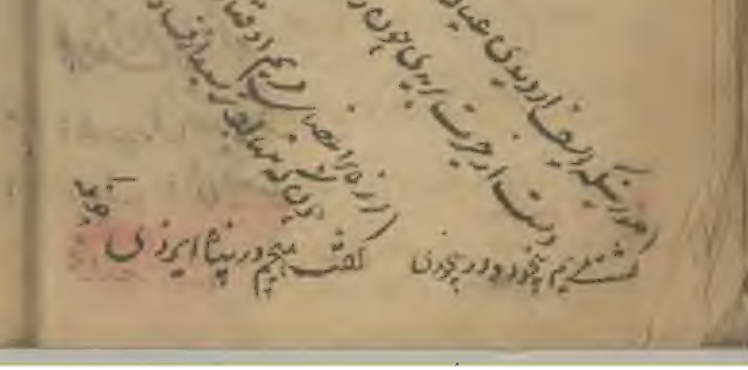

چونکه عادت که بدان باب ایدی در هر وقت حق اوزن سوز
ایلکه دیر ایدی اوزنده منظور ایدی
قالت اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا یعنی مریم ایدی
الله سندن ارسنغ اولسون قال انما انا رسول ربک لاهب
لک غلاما زکیا یعنی بن دخی سنی کبی بر انسان جنی کبی من الله دن رسولیم
الله تعالی اوزدوب که جناب ایلیم سنه بر پاکیزه اوغلان یعنی بر دخی ایدی
خداوند عالم سنه اوخشول ذات ایله کون ایلیه کریم اوغلان ایدی
قالت انی یکون لی غلام و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیا
ازروی تعجب دیدی نجه اولا بیلیم اوکن او غلان و حال ایله بن
ایرکیشه مسه ادم و کرم اولم زنا کار قال کذالک قال ربک
هو علی هین و لنجعله ایة للناس و رحمة منا و کان
امرا مقضیا ازروی جبرئیل بیلدی که خداوند عالم ایرلیدن که
بزم بزیم ایچون اک سندن دیزاد احداث ولدی خلق خلقندن
مقصودی اولدی که تدبر ایله کوسندن بزیم کمال توانا لقمزی بیلسوندن دکر سنز
که بز اتا سیز احداث و ایجاد ایدرک و بخشش اولسون برزن تا اوزه
سبیل ایلیوسندن هدایتدی اولسوندن و بولدوی اولسون اوامرا محکوم
اولرینی تقدیر و تصویر اولدوب اوج محفوظه لسطور اولدوب
لابد منه دوکرک عدد کلسون حدقه ایمناظره دیدیکه
جبرئیل دیدی ارکسنده واقع اولدوب دیم بلدیکه امر
الله سندن قضیه دیدوب خواجوش اولدی جبرئیل ایره لی
یرلوب اوزن کستندن یاخاسندن دیبا اوزندن پیلدوی
فحملته فانتبذت به مکانا قصیا یعنی حامله اولدی حضرت عیسی به فا

فاشتدت به الطلق فجاءها المخاض الى جذع النخلة وضع قدمي اورزيس اول
كودكي مرجومه آقاجيون ديبنه اورده حضرت عيسى از شكم مادر
جذب مريم قابليشدي جران كه الم زايمه شديد بيزاركن
القاق دوشدي قالت يا ليتني مت قبل هذا اليوم
وكنت نسيا منسيا ديدي كاش خرد اوليدم رفضه
وده ايره لك كه نابوده حلقون خاطر نبدن فراموش اولبدم
فناداها من تحتها الا تحزني وقد جعل ربك
تحتك سريا ايلكه چوجق اوزون قوغ وقيان مشاهده
ايلدي قديسون السندان اونطاسن ايلدي كه اندوه ايلمه
اولمه سون التهون قديسون السندان آغاز بوراسي
كه اوسدان ايچ يكن وطهارت علمه كتور دهدي
اليك بجذع النخلة تساقط عليك
رطبا جنيا قوت برادوزه ملي قوغا آقاجيون مانند
سنه تازه ياجه دريون قطع واشرب وقري عينا
يكن رطبي وده ايچكن سودان كوزدي روشن ايله
فاما ترين خاطري خوش ايله وقوغ ايچه پس اكر اوكرن آدام
كه سنه طعن ايلدي اوسنده صورت سنده زبانكي دوان كتور
وان فقولي اني نذرت للرحمن صوما فلن اكلم

اليوم انسيا فلن اكلم اليوم انسيا پس دكلين اوندن كه لن اكلم الرحمن
مذر اعتيس اوروج كه خدايه تعالى لسون صوم چيندن بوكن
سوكره آدام بان دكلنجيا حاملا فاتت به قومها تحمله
پس كتوردي عيسى يي اوز قومنه اوحالنده ايكه كوتاريدي
اولي قوجاغنه ايكه قوتون كوزي اوندن دوشدي اوشاغي
اوزون قوجاغنده كوروبلر دل شك اولديلر اعتقاد ايلدي
قالوا يا مريم لقد جئت شيئا فريا ديديلر مريم
نذر ايتمكه مكدون عجيبه شيئي ايشه دي يا اخت هرون
ما كان ابوك امرأ سوء وما كانت امك
بغيا فاشارت اليه قالوا كيف نكلم من
كان في المهد صبيا قال اني عبد الله
اتاني الكتاب وجعلني نبيا الى اخر الآية
٢ بجي سي اوندن اوش قدر كه بابان صديقي وزليخا نبي
ديوي روايت اولنده كه اولاد اولمز اوزنه فرشته زليخا يي مراود ايدي
ايلدي حضرت يوسف دوسف اوندن توزين دوغدي سوردي
اوزي قرنه ماجانده كردي اوز صورتي زليخا يه
طوبيدر قول بريسون ايسونه سالر ايلدي اوردوزه توزين
دوغدي اوزين دوندي سقفه كه اوقاعده ايله
اوزوني هر طرفه ماجاني كردي هر ايكيسون صورتلري طوبيدر
قول بريسون ايسونه ايف نصراب ايله اوزي سرقه تاييد

ا ز قویدی الیکه تا چاه زلیخا ده اوزن عفیف و استقا
الله بسا ایره الله عزیز تا پوتا پس ایف اد فجعلوه من المسجونین
زلیخا نسا رعا ایلدی اوزنا واقعه تا اون یاشنه امیسون
چی قدان دوا ایتدی اوزداد و توب یاپه ایکه ایف اوزقویدی
تا چاه قدار برقاپوبه که بشردی نقد اوزیاشینه آچلو
روی دوشردی یره تا ایشکه اخچی قاپوبه یتدی
زلیخا اوزین بیوردی اوزنا ایلیک اوزاد اوزن
کرنکین چکدی کری وقدت قمیصه ین دبر قفا یرتلمش
چوذی اوزن کزلیخا والدان و الفیا سیدها
لدی الباب اطرفدن عزیز اکلوب بلدی اوجاغه
اوزنده کوردی ماز الکیسنده خیلی اضطراب واز ایلدیکه
بو صورت بلکه اوزیزدن پیش ازاله تحقیق ایسون
زلیخا پیش دستلیک ایدوب دیدی ما جزاء
قالت ما جزاء من اراد باهلک سوءا الا ان یسجن
جزا ایسه کاراده ایدیه یسون اهلوه پس یوق الا
او یسجن او عذاب الیم قال هی
راود تنی عن نفسی ایف دیدی یا عزیز
زلیخا ایستدی بنی نفسمدن دین اوندان امتناع
ایلدم تا چدرم عزیز دیدی یونی صدقین بن سیله
سیلدم بیم کسکه اوزیدن دفع ایدی ایف اوزیدن

اداره ایلکه وارده دوقدت قمیصی اوتی کی دیر اوزنم
بو کیدر دیر اوتی زلیخا زن خانه سی اوزاد خلیفه عزیز نصر
دیدن دوقدت اوتی کی نه بیلورکه دنیچه دانه بلور
ایف دیدی نعم الله قادرم روبنا که اوزیزله کتورسون
بن عزیز نصر یوندن اوتی طرف کرکن نه دیرکن فورا اوتی
قدرت الهی بن تکمه کلدی دیدی ایف دوغری دانشور
قال الله تعالی و شهد شاهد من اهلها ان کان
قمیصه قد من قبل فصدقت و هو من الکاذبین
قمیصه قدمن دبر فکذبت و هو من الصادقین
ان کان قمیصه قد من دبر فکذبت و هو من الصادقین
فلما رای قمیصه قد من دبر قال انه من کیدکن
ان کیدکن عظیم او حی تکم ایدن اوتی مولی
الموحدین ابن عم الرسول و زوج البتول اسد الله الغالب
علی ابن ابیطالب علیه السلام لوب جانبه زر بعدن الله
زلیخا که زیکه ماوداع المؤمنین فاطمه بنت اسد اوزا
زلیخا دیکه زخانه مکه و بعد از سه روز دنیا نه اوزد حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تشریف اوزنه داوت
کرشد و بعد از ان که باشدی چون نظر حضرت امیر علیه السلام
بر جمال پیشان حضرت رسول افتادی شد و خندان شد
و گفت السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته

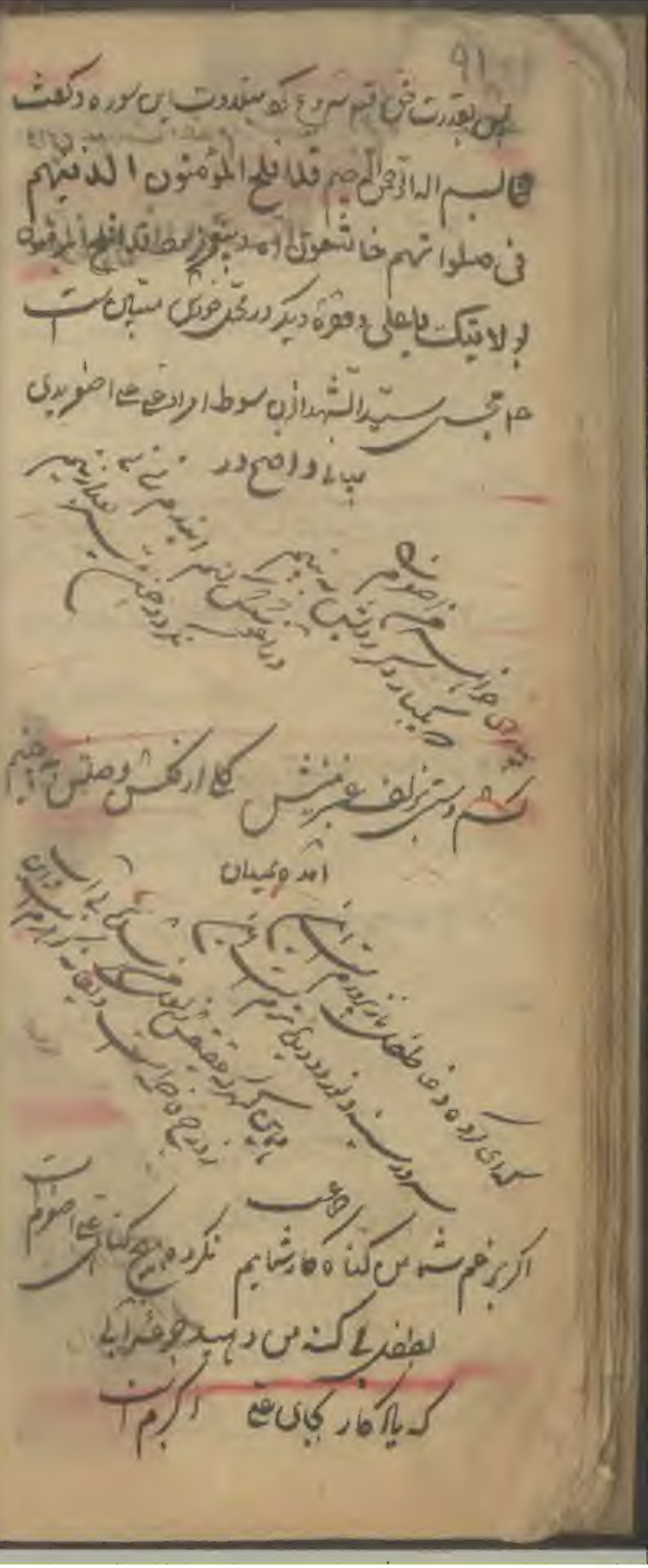

از زیارت سید الشهداء علیه السلام

السلام علیک یا محامی الصفا السلام علیک یا مولای
حسبی اللهم دارفی ابی یا ابی دائی محال رد الله
وعلة صدری لا یعالج بالطب

یعنی اصد محمد یعنی دردی که نه از دوا و دوست رفع میشود
و دوا دوا و شفا میدهد مگر بدست خدا و دوست علی یعنی بسته میشود
اعلیه که معالجه بتوان ابدا تم کانا شفیا و صبرا
کراحب لقاء ان یخرج الروح حتی ینبه فقالوا ما هی لمن
هذا البدن المنیف قال یا تم هذا ابن محمد المصطفی هذا ابن
علی المرتضی هذا ابن فاطمة ابی الحسین

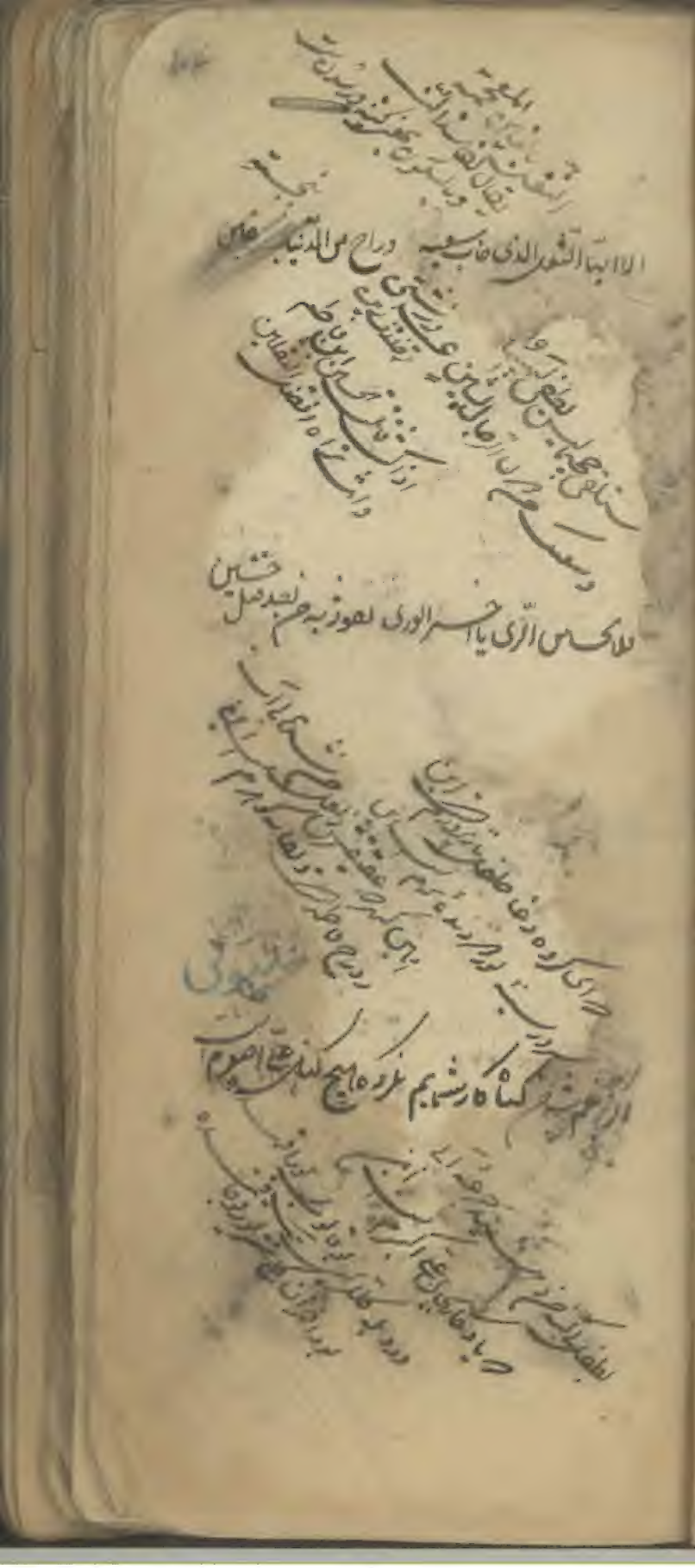

یا ابتا من ذا الذی خضبک بدمائک

یا ابتا من ذا الذی نظم و دیدیک

یا ابتا من ذا الذی اینمنی علی صعر ستنی

یا ابتا من بقی بعدک نرجوه

یا ابتا من لیتمة حتی تکبر

یا ابتا من للعشائر الغربا

یا ابتاه من بعدک واحسینا

یا ابتاه لیتنی کنت لک الفداء یا ابتا لیتنی

قبل هذا الیوم عمیا یا ابتا لیتنی دسلت

الثری ولا اری شیبک مخضبا بالدماء

و بعد گریهٔ شدید رو بخواتون و گفت دادن

ام گفتم و جواب انحضرت

قرن چهاردهم هجری قمری

سلسله‌ی

ایها الطیر اسالک بالذی خلقک

ان تکلمنی باذن الله ما هذا الدم دماء جاری

بجمالک و من این تکون لقد اهتنی لفراقک

و سلام سلسله بر اولاد او تا روز قیامت

ام حکیم

مدینه جدنا لا تقتلینا و ما حسرات من الاحزان جمعا

ای جد بزرگوار مدینه سر زنان قبول ایمان آورده حسرت و
کلوخ و سنگ و غیره بر کافران ستمکار پرتاب کردند

خرجنا من دیارنا بغیر حق رجعنا لدی حال ولا بینا

سنده کننده عمامه بر سر دارد و در دست چپ او نیزه دارد و در دست راست
کشیدن و زدن و راندن رخ خود را بر دشمن زدن

واخبر جدنا انا اسرنا وبعد الله سر یا جده اسینا

مدینه اول نیم سنده می خورد کلی و بعد دلگیر و بعد
ام حکیم عرض میکند یا جده سنده زنان نه گرفتار شدیم
و دلیر و دارنده سنده و زنان سیر کلمه بیرون آمد یا مادر رسول
و در کار سلمه کنند و سنده صدیق اسیر اولاد صدیق و مدینه زنان

اولاد سنده افاطم ما لقیت من عداک
ولا فی بواطنا ما قد لقینا

مدینه انا نه دلگیر و انا قرون عرض میکنند ای سیده زنان هر نوع
نیکی و بدی راحت و دشمنان زنان انا نه انا نه اغلب و
زنان انا نه کلی بصبر نیم بعضی زنان نه و بر قرار خود دلگیر زنان
زنان

آنکه و بسیار سنده کلی الا بدی بر زنان کردی چنان طرف سنده بر تشخص دوده زنان
زنان این ارتب چنانچه کسان یا کلوخ و در کنده مدینه کلی بسیار سنده
کلی اولاد جاق آنکه نه بیاندی غریب لب اندوده غوغا و بسیار نده

بر نجر اوله بلند نظم

جناب ایف باش یاش بنا ایلدی اغلده نه حیوانات ار آسمنده
دوده صحیح طلب طالب اولدی) خرین صوته عرایض اولدقده دوده قهر آلمدی

انسان ای صاغون اسنده ار آب بر باش بعدی زندان فاریسنده
عاص اولدیلر کلدی کردی دوده زن کریسنده باش آکلیور ایلیندی
دوده نا و بریون کردی زنماندن بس کلوری ساربان دوده نا در
آشنا بس ایلدیب عرب یا جدی کردی زندان ایکنده
برجوان نیچه عوان نا بهذا البشر ان هوالا ملک کریم بعدار
سلام جناب ایف ایلیدون عرب نا دوانه کلوری عرض ایلدی
لسانه ان ایسلوی دعنده دیدی ارتدی دیدی و طرزون
کلوری سنج ار ایسلیان لدیرینه یا عرب نا ایلیدون لسانه
کلوری عرض ایلدی نا ایلیدون لردون نا ردا اولیوب دیدی

آل یعقوب را گاهی گفتی عرب که با قافله از دوازده سالگی
قطع کرده اند بجهة نیشه بگذاشتن از بعضی از مردم

حضرت را بردی خوب قاتل نه و نا کردم تا بیرون را بردند
عرض الیدی یا بن رسول الله را بردی بچه کردم من بیرون زده میان
عرض الیدی عرب آقا نه بر تازه کلی دارند بر تازه کلی
نه بر تازه فیتدن دارند بر تقدت الیدن
حضرت را بردن عرب نیم مدینه ده بر ناموس زنم و دار خون عرض الیدی
آقا
و بعد عرض الیدی آقا سنون بر ناموس آزدند ناقه تصویر بیشم حضرت را بردن
نیم زنم رجبه چار زن [illegible] او زار سر الیدی ناقه عرض الیدی
آقا بگورم مدینه بچه بسدن نا گذارم دوستان بر ده بیارم
آقا بگورم بچه دون کردم بر بی دیار کل آزی الیده قربان پاک
حضرت بر به یک که قاش آرجوان نار آمد به وید ناقه دار
چشم اسید دار من از حضرت عرض آرش زده دار بر آله را
من و اباید دم عرض الیدم السلام علیک یا سکر وقت آردم قاچه
بر بی کلدی خراندی بر الیدی رس دیدم عراقه لیدیم دیه ی برچه
دیه ی بر نا خانم فاطمه زهرا دن دیدم بر نا باباسه سنون سوز

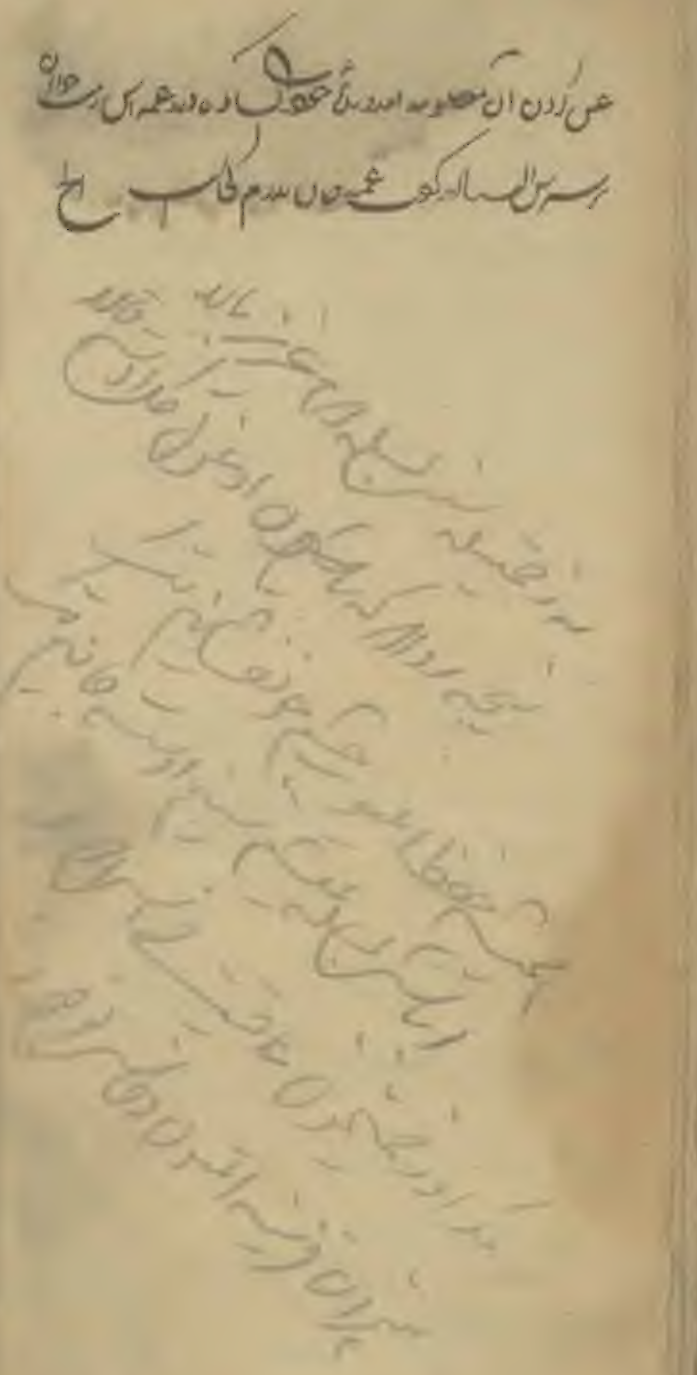

در وداع

ایها حضرت [illegible]

یا مقدس حی حضرت [illegible]

اخی اعظم ما لاقیه من البلوی فراقک یا اخی

الأم فاسمع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اخی ما لک عن بالک عرض و الکل [illegible]

[illegible]

اخی هل لک رغبة تحیی بها ارواحنا [illegible]

[illegible]

[illegible]

اخی لو قبل الفدا لفدتک النفس و الروح

[illegible]

اخی لو قبل الفدا لفدتک النفس و الروح

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وسط حضرت ... ملک ... [illegible]

الا طعنا ناکبوا ... [illegible] ... بودن این ... سعدی ... [illegible]

او رسوبی و قلبی ... [illegible] ... ابن قحطبه ... سر کشور بحر ...

بانگ ... روز کرد ... که جهان ... گشت فانه لدم

... الدر جواب شاد ... دست لقبقه شمشیر ... رد حواله

الحضرت محمد

... [illegible] ... البدین

سواری که ... صاحب ... ربیع

ببت ... الان ... سوار

روش ... ربان ... العطا

... [illegible] ... صد ...

... [illegible] ...

انا بن علی الطهر من آل هاشم کفانی بهذا المفخر ... اخر

وجدی رسول الله اکرم من مضی

وعمی ... جعفر

وفاطم امی من سلاله احمد

ولی ... [illegible] ... کفی ... رسول الله ...

وشیب ... اکرم ... وشیب ... القصه

... [illegible] ...

نهم ... سلطان ... [illegible]

نهم ... [illegible]

نهم ... صد ...

نهم کشورآرای ملک ... نهم ... زان ... کرد

... [illegible] ...

نهم ... [illegible]

نهم آنکه ... [illegible] ... یزدان ... الملک

که ... جهان ...

نهم ... جهان ...

فصال علیهم کالهزبر مجاهدا کفعل

اذا کوفوا ... خسامه وال ...

کالعقاب العقوره

صید الملوک ... و نقاب ... [illegible]

اللهم اشهد على هؤلاء القوم فقد برز اليهم غلام اشبه الناس
برسولك خلقا وخلقا ومنطقا ولنبيك اذا اشتقنا اليه نظرنا
اليه وجهه اللهم اسقهم برجات الارض وزرقهم تقريبا ومزقهم
تمزيقا واجعلهم طرائق قددا ولا ترض لولاة سنهم ابدا فانهم
دعونا لينصرونا ثم عدوا علينا ثم صاح الحسين عليه السلام
بعزاب سعد بع مالك قطع الله رحمك ولا بارك الله في الاول
وسلط عليك ضربة تنعب بعدها ذوات الطوق حمام
ولم تكفل امر رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وعلى اولاده
الله اصطفى آدم ونوحا وآل ابراهيم وآل عمران على العالمين
ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم

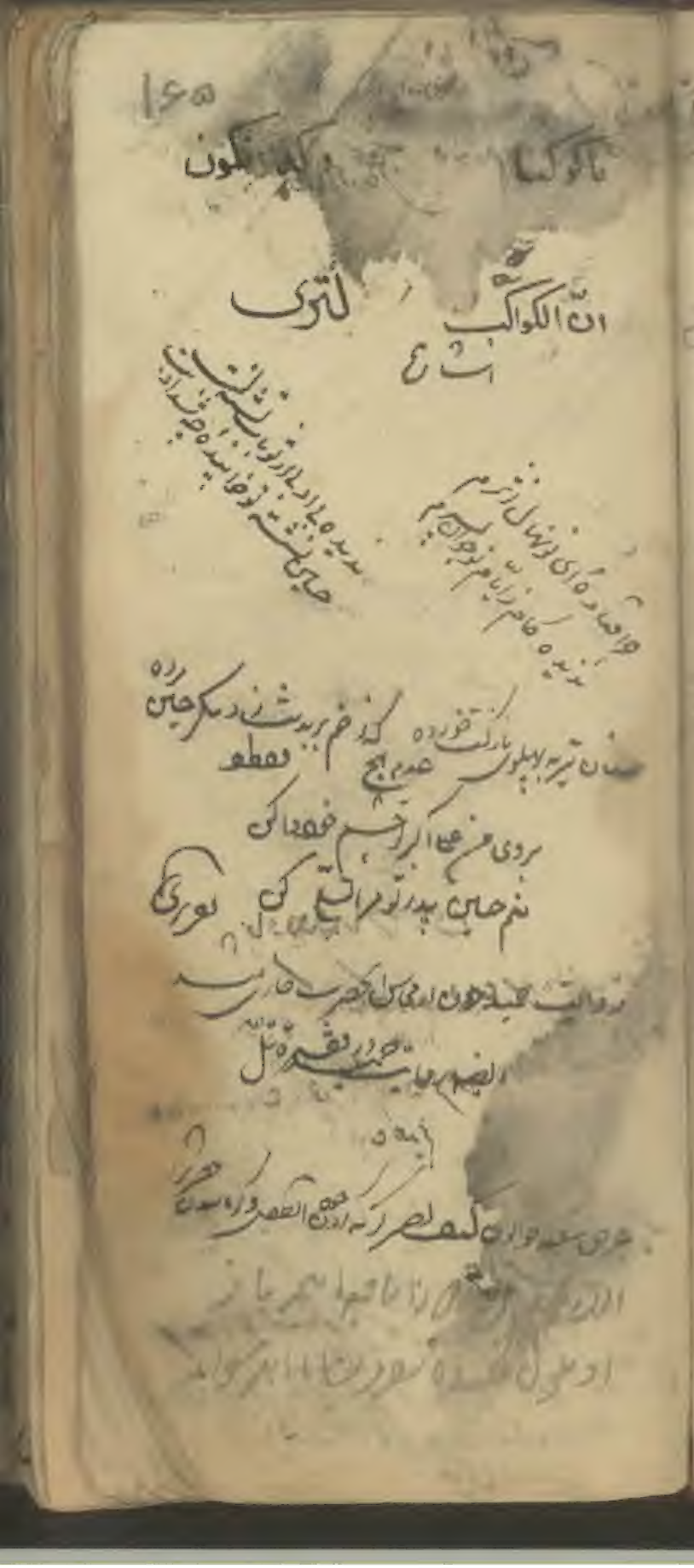

فصل دوم

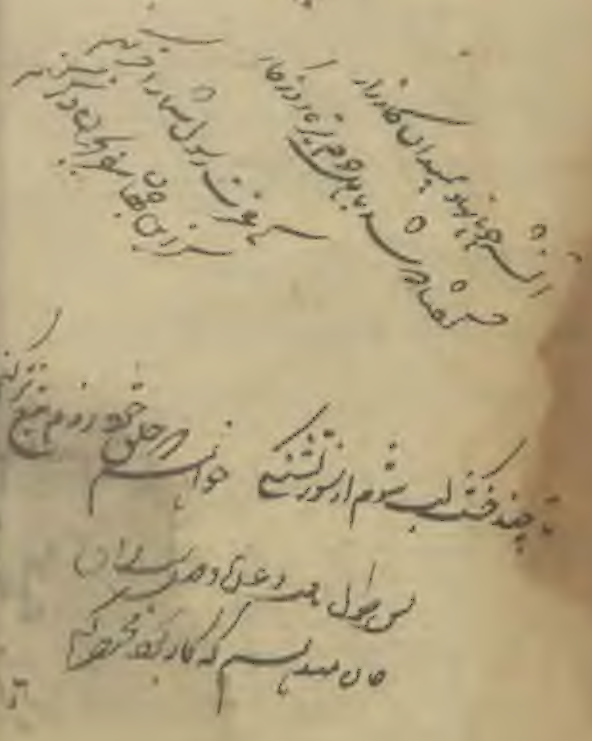

اول اتام چهار بیدستر جهت [illegible]

لترف کبوتر نده اهن سه جزالدین صاحب [illegible]

با خود بیدستر که گرک [illegible]

سر اچر به بیستگی دوانیدن اندک [illegible]

اردن قویدی ضبه ره اول با خود بیدستر کردیدار اولدی علماز [illegible]

سنه لردی اولدر بیدستر یاسون یاسون لدد

اهی بی سه لردی یاسون اغزلار قهوه خیه اردن

[illegible]

ملکزاده حول ولاقوه لعبه لردیدن بنا قویدی حرملدن خزانه

لردیدیر چهار عیار شیشه لیدر خانم زنبه لی دقه لسفول اردن

چهاردن اریشه چهار السندی [illegible] لردی یاسون

سندنی چهارسلدم ج دستبلت سکز لا

یردی عه پنجه دی ناخوش لقون بالدج بعد سه چیکن

دالسه دیدیر اردن صوکره چهار یاصدی بزم تاپنجه لردی

س ج ایکدن یری سولاسدی چهار تیرتز یاغلدی [illegible]

[illegible] اوکر یادام [illegible]

[illegible] ای جواب ویردی یکه خزالدی یاغمورن سه رخصت [illegible]

زنبه لغدوی اعله اعلیه لردی یاندیکون قولدن یاپدیر

[illegible]

عش غزالدین اوردی آلتین اوردن اعلد عیشیدن آیدن

بیمه عش بعد از افاقه عزم اوغون دوشیدن دقیقه اوغلی حیقور

ستر عمولدر قوپارلدان صوکره اولدی حقیقی خزالدی اولدیدیر

[illegible]

جفوزن اوعلد غلدری ج ماما عبدالله ون بالاصه اوعلد یلدن

زنبون اوعلد غلدریدن خزالدی ایکه سوندیریه بیستگی خانم زنبه

لردی عه اولدردن ایکسنده سنه زنبه دیرم صحیحه یه

برچوبه بن ستر زهیرین قیاج عه ایرانه

اول سوزدن دلیکدی دیعدا اردلنا یه نه مراقه لدیقی قیاج م

عه ایکی لیسف وصاج وسنع حضرت دیعدا تیرناها وبالسلد

[illegible]

ازانجه لردی نیم اولدیکون کرک یاپالا زنبه کون انقیع اوغلی

جعدیکون پاپسیاق بالالدیکون [illegible] یاچیلدیکون

ترلش اله جانسون جان بنیم یتیم ازیکون اناسی عیالون لای

یاپالا زنبه لر یاپندان وصلدن ایریکیلدن ترلش یاپالا

اولدی عیاچ ایشوه س اولدا غله اولدی سه اعلد سوندیریه

[illegible]

[illegible] لردی اوغول نیم بالالدی والسه

[illegible] اولدی سلیمان والسه ده سلیمان رطلوم زعبد لردی

[illegible]

اتام اوغلی لردی یاپی دوپاپه عوملدیه یاچیلدیکه حرانه

یاپی کلسوندیریه جانم کلدی [illegible] لردی یاندم حلوم یاپالسه

[illegible]

نم اخلد بیدولده عه

[illegible]

یاد هراف لک من خلیل کم لک فی اللیالی من افول

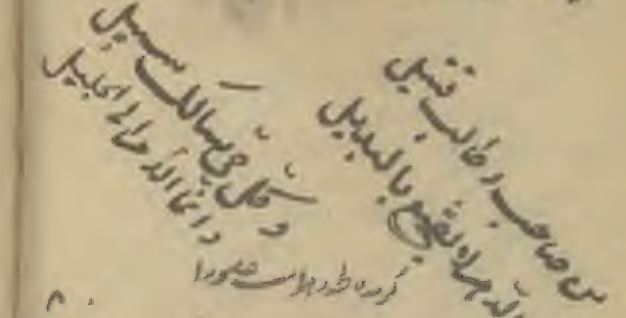

واتخذ لیت الموت اعدمنی الحیوة یا خلیفة
الی ضیر و نمال الیه تایف

ردنا الی عدم جدنا و سول الله

ان کنتم لذالک فانظروا الی ما ذا یشیر لکم و تصورکم فی ذلک

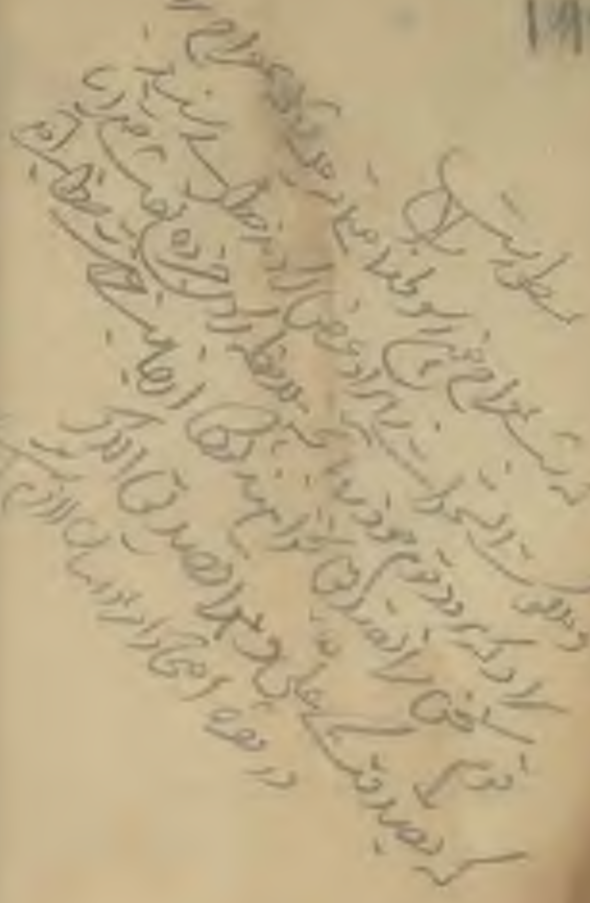

قم يا رسول الله قم يا حبيب الله

قم يا نبي الله قم يا عريس الله

قم يا رسول الله

يا سند الأكوان اي لبيك الظهر

القرب بلا الكفان زينب تنادي القوم

يا قوم راعون

اهل البيت اسر بلقه رهون

ارض سبيتي دلها والعرش اصبح كهف حزين

زينب بالطف تعس يا بني امي يا شهيد

يا اخي ترضى بان نهدى الى الطاغي يزيد

العن اله يزيد وال بيت يزيد

واليه من وشيه ابلغا

قم يا رب ... واحمي واحفظ بالساعة ...

خل يا رب ... واحمي واذبح ...

قم وخذ فاطمة بسبط النبي ... يا حيدر الكرار

شمر الورا حرس قائم ... اربان قم خذ

الخدين

وخيل بسبط المصطفى محمد هذا حسين عترتي

يا شمر قوم صدره اقطع الوريد

والطفوف

خل يا رب ... سمس الضحى

يا حسين يا خليفة الله ...

هذا حسين عترتي وابن الزهراء

... نادي ... الشمر حسين

خل يا شمر حسين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على حبيبه ورسوله

الله سيد المرسلين صدق الله سبحانه كذا

يقول ثم كان عاقبة الذين اساؤا السوئى

ان كذبوا بايات الله وكانوا بها يستهزؤن

اطلعت يا زيد حين اقلت عيس الفلاة الارض وضيقت

على افاق السماء فاصجالك اسباب نساق

اليك فتطاولت عليها فدا قتدارا نها

من الله عوارا وعليك منه كرامة وامنا

فرايته كالك كعظم خراب وحلالة فدرست

شغفت بالفك ونظرت في عطفك تعرب

صدوديك وجاء وتقفض صدودك مرحا

حين رايت الدنيا لك مستوثقة والامور

لديك متسقة وحين صفى لك ملكنا

وخلص لك سلطاننا فحلت عن عهده لا تبغين خولا

لنبي قول الله ولا تحسبن الذين

كفروا انما نملي لهم خير لأنفسهم انما نملي لهم

ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين

امن العدل يا بن الطلقاء تخديرك

حرائرك وامائك وسوقك بنات رسول الله

سبايا قد هتكت بستورهن وابديت

وجوههن يحدو بهن الاعداء من بلد

الى بلد

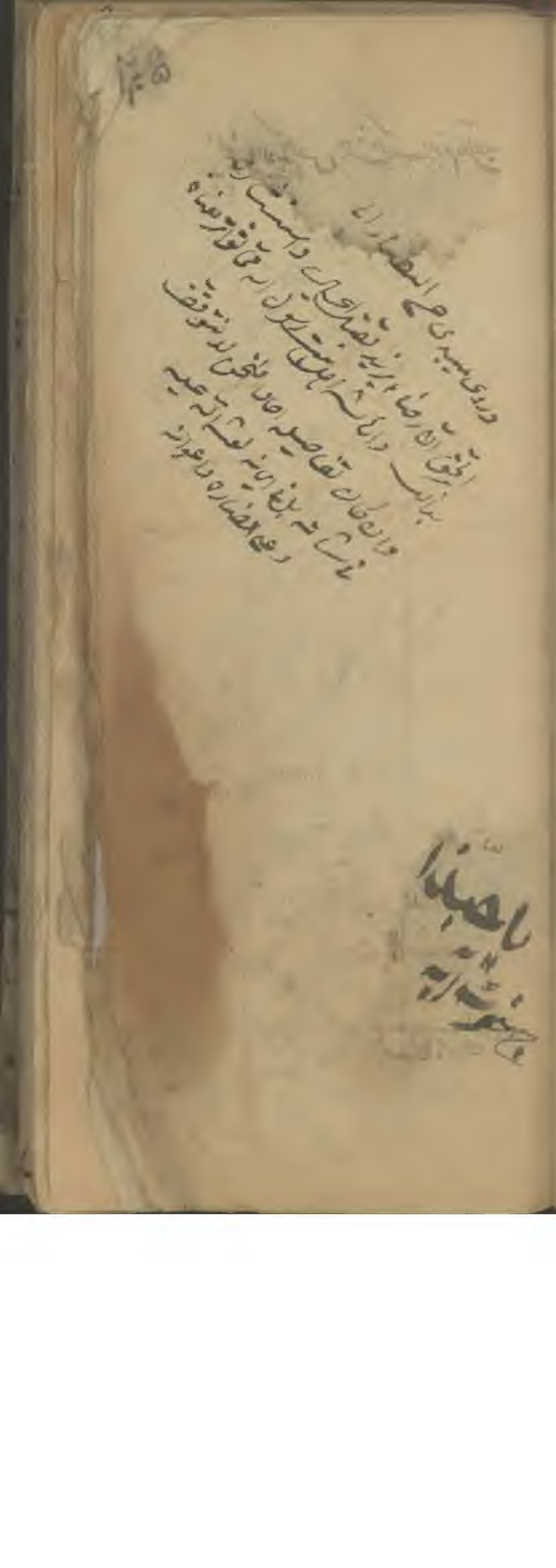

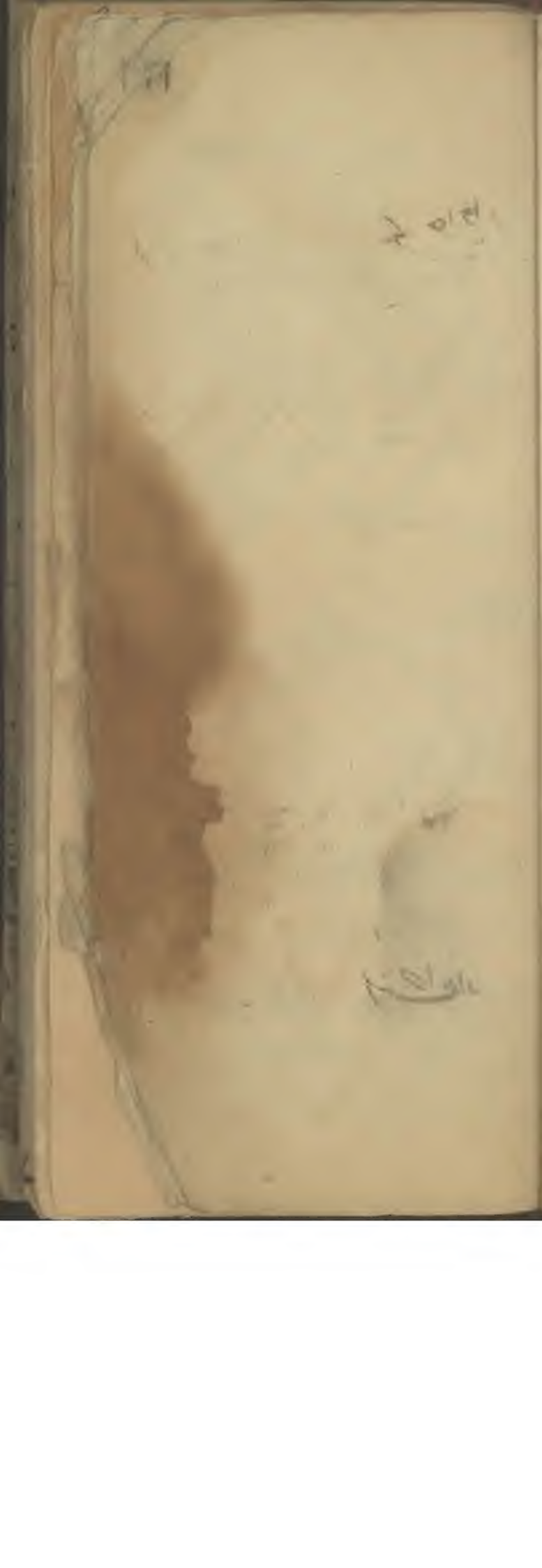

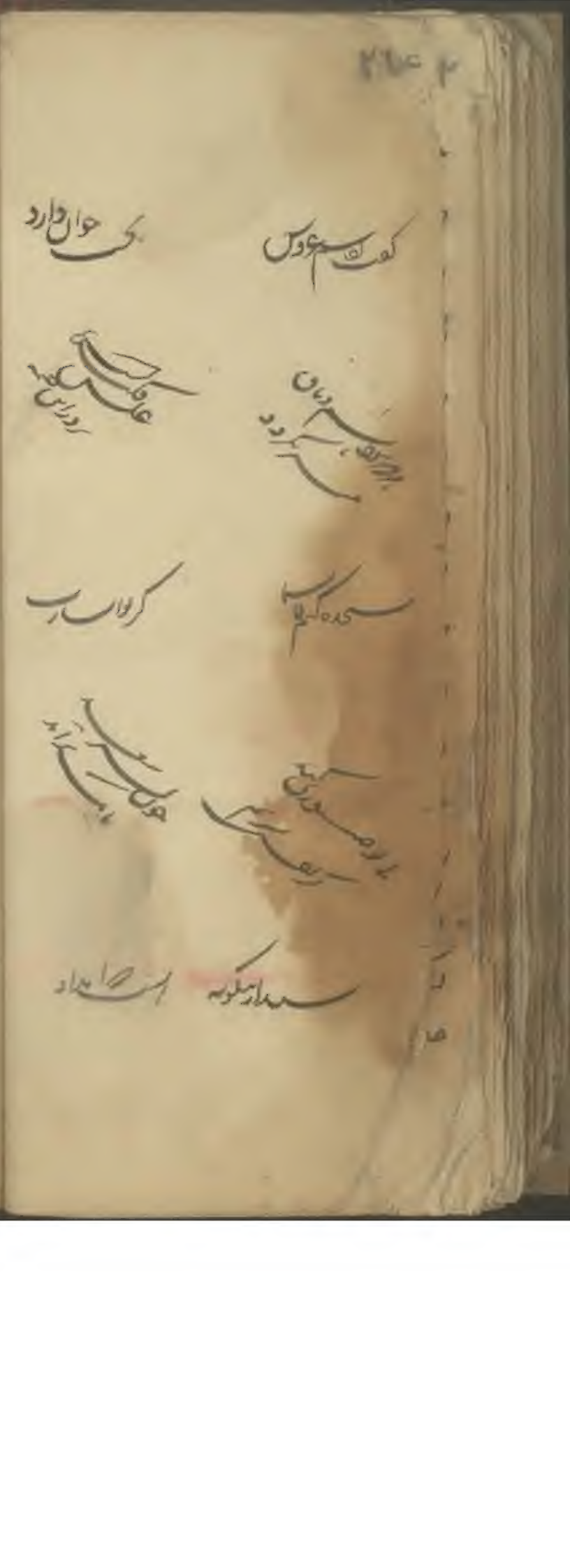

وطفن لديدعوا اللات ما تأملوا مقالي يا شر الأنام وارذلا

ألم تعلموا أني لكم نبأ بينكم
وما الدين إلا الله ليس سواه
فهل تستطيعون عبادتها أو تنصرونها
وهل كنتم في الآلهة مبدلا

أصلت بما قد حرم الله أحمد أحرمت ما قد كان حللا

فصار الذي ما كان يعبد أولا
كفعل أبيك الرشد إذ كان غيا
وتلقى صلودا من صنيعك باكيا

٥ فأتى إلى عوانس النساء جواده واجرأنه منها الفؤاد فذا مثلي

وفاري الأبا أهل بيتي لتصبروا على الضر بعدي والشدائد والبلا

فإن يهلك اليوم أرحل عنكم
على أرعن منى لا ملال ولا نكل
تقودوا جيادا جيادا أهل بيتي وابشروا
أردى علم والدمع في الخد سبل

تصبروا جميلا واتقوا الله إنه مسيجزيكم خير الجزاء فتفضلوا

فأثنى على أهل العفاء وصبرهم
كما أثنى على أيوب في الدين ذي البلا
وصلى عليهم كلما ذكر اسمها
كفضل أبيه لن يزال يتابعا

فألهبه القوم من كل جانب فألقوه عن ظهر الجواد فخلا

وضرب بالسيف الذي لا يكل
وأصلح الدين الحسين بن علي
فأوجب الله الجنة لمن قتل الحسين
وأوجب عليه النار في دار البلى

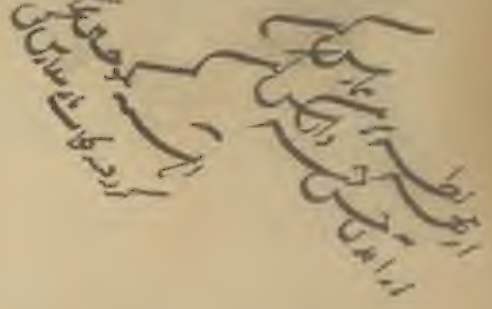

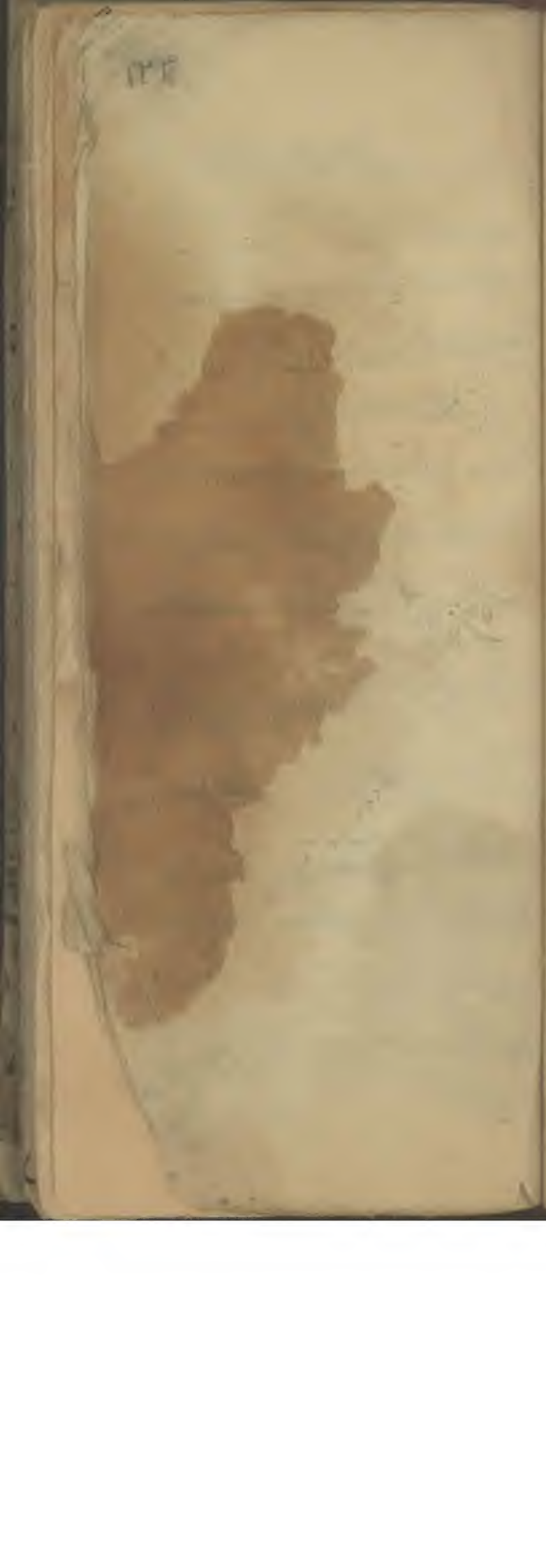

[illegible]

[illegible] وصلح [illegible] وسمى وعم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد

انها الناس اعطانا الله سبعا وفضلنا تسع

[illegible]

اعطانا العلم والحلم والسماحة والفصاحة

والشجاعة والمحبة في قلوب المؤمنين

[illegible]

منا النبي المختار محمد صلى الله عليه وآله ومنا الصديق

ومنا الطيار ومنا اسد الله واسد رسوله

ومنا سبطا هذه الامة

[illegible]

منا مهدي هذه الامة

[illegible]

من عرفني فقد عرفني ومن لم يعرفني فانا اعرفه بنفسي

ايها الناس

ايها الناس انا ابن مكة ومنى انا ابن زمزم والصفا انا ابن من حمل الركن بأطراف

الردا انا ابن من حج لبى انا ابن من طاف وسعى

انا ابن من حمل على البراق في الهواء انا ابن من

اسري من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى انا

ابن من بلغ به جبرئيل الى سدرة المنتهى

انا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى

انا ابن صلى لربك فصل انا ابن من اوحى

اليه الجليل ما اوحى (انا ابن محمد المصطفى)

[illegible]

انا ابن من ضرب بسيفين وطعن برمحين وهاجر الهجرتين

انا ابن من ضرب بين يدي رسول الله

بسيفين وطعن برمحين وقاتل ببدر وحنين

ولم يكفر بالله طرفة عين انا ابن صالح المؤمنين

ووارث النبيين وقامع الملحدين ويعسوب

المسلمين ونور المجاهدين وزين العابدين

وتابع البغاة ... القتيل القرمان ... آل طه ويس

انا ابن المؤيد بجبرئيل المنصور بميكائيل انا ابن

المحامي عن حرم المسلمين وقاتل الناكثين والقاسطين

والمارقين انا ابن اول السابقين انا ابن ابي السبطين

الحسن والحسين انا ابن فاطمة الزهراء انا ابن سيدة

النساء انا ابن خديجة الكبرى انا ابن المقتول ظلما

انا ابن المحزوز الراس من القفا انا ابن العطشان حتى قضى

انا ابن طريح كربلا انا ابن مسلوب العمامة والردا

انا ابن من بكت عليه ملائكة السما انا ابن من ناحت عليه الجن في الارض

والطير في الهواء انا ابن من راسه على السنان يهدى

انا ابن من حرمه من العراق الى الشام تسبى انا ابن من ذبحت

اطفاله من غير سوا انا ابن

انا ابن من له ... انا ابن من لا يدرى حوله

فخر الاعداء انا ابن ... الحسين

حتى ضج الناس بالبكاء والنحيب خشي يزيد لعنه الله

ان يكون فتنة ... فلما قال المؤذن الله اكبر

قال علي لا شيء اكبر من الله

... فلما قال اشهد ان محمدا رسول الله

... محمد هذا جدي ام جدك يا يزيد

فان زعمت انه جدك فقد كذبت وكفرت وان زعمت انه جدي

فلم قتلت عترته ...

...

يا جاعلا للنور والظلام ... وشاطح للجهاد للأنام

صل على سيدنا الهمام ... محمد وآله الكرام

نفسه هي سماء النور في سجية
ملبغة الشرعان الرب بنية
بعد رسول الله با لوصية
ناصر دين الله با لحسام

والبضعة الطاهرة البتول ... كوثرة الفرع والأصول

والدة الأئمة البتول ... صاحبة المناقب السوام

والحسن الناصح ذي الفضل الجمال ... بعد أبيه الفضل الرجال

هادي
فاموا على الصلاة
أنبالهم وراعى الأمام

سيد الشهيد بالجفاء ... من طرف حسنة للعراء

بالغربة بالدماء ... أقطعا ناله من لئام

وادم الأول سنا الرشاد ... عدة كل تهتدد

ذي الثقلان قدوة العباد ... مبين الحلال والحرام

وبا قر العلوم ذي المآثر
وصادق السلام الفقيه العارف
الولي والقاطع اللوح بالبرهان
على كل الشام

وناسع الأئمة الجواد ... ثم على النقي الهادي

والعسكري ذي الثناء الباد ... والحجة القائم بالسلام

هم سادة الأنام والهداة
هم أمناء الله والولاة
قادتنا الأعاظم الجهابذة الكرام
من معشر أماجد كرام

قوم نفوس لهم أبية ... سيوفهم عن العدى حمية

نستبهم علية زكية ... تلتف على عمائم الأ

يا من هو الملجاء والرجاء صل عليهم ما علت سراء

واختلف الصباح والمسا وحيهم ما اتصل الندى

يا صحيح الله على البرايا

عبدكم الخائض للخطايا

وحبائكم الشدة البورايا ان لم تحاموا عن

المحامي

اذا جادت الدنيا عليك فجد بها
على الناس طرّاً قبل ان تتفلّت

فلا الجود يفنيها اذا هي اقبلت ولا البخل يبقيها اذا
ما تولّت

سائل

نزيد اتون من رحالات ومن
جئت من دون بابك الحلقة
انت جواد وانت نجيب
انت قد كان قائل القيم

منطقه
لولا الذی كان من اوائلكم ما اشعلنا الجحيم

معتذر
فديناك علينا معتذر
واعلم بان عليك ذو شفقة
لو كان لي ... العداة عوضٌ
... عليك ندقه

لكن ريب الزمان ذو غير والكف مني قليلة النفقة

زمر شعارات از كيسان

ولغمها قال السيد العبد ... عليه

بالله احوار ثمّ سادهم
لولا حمول بني سعد لما سادوا

وفاة الشيخ الإمام أبي الحسن علي بن إسماعيل الأشعري
ثناء والطيب وقرة عيني
في الصلدة

در سوانح ص ۲۵ خود ۲۶ در شهر رمضان شریف
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بیرون آمد از حضرت رسول صلعم
بسته خرما آورد
نعم السائل و المسئول عنه
عرض کرد یا رسول الله
ما افضل الاعمال فی هذا الشهر فقال یا ابا الحسن
افضل الاعمال فی هذا الشهر الورع عن محارم الله
یعنی حرام خوردن و شیدی ترک کنید
حالا کوتاه کنم سخن بر خواندن و بعضی از نماز
باری بعد از سوال و جواب حضرت رسول شروع
اسلام کرد عقد عقد حضرت امیر خرما آورد
ما یسبلک یا رسول الله فقال ابکی
ما یستقبل منک فی هذا الشهر فقال یا
وانت تصلی الرکعتین و قد انصدع شفق
الاولتین و الآخرین شفیق عاقر ناقه کرد
فضرب ضربته علی قرنک فخضب منها لحیتک
در سوال جواب قرع ابن حضرت شهادتین
مقدم ادب عرض کرد یا رسول الله والله لک
فی سلدته من دینی فقال صدقت فی سلدته من دینی

فقد قتلنی من قتلک فقد قتلنی
و من ابغضک فقد ابغضنی لانک منی
کنفسی و طینتک من طینتی و انت وصیی
و خلیفتی علی امتی
از حضرت امیر شهادتین شروع او را نمود
و الله کریم برادران
یعنی برادر بر برادر ابدیه مثل حضرت امیر جزو دین
که مثل مبارک باشد که مرتبت در ایران
می مثل مبارک تا نیفته خضاب الدر
اما خود امیر المؤمنین علیه السلام جزو دین
بود وقت فلکی او ع حضرت سید الشهداء
بیرون که بخرمن بود
ای فرزند من مخوابده من رسیده
تمام یکی از بدن خضاب او ما قی دارد
اما بحیه خضاب نیم می سنم فقط باسمک
قانیه خضاب او ما قی اما سنک می سنم
او الجو دفعه مبارک انگونه بر راس بدر ما قدم
به مبارک بلسوده به بعد مبارک بود کله

اهل ریاضت دون

بوزمانده گنجش آواز ملارک اهل ریاضت نیک هایه سیاس
مطالعه اند هاس دیا السید هس و از ملارک عقلت
مطلع او لدی او ندا اهل سن که سنده لک زایمس
و اولار سنده چیلیکنده بیچه صادق ایمس بیه
او لار دیدیلر هارون آن حقیقی سلطانین واصی

من جمله

اولیس تر آن که بری اهی حضرت امیر علیه السلام دیکی
گیچه لر ما تازدی بر گیچه ویردی بو رکوع گیچه سیدر
او گیچه نی صبحه لمک رکوع ده الله ردی بر گیچه ویردی
بو سجده گیچه سیدر

از طلحه انصاری نک ما عز زاریدی بر یون اوردی الله
قبول ردی

بر بزرگ شخص عمدی بوز ایله یتیشدی اوردی
یاتان زنته ایله دیر اوز الماتی مزد فضل اولوندی

شهر رمضان

برادر ارسلان شریفدا

انسان یا صاحب نجاة ابدیه اولار یا صاحب هلاک ابدی

حالدا ایسه بزم حظ ابدی آنلیاق که جانم فدا اولسون ایلکیسه

ایلکزه وایکیسنه دیگرلرینه آچیق آچیقه دیرم

بو قدر وار که بزم امریمزه اویه بیورمیه که جناب حق

بزیم اوزیمزدن شکایت ایدر وسیزدن شکایت ایدر

حضرت ایرهم هکذا

آله تعم بیوردی بنده لر بنیم بنده جیلکدن ال چکیلر

حضرت رسول بیوردی امتلرینم شریعتدن کنار اولسه

قیامتده من اولادلرمدن اوتری محکمه قرار ویرینجه محشر

ایدیلمز حضرت ایرهم بیوردی بنیم تشبثمدن ال چکیلر

شکایتچیلر

(۱) قرآن عظیم آنلر (۲) شهر رمضان شریف

(۳) ادله وبراهین عقلیه (۴) بهشت (۵) ملئکه

حضرات ملک حراف جیب

مهیا حلوه اعضای جوارح ال اباق کوز قولاق

وسایر اعضای جوارح

جلد احضرت امیرم که ما می امید لر اوزن ولدینه در
سیزون چونکه گله سندن بیورورای سنیم محتاجم اکر
من سیزه نرعظه ایلدیم اوزلیاسمله خورا کله
رفتاریم ایله عباد تکله هیزیم ایله بازارلاروده
کزه رده هریرده اوتوردیم سزه واعظ اولدیم
حتی باشیم صرتبلندی کنه اوحالنله سزه ویریم
سوزی قبل ان تفقدونی

حالدرک اوزن لباس بیکه ایدیله اوزنه نیزه وعظ
یجب من اللباس الخشنه
عبیده ایچی لباس تازه پیاس
خوراکی نه ایدی؟ قبزه کنه پیاس اوزن
ومن الطعام الجشبه

عبادتی نه اندازه ده ایدی
حزار والله لقد رأیته لیله من اللیالی
وقد ابتل التلام سدره وغارت کرمه وهو
یتململ فی المحراب تململ السلیم ویبکی بکاء الحزین
البال صالدیق سوزی پرده در

برنده سهل در حتی شیطانده برون شکایتلاید
اما برلدرک تفضیلی نه عزایله شکایت ایده جلک
حالا جناب حقک شکایتی دورسون بعد غرض اولنار
اول شیمدی اکرم بیورار

لقد کان لکم فی اسوة حسنة

نه ایچون سیزانت نه پیروی اولمادیکز اصحابمه
نسبت لک ایلمدیکز وصال آنله برابر لک
دین دن اوتری وسیزک بجانت هدایتکزدن
اوتری نه قدر اذیتلره معرض اولدیم نه جور
اوکلدیریدیلر اولرمه واهلبیتمه اسیر اولماغنه
قدر اضی اولدیم برلدرک برینی نظراده دوتماذوز!

جلد احضرت ایرمیا بیورار سیزله اوزوزی نه تشبیه
قیلاریم سوزمی اوزوزه حرمت برداشت ایدیرسوز
نه وقت منه منابعت ایدوز منیم دینی برعلده
اوزوزی نه ارخا دوز حضرت حالندیدن
اوزی طریقندن براید باشاده چیقز
ایکی لباس ایرمدن باشی مرغوب ایدی قبزه دیرلردن
باشی دوست ایدی اوزی کردی بیورمدن جبا ایدیم
اویله بر لباس کیدیم که سوکن لباسوندن بالدرا دیلردن

اما جناب حقگو بیگانه‌پرست

بریده نمیرود و ما قدروا الله حق قدره

دیگر مقاله سورهٔ نوح (۱۳)

مالکم لا ترجون لله وقارا وقد خلقکم اطوارا

نه اولا بدرستیکه الله نیافریده بسیره تعظیم اینکه

و ثوابی دریابد یا اینکه امیدوار او نمیشود بلکه الله شر سزی

طور طور و نوع نوع خلق امیدوار گاه جزای گاهی

یا اینکه برسته او را برسته کند

صدره مقام عقاید نمیرود نه قدرکه سزی او را

سزد در سر اول سوره تملیک نعیم بر زله بله

فکر بردن کردن نمی‌ماند شخص فقیر محتاج سوره آل

احب بسیزد استقراض امیدم دیرم نه قرض

الحسن بردن ربانی مخلوق از آسمان حرام ایمیشم

اما نه قرض ربوی بردن

من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له

آیه مقام ره من جاء بالحسنة فله عشر امثالها

از جمله غنا نباشد امیدن برد نمیرود از سزدن غیر بعد از نعمت

برکس اول رفقه با الله دیمی بر رفقه نمیرود

دیرم

اما رمضان سر نیفده هر رفقه نه یا الله دیمی

سر هر رفقه سوره نمیتوانم دیرم پس با وجود این نه اینکه

نمی حاضر نمیرسد،

ای وای بزیم نمی‌ترسه خداوند عالم از عظمت اینکه بوقدرله

بزه مهربانی رؤف و رحیم بر اوصاف نه قدر او را ادراک و نه پایه

غافلون

آیه مقام ره نمیرود موافق توحید رضا بله الله موافق شریک

و یا موافق دشمنان و حال آنکه الله دیمی خدا را نفله نمی

صلوات

عرض امیدیم رمضان سر نیفده سوره نمی‌تواند حالا او نمی‌تواند

رفقه حاجیانی از آن رفقی نمی‌تواند سوره افطار

و بریک امید بر

حالا چگونه بر نمی‌شود حقیقی به افطار و بریک اگر نمی‌شود

نه امید کردن یا بسبله آخ دیرم آخ ابدی سوره نمی‌شود

سوره نمی‌شود ابدی قتل عثمان قتل عثمان

او آن اگر افطار حاضر امید نمیرود او قفه نه شی از بر

او نه حلقش بعد از حدیث رسول الله بعد از سوره نمی‌شود

او گوش ما غلیظ اما گوش ما حدیث نمی‌شود

نمی‌شود حالا نمی‌شود نفره نمی‌شود

الا نمی‌شود

نقش حضور صنعتی که در مقدمه فراوان است

پس لازم نمیشود شخص نفس خود را بهیچ امر و نهی که هر کس
هر یقه که بپوشد یا نپوشد نفس خود را بپوشد
و هر کسی که دنیا و آخرت این حزب اعظم را
رعایت نماید البته خود را بسیار و حیران
بفرمان ملک حقایق پناه الشیخ که برای خیر خلق میفرماید
نه نقاب بپوشد
و همچنین حکایت هاید بر حسب صاحبزاده الشیخ
که نفس تو را بحب امر بقرائت حزب اعظم میفرماید
آیا در سنگ قرن حضرات اولیا در جمیع خلق
حزب اعظم را میخواندند یا نه
سبحان الله العظیم اگر کسی نه سجده
این شش رکعت بخواند بر میگردد تا سجده
مستحب باز در خلوت فرض میشود
حالانکه لازم الملک گردد می نماید پس چه
نفس نه سجده نفس امر نماید پس
اینها نه شیئ است اگر شیئ بخواند
نفس را نه شیئ باعث هلاکت نفس را
بعبارة اخری نه شیئ یا که شیئ واجب نماید
او را از ذوق اولیا و نه شیئ که شیئ واجب
اینها نه شیئ اگر شیئ خواند نه شیئ

صد و شش واجب ۴۵ سید ذکر که اوراد قدیمی
دورت طایفه بیلر
اولنجیسی صحت به بندر که اوراد قدیمی خاصوصی الله ذکر بیلر
پس نه قدر که صحت به نک دار سعی ایله تحصیل اخر نتره
که اوراد قدیمی هر اندازه عرض بلد و خاصوصلق در

ایکنجیسی اسیتک قدیمی اعانه او لمیا الله ذکر بیلر
پس نه قدر که سلطان زمان نک انتقام تلخیسنک
برتبه دن اشوره پس اسرار ک شرفدن اشوره پس
یاوز ک هلاک نعمتک شکرین ایله که الله عبادت
ایلمک برتبه دن اولدرن و حضرتنه
که قدیم رتبه ده نه قدر مخلوق نا آشنا بقا منع
عرض بلد که دوعا اولنه بلد اولاد بر نی کرز بر نک
نه قدر مالی وار غفلت شیله قلبه جوز زنبیل
عرض اولدرن یاوز نعمتنه کیدرب نه خاندس اشوره
اولدیرن نه لنجلک احوالدن غافل پس
حزب اعظم قدر اولنلرک احوالدن
پس تا ریک بیم موج گردابی چنین هایل
کی دانند حال ما سبکباران ساحلها
(۳) اوچنجی بیورور جوانلغک قدیمی قرجالدر بیلیر

همیشه قوی بالدون بیدرس حرا نلق نه بیرک نفسدر
قوه تام اولور کوز البشقدان نادر فولدق الیشتیره لور
قوه دراز تام اولور عبادتدن ست دیبادن دره
برلذت آنلرا ایله یورس

درحرانی کس نشاد رحمت حان
درحوان باش ذالک الحرانی

زرابنده واردر اولرب حرا ایله الله اطاعت ایدر
یاخشی راقدر بیلس صدیق دن صاوندغ عالم بیلیکه تا
ایدر حرا اولر عبادتدن

ل ع بخیلی بیورمیدر دیر بلیلک قدر بنی اولیلر اولر
سخی اولر بر نفس بیلکسنه نه قدر درجات بهشتی الدیلر
اولقدر حسرت چکه لر که کاش قاچیدیم دنیایه
اولکه جناب حق بیورمیوب اطاعت ایدیدیم
لکن نره سی یوقدر

بر نفر اعرابدن حضرت ایردن حرا لدی که اورازق بولدای
حکیم سرزن دیدی سوالیم وار حضرته
بیوردی حرا لدن اوچ شیئه اولسون اولسه
من جمله حرا لدی ما القریب وما الذ قرب

ونوردی
قرب هرآینده ست ولکن اقرب ازهمه قربها مرگست
زیرا ازبرای هرآینده وقت معینه ست که درآن
وقت حواهد اما مرگ بحمل حیات وقت ست
زحمت ندهد امید چشم بر همزدن پس ای عزیز
فکرکندار مرگ پیش آمال آرزوهای دراز را ایلخار
بگذار کی رفتند آنها که بارسال دوروی زمان
بودند مثل تو حرص میزدند شب وروز درخیال تحصیل
مال بودند

من جمله اعراب ما الواجب وما الذ وجب
حضرتی دیدی واجب توبه ست اوجب ترکدر
بعضی ست زیرا که بعضت صادر اولدن
وقت ترک امان درنیه که توبه ایلیه پس
نه ایچون بعضت ایده سن که فضای توبه الدن سان
براید هدیه وخناس ایکی شیطان اولر برکسی
ایدر توبه یک تعویقیان دیدکی حین ترک
ایتکی اولدن السون هم ربنک حیله سندن
غافل اولمه

من جمله ما الصعب وما الذ صعب

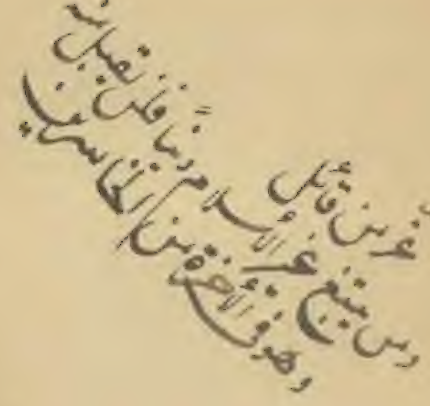

وروى ابن طاوس انّ عمر الدنيا مائة الف سنة
يكون منها عشرون الف سنة ملك جميع
اهل الدّنيا ويكون ثمانون الف سنة منها مدّة
ملك آل محمد صلعم

دفتر اشعار ... جوانان در تنگاه
یادگار ...
۲۹۳

اخی اخی ای المصائب اکثنی
فراقک ام هتکی وذلی وغربتی

ام الثوب بسلربا ام الجسم عاریا
ام النحر مخضوبا ببیض صقیلة

ام الظهر مرضوضا ام الیتیم قاسیا

آیا از اسب تو افتادی پشت که از بار یتیمان
یا از ستمکاران شرم نکردند که بر سر حضرت شما

ام الرأس مرفوعا کبدر الدجیة

یا آنکه از سر تو ربودند که بر بالای نیزه مانند
ماه تابان میدرخشد

یا بنی من عسکره یرم الاسدان لها
یا بنی من فرطها تقطع الوتین
واخوتها حال دیدن

قصیده و یا ربیه تقتضی

فاضل دربندی اعلی الله مقامه بر لفظ مرتکن سخصدن
نقل ایدیر که ابن سعد ظالم اوزرینه سندن صلیره جفوت
عزم تفرج کلدکی قتلنا به کلوب کروش ایدیردی بازدی
سهندای رکدوش اج دسعد بر شه که قاتل نرا فلده او
اوزه قلاریه آغشته دوشمشدیلر الله غصایه
ارحم یاران برچوب خرزان دارایدی ادلعات ایلن چوبه
اوبنا بوردی دراد کاحرلت دیردی اوچونله سهندا
برک بدنزنه حرلت دیردی داولادون ارسیده برجور
تا انکه بغشدی ابی عبد الله تا زیان مدینه همیله نظری
حضرتنک سابقک مدینه دوشدی حضرتنک بدنشه اولدن قلیچ
دیزه بارالاریله یا قردی بوجمیده اوظالم اوزینه روشدی
بعضی اصحی بدینه سلسلدی

ایه ایه هذا الحسین کان باغیه فی المهد جبرئیل
ویفتخر بخدمته میکائیل و اسرافیل وکان فی حجر النبی ص
فی اکرم الدوحات علی منکب النبی ص و برشه پیغمبر

فانظر الی حالته هذه بس تفتیش ایدیردی اوبارا
حضرتنک بدنه و بر بندیلار کوردی حضرتنک بدنزنه چیکلنده
برآیری جرحه بارا اوارکه قلیچ دیزه بارالرینه اوقدر مالیور
آرام کوندردی حضرت سید سجاد ی چاغدیردی خبر الدی
کرسنه به بتمان وزنان حضرتنه کلوب
ولب تشنه کوردی

(۲)

وراوی دیر اندا اولسون الله مه فراموش اتمزم امیر سلمان قزی
خانم زینتی اوحالنده که نوحه ایدیردی حزین صورتله
نوحه بوردی

یا محمد صلی علیک ملیک السماء هذا حسین مرمل
بالدماء مقطع الأعضاء یعنی یا رسول الله صلوات
کوندردی سنه کوکلک تازه سی نوسنک حسنک
که سنابک بدل فامله آغشته اولوب اعضاسنه
پارچه پارچه

یا جد ناه یا کرباه الیوم مات جدی رسول الله ص
الشب
یا محمد ابناتک سبایا و ذریتک مقتله تسفی علیهم
هذا حسین مجزوز الرأس من القفا سلوب العمامة والرداء
خطاب بحضرت سید الشهداء ع
بابی من عسکره یوم الاثنین نهبا بابی من نطاطه
بابی من لاغائب فیرتجی ولا جریح
مقطع العری
فیه اوی
بابی الوطآن حتی قضی بابی من شیبه نقطر
بالدماء راوی فلکت و آله قل عدد و صدق
مرویات شعب از سوز نالهٔ انحطاریه اشک از رخسارش
(السابه بیرنجت ریزه تاک ان ان)

محمار علیه الرحمه ماحوس ایدی احبا لرادون
بیاطه سنه مشغول ایدیلر محمار بوزوردی که بنم دردیمه
شفاسی بریدن رکاب ولد الزنانک فایمن تز اکلت
ایله در اوخ کوندن صیکره که اخضر بیردیلر پیره را
کلدی عرض ایلدی آنی او ملعون بنم الومی
در دهرکون نه برآیار قزیل دیریر ایشتدیم که
بوزوردسوز بنم دردیمون شفاسی بولمیوزن اقایمن
تو تمک ایله در بسم الله اتام کوندر او جنبشی دوتوب
گیتر سونلر ایلکه او ظالمی ایردن مجلسه گتوردیلر محمار فرخندر
دوردوب اوتوردی اذ لمجی سوزی بو اولدی ای ولد الزنا
وی گوردوم بنیله دون بنم اتام حسینک زده ایمن اولمیور
بنکر اولدی محمار اوایله دی کاز آهنگران ایله
اوزون پستایمن سیخ دیلار بیدی منی مرخص ایله یون
کیدم زرهی گیترم محمار بوزوردی سنی مرخص ایدرم
تا پشورارام مالک دوزخه اوقدر ایچیدیلر تان
ویردی گیندیلر برصندوق گیتردیلر که زده اوزون
اوزون ایچینده ایدی ایلکه صندوقی آچدیلر اوایلار
بریدیلر ایره لی صندوقه باخان گیمی ای نی شیله دوردیلار
آغلادمغه گوردیلر زده تمام پرخون در
تصرف منصب مقام

در عنوان مرحمت

ماخوذ وضبده

ی بیله سلطان مخلومان دار و زمان لر بلد
ربلدون بریدن برساری توزالدون می س
سر بغنه اکلتدی فوراحضرتک رنگ رنگ
افروده وبرنگ اولدی خاتم رنگون گوری
حضرت حال متغیر کنده ایدی ایلکه حضرتده
او احوالی مشاهده ایدی دیکر طاقت گوزنه رب
سیر سیمه قرار شک حصوزنه مکوب گریان گریان
عرض ایله دی ای محرم دل ریش برادر جان عجب حالتی
سن ده مشاهده ایدرم نه به نوعاله دوشدون رحال
رحا ردون نه به پیچ زده اولدی ونه به بویرک نلی
تغیر نا بوب ساری توز چهروده اکلتدی برادر
توبر بنجه بر در و تیراق بنجه بیراقدر اودقت
که من بوراقدم قوبمیم وحشتی
گوتوروب بوره گیمیم اضطراب دوشوب
ی زه توبر روحم بدنمدن مفارقت
ایله سون ماذا علیک نفسی لک الفدا
حضرت بویوردی خواهرجان بوراسنیم
وجوانلر زمون قبرستانی در ونیم
بو بوزقوبلقیم سیز ایچیلر دوان اوزی
دقیقه لار عمدان او مرتبه ریز لره کوبره
پیزی اولدی بر لر دسیزی اسیر ایدیلر

باجی اوآدملاریکه سنی وجوانلاریمزی اولدیره جکلرو سیزی
اسیر ایده جکلر بولون بویره وارداولد جافلار

(ابو بقاله نک سوزلری اولماغین حقیقت اینک)

باجی سیرزن خواهش ایدیرم همینکه کوردونز قوشون باجی
کلوب دورغی دورمنی محاصره ایدیلر کوس نقاره یه کوملدیکی
سواره وپیاده نک غای بری هلهله سنی اوحالدن بیلورسیز
عورتلر شیون اینه سونلر اوی تلدر قورقوشوب ضجه چکه
سونلر هرچنده که حقلریده اولمش ایسه باجی اولماز
دلدارلق ویرر دشمنلری منه شماتت ایدیرمه اغلمانلر
بوندن صکره اولاجاق

(اینکه زینب بوسقاله نی ایشیدن ال ایله دی باجانه
پاره له دی نجیب عیش ایلدی امام علیه السلام
بویوردی لاحول ولا قوة الا بالله خدایا بوعورت
دوتش غه اورزن صبر عطا ایله خدایا فاطمه بالدلدن
مصیبت ایشیتمکه طاقتلری یوخ ایدی پس نه چیدرک
پیدا ایلیه رنجه صبر ایدیلر اوقتده کلدیلر کوردیلر
یا اباعبدالله واسفا جلس علی صدرک

ح

صاحب ریاض علامه یه اسناد دیروب بویوردور رباب که
حضرت حسین علیه السلام بک باردالضارین قبر دیلار
نا غریب وتنها قلوب پوحاله دیر آه سوزناک جکرلرین
چکوب ندا ایلدی هل من ناصر ینصرنی هل من ذاب
یذب عن حرم رسول الله صم

فخرج علی بن الحسین زین العابدین وکان مریضا لایقدر
ان یغل سیفه

پس بیمار لاغجیلا اوزقدی میدانه طرف کینکه علیا مکرمه
زینب خواتون سلام الله علیها قرداشی اوغلین اوحالنده
کوردوب بویوردی باپوشدی بیمارلغ دانشمان
اغلیه اغلیه بویوردی نوردیده کمار آکیدیرین نیچون کیدرسن
سنسون که رعوا اینکه طاقتلک یوندر ناخوش سان

فقال یا عمتاه ذرینی اقاتل بین یدی ابن رسول الله
عمه جان سنی آندوررم الله الوفی رسلمدن حلک کیدیم عمی
اباته قربان دیرم آخر بابام غریب کی زرکیبز حضرت
سلندی باجی آقربا بالدی کلسون

لئلا تبقی الارض خالیة من نسل آل محمد

ایلله اهل حرم لاینک برزه بیین ایشیتدیلر بیمارلاینک
برقولندن فاطمه زینب برقولندن ام کلثوم دکرتب
کوزلرینی خیمه یه اغلیه یلر زخم خوانک اوستنده
حضرت سجاد ازبسکه قوتلت اینمشدی کثرت ضعفدن

انجلوب غش ایلدی دخی ایرشه کلدی مکر اودقنده
کوردی عمه سی رمنب باش اچق ایچری وارد اولدی
سیلندی بوردیده دوراياغه کورنه مهمانه در
از وضاع عالم منقلب اولوب کولون قرصی هر ترلوب
کولدن قان باغور ایام بهار بولوردی خیمه تک پرده سین
قاطرزن ایلیکه پرده نی کولوردیلر آتا سید انر نظر اب لدی
بلرم نه کوردولیه بولوردی عمه جان آتا ملک اهل عیال
جمع ایله دلیلی بیلبلرین محکم باغلا سونلار اسیر لیکه
اعاده اولسونلار. الا لعنة الله علی القوم الظالمین

خبرده وارد اولوب سیغمر خدا اولون اهلبیتی حضرت حسین علیه السلام
سنهار رنی متدکر اولوب اغلیوردیلر دیلکه حضرت حسین علیه السلام
اوشاقلرینی اوغاده خبر ویرمیه لر حضرت اظهار رضا ایدیردی
ایدیردی مقام تسلیمده دورار دی لکن بعض اربات ترقم دیغرت
یابیدن اهل عیالنک دشمن الده اسیر اولمالری مدعضه
ایدوب اوراجیلی پریشان حال اولوب اغلیاردی
بیله که سلمان فارسی دن روایتدر دیر لرکه مدینه دن
کرچه لرمدن کیچوردیم کوردیم برجمعی اطفال عربدن اوسنا یورلار
دیو اشاره کوردیم حضرت علیه السلام اغلیوب کوشه چادر التلرده
اوسته بوبنین کیچ ایدوب بهار بولوردی کیمسه زار زار اغلیور
بریدیم اره لی اوحالدن خبر آلدیم که ای سیغمر اقام الله
سیغم حامی سیه قربان ایله سون نه اکون چادر التلرده اوسته
رملشوب اغلیورسان ادمیه خدا نخواسته عرب اشقاوی
سنی اکیدوب اذیت ایدرلر حضرت ایله بولوردی
سندن ایشیتدی باشین یوقاری قالدرزب نظر حضرتیله
سنه باخوب مبارک الیله اشاره ایلدیکه سلمان بولقدن
دن کیچ که بوره کیدم ردام اتمه بوره اذیت دلیمی بیان ایدیم
سلمان عرض ایلدی سیغم لام مکر مکرر حدثن سیغمر خدادن
ایشیتمیسین دی مکرر بولوردیلر

السلمان منا اهل البیت نه اکون زرد دلی سندن
کیرنه درس ایله اوتظلم بولوردی ایشیتدی سنده
اغلیوب بولوردی ای سلمان بیلکلی که

خطاب اللہ تعالیٰ جبرئیلہ وحی ایدوب اودا بیغمبر
خبر ویرب کہ بنی گربلا دنلی یزید کوفہ نک بی وفا طایفہ سی
منی قتلہ بیتورر سز حوالہ لار بنی دوغریلار بالالاریمی بیتیم قویارلار
بو مصیبتلر ایلہ یورکلری سویرمہ اہل عیالی اسیر ایدوب
عربان دوہ لرہ سوار ایدوب شہر شہر دیار دیار گزدیرہ
دورلاندیرارلار اولار اخرابہ مسجدہ یردیریرلر بالالاریمی
گیزلہ ایستہ رلر ہر دقیقہ بو مصیبتلری خاطریمہ گتوریرم
یورگیم طاقت گیرمہ یور باشلادیورام اغلمہ
لابردادہ بعضی بعضلہ برادرلرب داخی اولاری عرض ایتہ یورم فلا
انجاق یورامیہ ایستہ یورم عرض ایدیم سیزدن سوال ایدیرم
رسنخصیلکہ ہنوز اولون اہل عیالی عاملہ دوہ لرہ حکمہ یمیش
اولدرون احوالنی جدال ایتمک ایلہ گرچہ غرشدن خود دارلق
ایدہ بیلہ رب افلیہ سن اللہ یاخ یورا اولرنی نہ سوالیلہ
گیچہ رفاقلو گورزری باخا باخا گورہ اولرون اہل عیالیلر
بالالاریلہ باشی اچیق باخمق فجلہ گتورزلر یورہ یدن
برلنوزہ یزیدی دورا ایاقہ عروس خاطرلی الیلہ گرسترز
برزیہ دونا یزید لداڑیہ دیہ ایہا الامیر ھب لی
ھذہ الجاریہ سوز بوقدہ کلمدہ
فاطمہ یورس دوندی عمہ سینہ عرض ایلدی
یا عمتاہ اوممت واستخدم عمہ بنیم لک
منہ لبس وکل ایدی ایمدی منی گیزلہ یورلر

ایستہ یورلر علیا مکرمہ بو یوردی نہ یوفسق
او اقتدار صاحبی اولا بلز کہ بو خواہشی عملہ گتورہ
بیلیسون مردشامی سوروشدی مکر بو جاریہ گیمدر؟
یزید دیدی فاطمہ دختر امام حسین اودر زینب در علی نک
قزی شامی دیدی اولمیہ حسین فاطمہ زہرا بالدیسی اللہ
وعلی دہ ابو طالب اوغلی اولہ یزید دیدی بلی شامی
دیدی

لعنک اللہ یا یزید تقتل عترۃ نبیک ونسبی ذریۃ

فواللہ ما توھمت الا انہم سبی الروم
بو اللہی ہرگز سن گمان اتمیہ یوردیم بولار پیغمبر بالالاریدیلر
سن بیلہ حساب ایلدیم بولار رومدن گرنگ اسیرلری
یزید دیدی جلی خوب ایمدی سن سلمنی دہ اولدرا
جلی ایدرم
فورا سلمنی جلاد گلوزن بو بیانہ زیر
وضرب عنقہ اسلاں

چون دشمنان دین سلطان دین او دینی قلعه تیوردیلر
بدن تقدیر سنگ لبا سلری غارت ایتدیلر
(انا نه کیفیتکم)؟
نازنین مدنی پیر افلاکی دوسته سالدیلار دوشن اوس
مبارک بدنینک قانی دوکیلدی جاری اولمغه آغلادی
بیچاره خاتون آتی زوجه اخلیمه آغلیه اوزه صاحبسز
قرانلغه دوشدیلر اوحیوان ناچار لقدن یره
قرار دوتا بیلمه یوردی وهمیشه اوزینی آتمغه
هیئتمندی که قفاسنی قوشه اوتورمیوردی یا خود
قوشی کبی پروبال کیرمیشدی اوحیوان گاه صاغه
قاچیردی گاه صوله شیهه چکیردی ضبط ویریلردی
بیلمیدی آغلیوردی مرحمت دوستمندی. لکن بیله دفع ایدیردی
هرطرفه کیدیردیلر کیدیردی چکیردی صاحبسز یالنز
بالا آمادن ایکیدیلیه کمی حضرتدن آیریلدیلیه یوردی
چکیردی بال دوکا کلیس آقانک قانیله الوان ایدیردی
گاه آقاسنی سکر یارالاردن اوپوردی ایله یوردی
باش قویردی هبا بانک شیهه چکه چکه لقه تایدیردی بیدانه

قال رسول الله صلعم قد افلح الیوم من اخلص قلبه

برنجی مقاله ثمره صدم

۱) دوای جسم وبدن بنده نزین طب جسمانی
بصدور یلمغ حره صفرا وسودا آتاسوندن
فرمایش سید المعده راس کل داء

۲) جناب حقه تقرب ادمان

۳) ادراک مقام رضیت عبدی اطعنی

۴) بر قدر حراص اولمکدره غرضانه قدما اردوی اولاردی

الصدم بیت النفس وشهوة الطبع
وفیه صفاء القلب وطهارة الجوارح

بسم الله الرحمن الرحیم

غرض قائل

یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین
من قبلکم لعلکم تتقون
ایاما معدودات فمن کان منکم مریضا او علی سفر فعدة من ایام اخر

اول فضیلت ماه رمضان شریف

بعد ثمره صوم پس ثمره صوم ۱۲ در

اول اودوح حرارتی رودای جسم بنده مؤمن در

چه که اطباء معالجه امراض اجسام در اول فصل ابدوره
اغلط اربعه طبیعیه ایدر

جمیع نفوس مریضه ان تی دعالم امراض نفوس
دعارف اودویه امراض ودوای شرایع سماویه
جمیع دردلرینه طبیب علیم علی الاطلاق

بدایدی بلدیر دیلدر ای صوم ایله کری الراقم
تنقیه در مزاج سرکشی ان یه اکون و امر بیوزه بلدیر
کر رمضان شریفده نفس بتول عبادات دیکر
اوزرینه صوم ایله معالجه ایلیه سوبلدی
واودوح دوتمی ایله فضیلت یلدم وحون
دصفرا اوسودا اودمان آن السوزن دمراجی ایله
اولسون رسول حق
سبوردیلدر
واخطه بدیک قالی عودسه

اودرکه جناب حق بیورور

کلوا واشربوا ولاتسرفوا انه لایحب المسرفین

فقره طب نصرانی در مدینه طیبه

من جمله اودرجه ثمره مندن جناب حق تعالیه تقرب
اولمامق در

صیغه قدسی یا احمد هل تدری بما یتقرب
بتقرب العبد الی قال لا
خطاب اولرندی الی فاکان جالها اوعطاها
اوساجدا اوباکیا

من جمله ادراک مقام ربوبیت در
یعنی اودوح دومان سخص اولرین بر مقامه یتوده ایلرله
آثار ربوبیت اوزه ظاهر اولدر بحیثه عبد ایدوده
بیوردی
عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی اذا اردت شیئا
اقول لکن فیکون

اصل بو قدر ایله خواص اودوح دوتمی ده دار
اولمامله بوکره خاتم انبیا سردفتر اصفیا و مدینه علمه
نه قدر اودوح اولدردی اوح کون اوح کون آخ قالدردی
اهلبیتدن اصحابدن قارنینه قناعت ایشی یاصدردی

قرخ کوندن قرخ اوته ایلدن توستی حیقار زدی

اوزی آج یاتاردی فقرای اتی اورتنیه وعمالنه تقدیم
دونار وزی غم ایدر ایدی ایدی ره قول بوت میز خانه ایدی
اللهم احیینی مسکینا واحشرنی مسکینا واحشرنی فی زمرة المساکین
بونون ایله سیله امت نه جور صدقه لر اولون وجود صدقه
بیتور دیلر ساحر دیلر صبر ایلدی شاکر دیلر
صبر ایلدی کاهن دیلر نفس ایلدی کذاب دیلر
استغفر الله دیلر مبارک باشنه تورات اندیلر
یاز قلید یقده نقشر بنه اولی قرلون آندیلر
تحمل ایلدی ۰

غرون اتمدیه مبارک دیاین سنیر دیلر
مبارک صورتین محو ایدیلر
ملکه بلقیه ره اولر انتاریدن نه صدقه لر کورولدی
رادی دلور وار ملکه اولدیم نوکردیم یاناردی
ترخص ترزی جبه السنه سی قرزی ملکه ایاقنده
دیلور در قولالله نه لعلی
ترخص ره انکنده دراس مار اکیدیر سه اوده الحرمت
رانیچه دراس اهله اولی دیر دیه قرلدی آمارین
بوسه اولون سوزی قرمنه
سوزه دستدم بولدیلر دیدیلر داعی اول
محمد بن عبد الله در مکه دن طلوع ایدیب
سفر لک اوغاس ایدیب دراسالدن خبر ویریر

داعی دوتیم اولون عمر بن ابو لهب دیر که اولی تکدیب
ایدیر براز یاوقه کتیدیم کوردیم ازبکه مبارک بدنه
داشی ویریلدیر بدن اطهرینک قانی ایاقلرینه
جاری اولوب کویا ینم نظر ایمه ایاقلرینه قرمزی
ملکه طلوب در بس نه قدر که آذیت ایدیر دیلر
مبارک باشین یوخاری قالقرمیب عرض ایدیر دیلر

اللهی اهد قومی فانهم لا یعلمون

بهه حالا ایله بیلرس احمدی معمری دانشمند ایلور اندر
واللهی احمدی اوندان بهتر دانشمند ایلور اندر ۱۰۰۰۰
مبارک الیاین یاره لوب ویلدر قویا یودوکی آلینکه
یره جاری اولسون که [illegible] جناب حقک غضبنه
یرین کوکلر اوت بیتمیه
دهل قرا اولون کسیلمیه کریلده یوسف ایله احمدی
اوه قیتلکه حضرت جناب [illegible] الدن خسته اولدی

قرقف ساعة لیستریح

مبارک باشین کوره یه ملکه ایدوب دوریلدی بر قدر
استراحت ایله سون ابو الخیوق نام لعین
برداشی آندی ملکه دکدی آتانون مبارک آلنه
قان بنا ایلدی مبارک می سیلندی جاری اولماغه
لکن حضرت ایله مدی اوقان یره جاری اولسون
مبارک الریله تمور توردی یوزینه کوردیلر قان دایانماز

خزینہ فاضل

یا ایہا الذین اٰمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون

حاصل عبارت عالیبانک مرحمتلرندن اولوب بنده لریسه ربیبده رمضان شریفک کلوب کلمه سیدر که اونی جمیعیله قبول ایلمکدن بری اولسه بنده و تقصیری مالک الرقاب و عفاری اولان بو شهر شریفده فاضل و لسوز پس سلامت کلور که ماه رمضان الله تعالی سیدر و الیله شرافت نسبی در

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بیورورلر که ماه رمضان عبادت ایله استقبال ایدنلر حقنده الله تعالی بیورور و نور ویلدر ایها الناس عباد الله قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة والرحمة والمغفرة

شهر عند الله افضل الشهور و ایامه و لیالیه افضل الایام و ساعاته افضل الساعات

هو شهر عظیم و عیتم فیه الی ضیافة الله و جعلتم فیه من اهل کرامة الله

انفاسکم فیه تسبیح

قید ایلدیکم کوزده ایکرمی برمیان آلتی یوز دفعه ان ان نفس اکیر دیرسه هر بفسی تسبیح در ایکرمی برمیان آلتی یوز ثواب نامه اعمالده یازیلور

برکلو کوزک ثواب برتده الله رایه برای ده ۶۴۸۰۰۰ ثواب ویلیه بیر

وزکوتکم فیه عبادة

وعملکم فیه مقبول

ودعائکم فیه مستجاب

فاسئلوا الله بنیات صادقة

وقلوب طاهرة ان یوفقکم لصیامه وتلاوة کتابه

(قید) برآیه رمضان شریفده برختم قرآن عوض ویلیر

فان التمسکی من حرم غفران الله الی یوم القیامة

فاذکروا بجوعکم وعطشکم فیه جوع یوم القیامة وعطشه

وتصدقوا علی فقرائکم ومساکینکم ووقروا کبارکم وارحموا صغارکم

کیفیت سلطان محمود سبکتکین رحمة الله علیه

روایت اولنور که سبکتکین اوائل سلطنتده ایکن آوینه چیقدی و اونون نمرلی بنت بورسنه شهرینه ایدوب هرکون صحرایه شکاره چیقاردی بر کون صحراده برآهو اونون یانندن فرار ایلدی لکن او اونون یانندن کیتمزدی تا جماعه سلطان محمود اونی کورنجه آلدی آکون او ساعته قدر قاچمشه

اوزتوبدی سنه ده کلمکه هرن برقدر رفت حتی ایلدی
دوندی والده یا خانده کوردی آهونک آنا سی
یالاسنک والسنجه کلدی دخترینی یالاسنه یاخدی
سلطان اوزن آهونک آنا سنه تورکی حق ایلدی
فکر ایلدی دوغرندر او حلدل در لکن بو آهونک
آنا سنک بویله کن خرتش حال ایلمکیم بو اوده ان کوزلرا قدر
آهونک یالاسی بویله قدی آنا یالاسی اوزتوبدر
کیتمکه لکن آهو هر برایکی قدیده دونوب سلطانه
یاخری کلدی کاسه اوزن حقنده دعا ایدردی
ایلیه سلطان ده سنه ده حلدی کیجه سنجر خدانی یوصوف
کوردی اوزنا بیوردی
ای سبکتکین اودر حتا ایکه او آهوزن حقنده
علمه کیتردون اوزن عرضنده خداوند متعال
سنه یاوشلق ایلنی مرحمت ایلدی بر کمسه
الکمک سنده لریله ده برقسم مرحمت ایلیه
رفتار ایدیه سن تاکه سلطنتک ثابت و برقرار
اوله
اهل خزانه یه بیورسون ایا حسین حلیه السلاحلرک
اکنی آیلق یالاسی آهوزن یالاسی سیدان السنک
ایدی آیا اوزون آنا سنک کوزی یالاسنک
والسنجه حسرتله یاخاری بوردی
عاشور اوکن حضرت ذوالجلالدن اوسشده حلدی
خانم زینبی حافظی یاخی ماد لیعنی حلدی التصفیر
حتی اودیکه

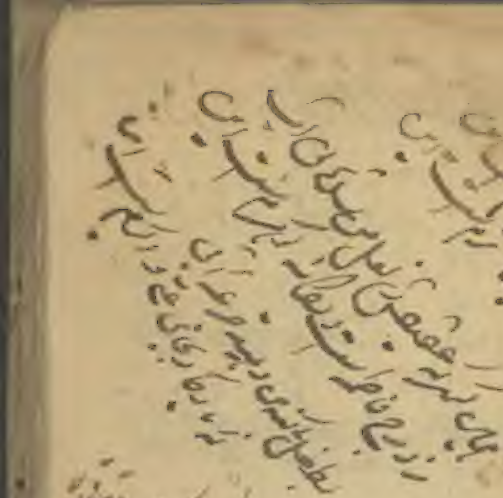

در ربیله حلدی بر قالوب بوداغده بوداخزان حتی سنک تیز اوزاغده
دوما نماریق سنری تاری رجلفله آب دیردی
سرزه دماغ آنا سی کوزله یرزه جواب ویردی
هجوی اهل انا المذنب ام هذا التصفیر

در آخر ذکر کسی که بعد از ابدای مرده
کرنیز بر اصحمی
دعتیم الی ضیافة الله

طرای رمان ضیافت
قوه دیوانش کلبی ستر ملقب بکلبی
کیفیت ابسنده ندای ارمرده مرزای

وصلوا ارحامکم و احفظوا
وارطعوا ایدیکم بالدعاء فی اوقات
صلوتکم

احفظ لسانک ایها الانسان
لایلدغنک انه ثعبان
اوبیت نلدغ

قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

من صام شهر رمضان فی الصلوات وسکوت
وکف سمعه وبصره ولسانه بدیده وجوارحه
من الحرام والکذب والغیبة والفحشاء واقرب من الله
جل ثناه ایام النقمة

اهل ریاضت لردن بریسی نجوم نظر اطیلان فوراً تصور بنه
مختلفت اولوب بر لوحه قاری لوحه دیر دیه کورنیر اکورنیر اولدی

آقا اکثر معاصی که عبارتدر غیبتدن نمامدن یالدن
شهادت سخریه دن دروغ دن قاردانشه فحش وسائر اولدی
بو خصلتلر شیطانیدن (دلکش) نصفه ارتدیلر
شیطانک بهترین آلدیغی دل در
بنه هرنکه بو بر عضودر
فسیح المیدان وسیع الجولان
استیلای غایت سهولتله وسرعتله
سایر اعضادن آرتیق در
شیطانک قولاغی برسوزی حرص استماعایله
بورو بورس یورو بور آفزده ویرس قولاغیم دینک اولدی
کوزی برشیئه حرص ناظرایله آلیقدن قالیر
ال اباقی یورو یورو آتادن قالیر قرب یورو یورو

ومالس سعر خد اصم عم
درخص فوه ریضان شریف

وصلوا ارحامکم واحفظوا السنتکم

وغضوا اعمالکم عن النظر الیه ابصارکم

وعما لایحل الاصغاء الیه اسماعکم

وتحننوا علی ایتام الناس کما یتحنن

علی ایتامکم

فوقده مذکور حلات سایر لرک هر بندن تفصیل

ذکر ایدیلکدن صکره اخرده تاریخ ایتام خطبه غرض اتمام

قطع رحم اجماع علمانک بربرینه مافته کوره محرمات

عظمدن دلنامه سدیده دندر یعنی

قاطع رحمه جناب حق قرائتنده ایله بیور بربرینه

والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه

ویقطعون ما امر الله ان یوصل ویفسدون

فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار

دیشمن ترین اعمال الهی خدا شریک بلمق اوندن صکره

قطع رحم در

حضرت امیر المؤمنین بیورمشلر خطبه سنده ایتها الناس

یه اللهکم اوکندن هیچ بیله تجیل ایلیور صاحبنه

برطرف اولیاقته عبد الله بن کوا اعوض الله یا امیر المؤمنین

ایله برکناه واکر ان انک برطرف اولماسنه چالیشور

سورمون بلی قطع رحم در

ع تشنیر خانواده که بربرینه اجتماع والفت دکر ستلق

صله رحمی سورمزسه بوزار واولاد اهل فسق

ایدیر لر

و مخصوصا بعض بربرینه ستلق ایلمکدن زیاده تر

خداوند عالم اولدرمون روز قیامتده بول ایلیر

اتباع لشنیر خانواده که بربرینه دشمن جلیک ایدیر لر

قطع رحم ایدیرلر و لرایله اهل تقوی دکرلر اولدرمون

محروم ایلیر

قطع رحمك صدقی

صلهٔ رحم در که او افضل طاعات و اعظم قربات
خداوند عالم بیورور

فاعبدوا الله ولا تشرکوا به وبالوالدین
احسانا وبذی القربی یعنی
سنده لیك ایدون الله دیمیه هیچ بر شیئی او قاتی
شریك قرار ویرمیه یك نست والدینه
وخویشانه احسان و تلطیف ایله یرن

واتقوا الله الذی تسألون به والارحام
بو ادراك کفایتدر

واحفظوا ایمانکم

(شاعر)

احفظ لسانك ایها الانسان
لا یلدغنك انه ثعبان

چوق کره معاصی که عبارتدر غیبتدن بهتاندن
یالاندن والسنهٔ فحش ویرملکدن دولکن
لغزه لرندندر.

جناب رسالتمآب بویورد یلدر وصیت ایدیرم
حاضرین الله وغائبینه واولادرایکه آتا اولادرن
آرقاسنده دنیا اولدرك یشنده درلرنا تعالمه کیمی
صلهٔ رحم عملهٔ کنز سونلر ارکه اولادرن اوزرنه
بر اینك ایرلی ارملی اولمه
سعرك رماسی صلهٔ رحم اجلی تاخیره سالدر.

قال رسول الله صلی الله علیه وآله عباد الله
قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة والرحمة والمغفرة
وعتم به الی صیانة الله
از جمله شرائط صیانت

وصلوا ارحامکم واحفظوا السنتکم

وارفعوا ایدیکم بالدعاء فی اوقات صلواتکم

اولا قطع اجماع علمای زمانه کرده محرمات
عظیمه وگناه شدیده دندر
صلهٔ رحم کردنلرین سخطه جناب حق اوزی قرآن شریفده
یعنی ایلدیکلر بوزلرندر

والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه

ویقطعون ما امر الله ان یوصل ویفسدون
فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار

حضرات امر ایدیلوب بوزلرندر ع نسل برخانواده دیکه
بربیله اجتماع والفت ایدرلر ولو فاسق فاجر اولدلرندر
جناب حق الدکلرینه روز قیامتده بول ایلر
هذه اسئله برعکس اولدرلو فاسق اولدلرندر الله
اولانلری قودوم ایلر

پس قطع رحمک صدی نه دیمکدر صلهٔ رحم درکه
اوافضل طاعات واعظم قربات ایمکله جناب حق
بوبزرور

فاعبدوا الله ولا تشرکوا به وبالوالدین احسانا

وبذی القربی

یعنی بنده لیک ایدوب الله واوکا شریک قوشمیوب آتا وبرادرلرن
نسبت والدینه وخویش اقربانه تحسینلی ایله یرن

جناب رسالتمآب بوبزرو یلدن وصیت ایدرم حاضرین
امته وغائبینه واولادلرینه اصلاب آبا وارحام
امهاتده درلر تاقیامت کیم صلهٔ رحم عمله کتسه سرمنبر
ارحمه اولادرون اوزاقلری برایلاب بول اولسون اولله
سبحانه فرمایشی صلهٔ رحم اعلاک اولدیغی تأخیره
سالدرمه
ع نسلی افناه راجم الآیه تحقق در

بخصوص آتا آنایه

آیه شریفه

وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه وبالوالدین احسانا

اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما

فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا کریما

واخفض لهما جناح الذل من الرحمة وقل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا

عاق والدین هم سحرده
اول اوشکوفه

محفوظ

سنه ۳۰۴

جمیع مسلمان نمایسته دانی کوره جنگ الا

عاق والدین — سر اکبوار — آدمی پسندیده صلات دعمه

حلب آلمیه — توبه اغیه

زوجه والدین جور بجور — نه زمانه برزمانه که ملکی دفع ایتمه

قادر دخل ایدرکن

درحضوص والدین ضد قطع رحم صله رحم

عزمن تابع

واخفض لهما جناح الذل من الرحمة

وقل رب ارحمهما کما ربیانی

صغیرا

انک روزی وجانکاری کی

وطلب رضاسنی

بالجمله اطاعت والدین واجب است یتک

اولادون اولمایه افعال مباحات وسنجا

هیچ مرتبه دیتک اولماز

اجادیت

جلدیه والدین حضوصنده واولادک احترامنده ایات

احادیث اکثر من ان یحصی

اولوب

اولادون رضای سبب ترتیب کوره نه اندازه دعا

برزمانه که ملکک اولنی بیلمیه تولید عاشه

انعام ایه یوخون ایدی عالم قوتلیمیس؟

بحثی وجوب صله وفائده سایی بیلدیک

بس مراد رحمدن که اولنک صله سی واجب درقطعی حرام

هر برنسبی قوم درکه قرم لقده معروف در اگرچه نسبت

حق اوزاق اولمش اولسه .....

به قطع رحم نه در؟ صله نه در؟

قطع رحم اذیت قلب سندیرمق سکنایه دیمکه حکم قحبا

صله اولان علتلر در اولمق اولیت اتیمیه بس مایله حقنده

حکم ایله سز لر اولمق لیاقت لیاقت ایده بس

هر جهه احتیاج بقدر امکان دونله بس

پس فرض اولدی بوله سالدی سوزون حکمدن زیارتنه کیده بس

ماخوس اولدی عیادتنه اولدی تشییع جنازه سنه

یاد کرنده شاد غملیمی کرنده غملیمی اولدیسان

اگر استطاعت یعلوب اولدیسه بوراولان ذکر اولنمیسه

عنوان

صله رحم درحق والدین دوعانک

انا وعلی ابواهذه الامة

علاوه حسین نبی وان من حسین لحمه لحمی درمعنی

حسینی صبح اولمق سوزی صبح اولمق ناحسنی اولدیسه

اولدیکه خانم زاده سوم مات قدری رسوالله

صحیفه بیش ده

من لم یرض بالقضاء ولم یصبر علی البلاء ولم یشکر علی النعماء فلیطلب ربا سوای

شکر در لغت بمعنی ثنا و مدح است و در عرف عبارت از صرف جمیع نعمت در آنچه خلق شده برای آن

ما یفعل الله بعذابکم ان شکرتم و آمنتم

یعنی خدا بعذاب شما از برای شکر و ایمان نمیکند ایمان باید آورید

و قلیل من عبادی الشکور

شکر افضل است از صبر بدلالت این آیه شریفه

و الله شکور حلیم

سعد اکرم پسر زیاد بن ابیه بخصله بر سایر تفوق داشت و شکر ابیه

ابن قتیبه اخبار او را آنطور اجرا کرده که الله در قرآن

در روح و ریحان است

خرده دارد ابن عرب بر عایشه که چرا شکر نکرده پیغمبر

عایشه عرض کرد یا رسول الله آیا نه خبر داری که تو را چقدر عبادت

زحمت میکشی و حال آنکه خدا ترا عالم و سیر نموده جمیع گناه

گذشته و آینده ترا بخشیده فرمودند ای عایشه پس که

الله نبینه سبی ام الله شکر ایله یرم

[illegible]

[illegible]

رسول خدا اگر او را تنها گیجه ای بیدار نمی کرد

و بیدار نمی کرد

ثلثة اصوات یحبّها الله بالّلیل

صوت الدّیک — ذکری قرأ ایّاها الذّاکرون

و صوت المستغفرین

و صوت الذی یقرء القرآن

شرک گیجه بیدار نمی کرد مگر به سبب الدیک

صوت گیجه بود که او را بیدار می کرد

یا محمّد المحبّة واللّزم

ای نیم جسم اگر است گناهت سی دن مرین

گیجه شنود برین جبارت اگر خفت باریم گیجه ارکان تو گیجه

حضرت تمام گیجه نی اختیار الدیک او را بیدار می کرد

و بیداری شدت نمایه به سبب ذکر الله دلم

یعنی باب ملک و اعلی رفته ملک بعرض الدیک میرانی

زینه اجر الدیک یعنی ذکر گناهان او یعنی اعضا

گناه کار الدیک از ترک او زین تو قدر شفقت رسول

که ما انزلنا علیک القرآن لتشقی

صلوات

پس هر خانه انسان ترک الله کند صلی الله علیه وسلم

الله تعالی خرج بنه و ما خرج

بعضی حوار حوض هر بری بنه هر بنه خروج صد و بنار جه

و دله صرف اندرین

قطع نفرا

نعمتان مجهولتان الصّحة والامان

بیداره برنده سلیط

حضرت امیر بیدار

عجبا لغفلة العباد من سلامة الاجساد

دشمن السکنده برنازه پالتار کرنده صد آثار بر دوال آنکه

نانه پالتار صحت بدنلک آنکه الدیک بن حضور نازه پالتار

نکریر یعنی کورده نوسه الجهول الله

اما البعضی اداموں صحت بدنلکی اولون ناخوشلغنده درد

حرف ناخوش اولدوغنده ایلیه علم بدر بعضی مصیبتده ترتیب

اولسون ناخوشلغک اوزینوزنده فائده بسی دوغری

چوقدر ناخوشلق اوزینده بلمقدر

من جملة نعمة زلوف و دیمک صحت قدر بلمک یعنی

و دیمک ناخوشلق لقده صبر ایتملک توابی

قیر دیمک مالی چالیانه آکه سوروب ایلیه بلیون جهاد ایلیه

من جملة تصدیق قرآنیه

در بر مرده ناخوشی عیادت شخصه تواند راجع آن

عیادت شب

عیادت سیدن شخص چه چیز اثواب زیره بلکه
لابد رله تضعیف عبادت عبادت ایله برابر

بشرطیکه ناخوشک ایله مراعات اینده بس
وقتکه ناخوشه رعایه کسنلک چوق اولورسه یاسان
دورماسان ایچه مدار اینله ضعف ناخوشه طالب اولمه

کرک بیمار خودای بعیادت
صد سال باید تو بیمار بتوان بود

چوق برناخوشک اوستنه کیدیلسه اوزون سوزلی ایله دیمار
ناخوشی دورسوی ایچه که رای من مشغالیدم بیهوده
کیدیدن

دیمکدر که ناخوشه اوزیتمه احوال پرسان اولان
شایه رانشوق اولمکدر کیدیلمیه

ربناخوشی یانه اشتیاق ایله کیدیلدی مراحوال پرسان
آخرده ناخوشی قدر اولمغه احوالنی یازوی
هرکس کیلدی کاغذی تکرار یازدی تباشه

عیادت اثنادن

ایله سوزدانماسون که مریضک تیزینه سبب ایراد رنجش اولور
مثل حمایه کرک باشنده یا کارت عوریق کوندیرمیه

کرک اوزاقده اولسه ملاحظه ایدیلسه کرک سلام ویررم

ربنا بسر

احوالک سوری یا خیشی دیر الحمد لله

هذا نه بیهوده سخن اولدی نه چاره آنرا سخن بیار

طبیب دیر الله شفا ویرسون

عیادت ایچون

قدمی خیر خواه باعث شفا اولمکدر آقا سایه برجم باخصوص بیمار

یا کرک عیادت سید الشهداء علیه السلام ایچون

دیمایه روز نیست تا نرود بهشت

پس بعد از آنکه فرغون ع مانک اغوز سلیمی
خزانه جمع اینک صیلنه در شک لوش یوش نکون
قرناقلق سب طلدن الیتلندی تا که او لرینکه
رکبون رد سیله فرق او لیسیدن او زره مطنجده
برقیون و برکیی کسیلندی

اما اولار مرکبنده دردت یوز قرقیون
و دردت یوز اوکوز و الکی یوز دره
کسیلدی جلیح اولوارک قلدیق سیر و دیلر

(صلوات) دیر

قرناقلق عرب اونلرم کندیسی سوزن حلق
اغنی راحده برحسیه بنک کنارنده تورد شب
و عربک اویدن و اهل عیالدن و اصحابدن
و اقربا آشنادن حتی نار سنه کی ارکدن سوال

جواب الدار الفضیه

صحیح محسن و ذکر ایتمه لیدر

صلوات

قرناقلق سزامی برمرتبه ده دوکه بعضلر
توبخ ایدیوب ایرت اسباب ماجنا جیان کردد
قرناقلق قرناقه یدیردیلر مثل جناب سیدالانبیا
بعضی اوندن عبرت قرناقه یدیردیلر

مثل حضرت ایشع دیرلر علیه السلام
و لرکانت برهم خضا حسته اوزره ارکرک
مارن اولدی

ظاهر عربلرک ارکسنده رسم در صحرا ده قرناقلق
چیقه ایدیر غلده ده بابلک ارسته اوده بابلدیر
که شاید کیجه بنک دقتی یرلی ایسترسب ایلیان اولسه
الیقلک ارتیه فکسون دیرلر قرناقلق ده حاضر اولسون دیر

اما

ایله سیده و ارکه احکام اولدن قاپوسیان برک علیه لورکه
قرناقلق اولدن حکمه سیر

و برجمعی دیکر ارغفله اوحالده قرناقلق دارد اولسه
مادام حضور حضیر ایدیرکه قرناقلق باشندن رتار اولسون
حتی اکر شخص برکیجه برکیجیل آرامه قرناقلق دارد اولسه
اکر برکیجه کسنه لکندن برحرکت عنتری مسنظر اطلاع
ایدی سرو عده کوردی تفنک چیقدی

بس اخلاق مردم مختلف در بعض قرناقلق سیز سفره یه
اکلسمه یورر مثل حضرت خلیل الرحمن که اوحالده

ابو الضیفان دیه یورلر

برکون خدا اوه دستیال حرافندن برینجه ملک دارایدی اولر ایله
حضرت جبرئیل اکرحرافندن مامور اولمیه ملک بیلدر
که هر بر بینه مازل اولر لوط استهزمن قناعت ایدر
کرکدیه اول سرعتکن ایله سرنکدن قرناقلق
حضرت ابراهیم ایله دیر سوزلرکه خلق ایدیه
اولاد دکور عطا ایده ملکدر

از جمله شرائط دعا دن

(۱) اوقات شریفه برای دعا دن اوتری و آخر شب
مثل روز عرفه و نیمه شعبان و روز جمعه و شب جمعه
شبهای قدر و شبهای جمعه و امثال اینها

(۲) حالتی ملاحظه اینکه در حالت دعا مستی باشد
مثل حال آمدن باران و عقب نماز
و میان اذان و اقامه

(۳) با طهارت از حدث بعنی وضو و غسل

(۴) رو بقبله

(۵) الحمد و قدری از قرآن و قل هو الله احد بخواند
اگر نماز نافله باشد بعد از حمد سوره بخواند
و در نماز واجب نه
مصرع سعی صفا بر مروه بردن ما نشر بر اینکه در نیاید
الله حضور نیم او باشد غافل نه بزل حیا ایزد
در الی پرسش قانع ترس
الکی ان کلمه گفتن صدق باشکه بوزنه چیزی

مستحبات دعا که موجب استجابت است

بهترین دعا و اعمال دعا کرده
مطلب آموزش و دعا دیدن و آموختن
اوتری آوردن و آنان آنان بستن
و طریق آموختن و آوردن قاری و استماع بدان
اوتری خدای اولی دعای دیری آوردن
اول بار اذکار و صلوات محمد و آل محمد
اگر معذور در اوقات
و دعای جوشن کبیر
اعمال مخصوص شب ۱۹
۱۰۰ دفعه استغفر الله ربی و اتوب الیه
۱۰۰ دفعه اللهم العن قتلة ابراهیم کرمانی

هفت بار بگوید و دعا کند
مکرر آرام آنکه همیشه شب بجا آرد
یا عاق والدین اوله
صله رحمی کرده
سرکشیده عداوت شایده

سوره مؤمن ۴۰

وادعوه ایدیکم بالدعاء عند صلاتکم

دعا بلکه

قال الله تعالی وادعونی اعبدی عبادتی فانی قریب اجیب دعوة الداع

نلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون

دوایتده وارد اولدی هر بر کله دورت سبی دیریلدی

عدد ده دورت سیده دیریلدی

۱) هر کیمه توکل ویریلدی کفایتده دیریلدی

وعلی الله فلیتوکل المتوکلون

توکل مراتب توکل اوتوقتی آنلامق بیلمک لازمدر

توکلی کیمی ترک اولسون

۲) هر کیمه توفیق توبه ویریلدی مغفرتده دیریلدی

آیته

فمن یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله

یجد الله غفورا رحیما

۳) هر کیمه توفیق استغفار ویریلدی تخفیف گناه دیریلدی

آیته

وما کان الله معذبهم وانت فیهم وما کان الله معذبهم

وهم یستغفرون

هر کیمه توفیق دعا ویریلدی اجابت دیریلدی

ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم

داخرین

حدیث شریف خطاب الهی حضرت داوده که اوراد

حفظ اهله تنیم دعتنی دورت سیده

بری مخلص دوزخدن بری دخی مخلص دوزخدن

بریده سنله بنده لرمک اوراد اسنده اوزره

وبریده منله سنک آرانده اوزره

اما اوکه مخلص دوزخدن اوکه عبادت اهلیه دخی شوقدر

دلیل اشرکت لیحبط عملک

اگر فی الجمله ریا دخی محوط اولدی عملک باطل وحاصل عبادتک هدر

واما اوکه یاراشمه سنه مخلص دوزخدن اهل اولور عمل اهلیه

ایده جکسن اوزون جزا سنه بنشه جکسن

فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره

نه اکسون اوزون بیچه جکسن

اوزنلکدن عمل عاملی سوکنم اوزنلکدن بر بیدجوز جوز

حضرت لقمانک نصیحتی فی الجمله

۱) لقمانک خواجه سنک قوله اوبنیاریه مقرب اولمالری

۲) خواجه لقمانی تعلیم اکمله اوراتمه سی لقمانک علمی اوبنیالکه

امّا او که سنبک ایله سنده ترک ارسنده در
او در که هر بر سنبکه او رزندن ارتری پسندیده
ایدیرس خلد یقدن او تریده پسندیده ایله
او که او رزندی او تریده رس خلد لعدن او تریده هذا
خوب پنه وده دنا ته تنک او رزن عیب بخنا
او لدن ن او نی نظر ان رزنا ته او رنه ترک
عیب جو لنه نگر ایدیرس انصاف در می

حضرت قدسی

عجبت لمن استغل بعیوب الناس و هو عن عیوب نفسه

بورادن هم بر لقمه کزلیم ل

یاری جناب حق بو یوردی ای داود
او که سنبله سنبک ارزونده وار او در که پسندن
دعا ایلیک و مسدن اجابت ایلیک
پس هر حالده ترکدر الهی حاضر اق او سدن غافل
او لمایاق
یرقه در دک یرقده ۶ نه ترکزل ایرسا و
عاشق که شد که یار جانش نظر نکرد
ای خواجه در دنیت و گرنه طبیب هست

بار ما غله بر بالاجه تیکاه باتان یکمی فاجیرسان
بیر زاهب عونک اوستنه
بیه بس بجور ناخوشنق لار ایله که بر اوده دار
ع بسر فرمس و سر ناخوشنق لار در

کتیمه بک طب روحانی نک ضد نشه دیه او لار دن
زه بشه نزدیق اسلوب عمل ایمه بک

ع نسبله سبوردر المعدة رأس کل داء و الحمیة رأس کل دواء
طب روحانی قبول ایدیرس بیول ایتمیورس بار اوده
جاهل هوزنک سبورسان ! ! !
اگر اینانیت ن بس شه مجرب ضاد دنک سوریشه للعمائم و حصاص
علی عمده مطلبمز دعا ایتمک حضوصنده ایدیرس قاری

حضرت (ع) بیوردر
تاجروا ایها الناس بالصدقة و احفظوا اموالکم بالزکوة
طب روحانیات بیرسانه قولاق اسمیان اله بر غریب ایدیرسکز

و ارفعوا امواج البلاء بالدعاء
برادر دو استر در درک در دس دعادر دعا ایله
جاهلر دو او لار دعا ایله جاهلی جاهلر اچیلدر
عرض ایدیم دعا ایدن دقته شفیع کتر ایچ تن اول
هنگه که حضرت آدمک توبه سنی جبرئیل خبر ایدیرکن
عرض ایدن یار اوده مرکز اوس ایتیس اسماء حسنی

گرفته شده مشاهده الدک نه اگر اولدری
شفع کیزه بورسن نا امله توبه کنبول اولم
بدنک آقار احضرت حق انک فرزانی وصاله
مبدل اولدیس حضرت آدم ال درگاه الیه
کوتوردی

فتلقی آدم ربه بکلمات فتاب علیه انه
هو التواب الرحیم

یعنی آدم علیه السلام ملدقات ایلدی اوزی پروردگار
بعض حکمه بر قطره دخصه بیله بس توبه سن قبول
اولندی سبلیرسن آدم نه دیدی

عرض الدی

الهی بحق محمد و انت المحمود

یزده هلکنا سبع لرد حضرت صلی علیه الدی
دیبه خداوندا سن اکندوزی
حضرت حسین علیه السلام عمان عائشه
که حضرت تاشوره یدیدا دست
احدن رسیدلرد

ویا کریم بحالت عطش الکوثر (الکوثر فنادی)

احیا کیجه

حدیث معتبره وارد اولوب سلام محمد باقر علیه السلام
منقولدر که هرکس قدر کیجه سین احیا ایده
گناهی
گناه بری باغشلدیغی کبی هر صحیفه اوزرن گناهی
یوللرون مدرک سائی قدر و عاغلدرک آغرلغی قدر
دریالرک قومی قدر اولمش اولم

قدر کیجه سین نصل ایده بیلدیکی بیان

۱۹ ۲۱ ۲۳

اعمال مستحبه قدر کیجه سی ۲ رکعت قدر
نماز قیلدیغی هر رکعتده الحمد دن صکره ۷ دفعه
قل هو الله احد و ۷۰ دفعه استغفر الله
و اتوب الیه یدم
یرمدن دوره ماعدا نفس قدر اوزن اوزنی و آنا آنا بنی
باغشلدیغی دنیجه ملک کوندرر که حسنات اعمالن اوک
مازارلار تا کفن ایله دک دنیجه ملک
کوندرر لر بهشته که آنا جلد راوعدان اوزن آلتون
و قصر لر بنا ایدرلر و نهر لر جاری ایدرلر
دنیادن کیتدیکم اوزاوزم تا بو لارک کبی سین کورر
و هر اوچ کیجه ده غسل سنت در و بو کیجه لرک غسلین
حفاظ اوزرنه آفتاب ایده بهتر در که نمازدن صکره
غسل ایله قیلده و بو کیجه لرده شمه قبل ازیه ورد

وارفعوا ایدیکم بالدعاء عند صلاتکم

عرض اولونمکه دعا عبده واسطه قبول اولونماز
ترکیدر محمد وآل محمدی حذفی تاسیع شفیع قرار ورمه کن
هیچ کیمسه پیغمبر مسلکیه طوشنمیا برزکوار لرک شفاعتی آرزو ایدر
بس جمله سیزدن حضرت عیسی بنک کتمسدر که
قرآن شریفده اولکی ناطق در

واذ اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی لیلة
فاضرب لهم طریقا فی البحر یبسا لا تخاف
درکا ولا تخشی

یعنی وحی ایلدک حضرت موسایه که کیجه ایله کوتور
بنم بنده لرمی (که عبادتده رسیخی اردی) اولدقلرکه
دریادن (که عبادتده رد و بیل اردی) یول آچ
وقورخی اولمه قاچقدان وغرق اولمقدان
بس حضرت موسی قول کوتردب کیجه ایله تاجرب
اولنوبدی کتمله
بولمدن فرعون خبردار اولوب اوده قوشونینه
اعلان ویروب آلمندیلر اولنوبدی طلب حضرت
موسی دالنجه کتمله
حضرت موسی بیتدی دریانک کنارینه یتدکده امر ایلدی
کنارینه اللرینه کی عصانی ویردی ویردیکنه ایلدیلر
که

شقاقته اولسون یارلیقون بره یول ویرسون
دریا یارلمادی ۲ نجی دفعه تکندا ۳ نجی دفعه ملکدا
۴ نجی دفعه حضرت موسی عصاسنک اولدی عتاب خطابیله
سلسلندی ای دریا نه اچون بره یول ویرمیورسن
حالا دشمنان خدا اینمیوب بالکلک دوستلرینی
دوستلکی اولیلر دریا قدرت الهی ایله تقلم ملکدن
عرض ایلدیکم یارلیقسز بره یول اولمیه مامور دکلدک
بیر یطمیورک حذفی اولونجه حضرت موسی عتاب اولنوب
دریاشیه آشکاره تاقوف عرض ایلدی الهی حالا دشمنلر
اولدروق مسه وعده فوج ویرلیسن دریانه
تملکین ویرمیورسنیه لرک فریادرسی بیتدی
خطاب اولوبدی یا موسی من دن ایسته تاله
اوراییم دریاشقاقته اولسون
تا بلکه بندکان آرزی حذفی همن تا بندیکه طفلی ارشد لیعن

قل ما یعبأ بکم ربی لولا دعائکم

یعنی دیکلکن یا پیغمبر اصلا بنم الهم سیزه اعتنا ایلمز
اگر سیزک دعاوزاده لکاسه
عرض ایلدی خدایا سندن مسئلت ایدرم
که دریانی یرون اوتری شقاقته ایدرسن
و بزی فرعونیلردن خلاص ایدرسن
خطاب اولوبدی یا موسی بزم درگاهمزده بلادما سعله
هیچ بر دعا هدف اجابته یتشمز

حضرت موسی با ربّ سنک تقرب بنده ترک کمد رکه
من اودری شفیع کتریم حضاب تیدی یا موسی
محمد صلعم وعلی فاطمه حسن وحسین یعم
حضرت موسی عرض الدی الله
یحیی محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین
ان تنجینا من الهلکه وتجنا من فرعون
وعمله وتجنا من القوم الظالمین
همسلکی علام مرسی حضرت حبیب علیه السلام
ایم بیمار لسه بیلدی
دریاشقاق قصه اولوب
موسی نی تیاق زنامش زجور قوم
وفرعون یزید دار هلاک از عذاب شد

سس وه حاب برادر بهین کیجه که لیله القدر در

قرآن شریفی لوکر الوه دریا دریا کنا هلاک
کسر سلطان
والتصور ایله که بر سهله کیجه ده حضرت امیر علیه السلام نه حالت
یوز ویروب
با وجود اسلحه ولی [illegible] کارخانه الله در
حضرت رسالتپناه تاردیش شد وفاطمه الزهرا
والده ائمه هدی سلام الله علیهم در
سیملی آتش دول عورتلک صاحی وبادرس در بنده کان
سنجه امیر المؤمنین تمام عریده ارغدا اورک یمه یوب
ارپا چورکسنده توغ اوماتیب ایرنده فرسنی
بردری اولوب که کوزلری اولمش اوستنده دوه سه
خلف ویروب یکیجه براولمش اوستنده یاتیب
بیاسه یماق یماقا اوستنده ویروب برقریه ده که
آغزده پیشه دوز جاریه ایدوب عرض الدی من
یا امیر المؤمنین سنه دشته کیمی دوبیاسه یماق ویرمیه جاق
غنی کیم راضی اولماز بوجور یاسی قاریشنده کی
نزکره ورسون
یقصور ایله از حضرتک حالتنی مذکر کچه ده دن
کذاره چیقوب اطراف عالمه اسکانه نفرا ایدوب
عرض ایدیردی خدایا اولمی علی یه اسکان
ایله !

مکرر بویورورسی واللهی هرگز یالدن

دیمه یوریک همان کیچه درکه منه وعده

بویوروب کیم ؟ پیغمبر خدا

نه وعده ؟

وعده دیر بیلدیلر کیم جواب عباد ندده

سبب ک محی سمکی باشکودن فاینله خطاب

ایدرلر

الحاصل همین صوار سئوال ایدی سحور دقتنه

برجله دشه سبب ک کورزینه یوخ نکیدن

بردن اضطرابله بیدار اولوب بویوردی

ان امم مکتم عنه کمه جزا ایلیم جمع اولسونلار

بورسا اللهم ایله جزا نافظ ایدوب

دستمز الرکب لعابسین کیتوب دکربیدن

بلینه باغلدیرب بویوردی یاعلی کمرکی

اولوبدن اوتری محکم باغلد

چون دن چیقوب صخره تدم قویدی مرغابلرک

چیغیرشمالری

بویورده ویلدیر

لا اله الا الله صوارخ یتبعها النوائح

یعنی ویلدرسس ایدنلر در کرویلدرک عقیبنجه نوحه لر

اوچلار

سفار ریله یاپیشوردیلر تالک اشکدن کیه یعنی

آتا مل کیتمه مسجده هرنه باشکز قریه زینب وکلثومی

وحسنی یتیم قویما دول علورتمری ویتمری

هر باره دول اویتیم قویما

تا نه شبه دریرجهایه حضرت حسین علیه السلام

نقته سنه دیتلکه وداع آخرنی ایدوب

ضعیف دن قدم لنازه قویدی دوندی برچکنی اوسای

اهل بیت اطهاره نظر ایتدی مبادا کدن بری یاسیله

بویوب براه سوزنات چکردن حکمتی نیچه اه

که عالمک پوره کیان کتاب ایدی والله عالم باطن ده

پیغمبر نالیه کتوردی علی رتضی ل نالیه کتوردی

ذو الجناحین سوره اداوب عازم

میدان اولدی برنچه قدم ضعیف اردن آرالدیمش

قولاقلنه مرضعیف بکیف سس کلدی قولاق ایردی کوردی

بری ویلدیر یا ابه مسلد مهلد

نقوه سکینه ال نقشیدی کرامیدوب

بورادده ختم اینلی

والسلام

پیغمبر آخر الزمان صلعم سنه ۱۳۳۹

دعای شریف ایکه منجی کرسنده مأثور دعا

عباد تدبر بیان دعا فرمایند

اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان واعنی فیه

ابواب النیران ووفقنی فیه لتلاوة القرآن

یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین

و بواکتاب ارض الجنانک

بهشت ابواب ثمانیه سنک لعن دورت سیله

ع (۱) الصدقة (۲) والتنی (۳) وحسن الخلق

(۴) وکف الاذی عن عباد الله

جهنک ابواب سبعه سنک ماغلد ناس

ان حرام علی المتهجدین انا حرام علی القضاء

انا حرام علی المتصدقین

فقط ابرندره فی لجه کزیوب لبد الرحمن فی

صلوات کسلمه علیه ایکه مسجدون عیسیان علیه السلام

دیدیه کیرمسی ایچون استغفار رحمت ایدوب

وسلب اسمارک نماز ضحیده ایچون

دوران حضرتی تحمیناً برساعت نافله سبحان الذی

علیحده سقدیه کیجه ایلو نمازی دخی

ادا وقتی ساعده ایتمک ایچون قبل الصلوة

حسن دعیله اتمام بیتدی علی الله ملد زلغه

۲۲ نجی دعا

اللهم افتح لی ابواب فضلک وانزل علیّ فیه

برکاتک ووفقنی فیه لموجبات مرضاتک

واسکنی فیه بحبوحة جنانک یا مجیب دعوة

المضطرین .

باری بر چه کرده حضرت امیر تو نسبت احوالشان
و نصیحتشان اجمالا ذکر کردی و لی حضرت نصیحت
بر فقره قالوب که اولی ذکر اینها پیش او نصیحت
پدر بر حضرت او حضرتشان حضرت که او حالت صنعتیله
اکثر ب اولوب الدی او حضرت لدور بر نده
اکلمیشدر
حضرت سلام حاکم عم او قدمه آغلدی میشدی بارک
کوزلرین قرار یتسون بو حالده امیر تو نسبت بارک
الیلم حیف آتالرنک کوزینک باشان سیلدی
کاه ایلن قدر یدی حیف عمرک بارک بیرده کنه
اسارت بیرادی تلش اولسه آی بالدان آغلدی بر وقت
اولدی سنک بر کوزلرک باشن عرضتشان
جاری اولدی یزلکه او غول داغ جکیلیب حلده برابر
بارک کوزلرکون براوج شعله ایچ دیرار اولدی
آی بالدنم بالیمک حضرتلرنه سنه دوام کریه دوس
وحال آیله نیم بالیمک برچه حضرتلرنه دکوب بالدی
آی داد او کوندن سنک بارک بالیمک
17 یردن حضرتلرنه دیرار اولدی او کا اکتفا
ایلیز باشکی بدنلدن جدا ایدوب نیزه لره
یردیلر

في حدائق الأنس

شیخ مشجده بیورور حون حضرتی قلعه تیوردیلر

جعل جواده یصهل ویحمحم ویخطی القتلی فی المعرکة

آقارزن بیصاحب قالدن آتی خرالجناح صیحه چکیردی

وشبهه دیریردی سوکده اولملرک آراسنده قدم دیردب

دولدیریردی

عمر سعد حکم ایلدی دورتوب براتی لشکرین تجیب انلر بیندانور

کیم که ایره لی کیدیردی اوحیوان آغزیله دیشیله اولدورک

اورمدن یغ ایدیردی تا که برجمعی اللاردان وحشه کوردوکی

ابن سعد کوردی اولی دوتا بیلمیه جکلر دیدی جاغت

چکیلون لکاره کورک براتی نه ایده جک لشکری نه

ع من چکیلدیلر لکاره کوردیلر اوحیوان کلدکی یاتک

باشی اوسته شبهه چکیردی تا که ایدیردوکی ای اوریشه

نقاره دیریردی

وجعل یشتم راکبه ویقبله بفمه ویمرغ ناصیته

علیه وهو یبکی بفاء الثکلی

ع ای لشکر اهلی کوردیلر که اوحیوان حضرتی اینه یور

وآغزیله حضرتینک مبارک یوزینک یاردیلرین اوپور

یا رسی اولی آنا کبی اغلاییور قم

ثم التفلت یطلب خیمة النساء وقد ملاء

البیداء صهیلا

پس کوردیلر اوحیوان میدانون اوزه توبدی خیمه گاه طاهرته

صهیل شبهه چکردی که سسی میدانی دولدیره یرمیدی

نه کورزل بیورور شیخ حسن دهستانی

لهف نفسی اذ ناخ الفا طیط الحصان

واهلا سفجا یصهل مذعور الجنان

مایل الشرح عثور الحظوفی نضل العنان

خاضب المفرق والخدین من دم کحیل

بیورور سنیم غمیم اودوقندن اوتریله مرتب بیصاحب اعلام اولمیه

قصد خیام ایلدوکی نه حالنده یرمیدانی یرمیدانی حاصلی

ایردوزنه تاریک آتشه لی یی دولدیره یل ایاقنه

اوزه توبدی خیمه لرک طرف برک وارایدی برک یوزنه

ای حیوان کیتمه کیلین اولوم خبرین خیمه لره ایدرها

ایها المهر توقف لاتحم حوم الخیام

واترک الأعوال کیلا یسمع الأول الکرام

ای حیوان برطور خیمه لره کیتمه خیمه لرک اهالنه دوندیم

سبب حیله نالانیه بو دقیقه لی راکبدرس

وسه اوز نیله خیمه لره کیدیرسن زینب
واژگون ایل وقا کلوب قافیله
الوان بی مک ال ایا غوه دولدیرمش
نه آخر عترت طاهره امام زمانون
انتظار نده در لر که امیدی آقا کز خیمه به
کله جک سنون سبب ده بیلمه کلی ایسیدن لیمی
یقین ایده جکلر که آقا کز کلدی
ایله بیله ره اولدی

فسمعت زینب صهیله فاقبلت
علی سکینة وقالت هذا فرس اخی
الحسین قد اقبل لعلّ معه شیئاً
من الماء

آقایان مجلس برادام آتدان یخیلدیغنده اوزون آتی
قاپریه کله ..... سالم دولدیرمش
کی مانده که دوزن برعلته

الالغه له علی العدم
والظلمان

علدوزه تیز ادام لوندوزکر که اوا جلدیرمدان برعبر
کیترسون اهل حرم اولدوجلدیر دیانم دیمش
دیمدور دفعه دیدی سکینه خانم عمو زیاده ردلدی
بدیرم راکشته اندع

في الرياض مستيقن من طاوس عليه السلام لهوف ده هلال
بن نافع دن روايت ايدير بويورور

عن هلال بن نافع قال انّي لواقف مع اصحاب
عمر بن سعد اذ صرخ صارخ البشر ايّها الامير
فهذا بشر قد قتل الحسين عليه السلام

هلال ديور ايلكه من بو خبري ايشيتديم انكي صفف
اراسندان چيقديم اوزمي بتوردم قتلكاه كلدم حسينك
باشي اوسته كوردم اوخزون آصلي يرندن بتوزه اوخر
سانلر اوطه يوب

والله ليجرد بنفسه يعني جان ويرمك خالنده در
تهتش ايدر ديم اوخر تك جان ويرمك

فوالله ما رأيت قتيلاً مضمّخاً بدمه احسن منه
ولا انور وجهاً
انكه اولسون الله من عالمده هيچ اولي كورمشم هيچ
قانه آغشته اولان اولي جبن كوزللكده
كورمدم مشم ونون كوزللكي مني مشغول ايتديكي
اوخزتي اولدرمك خالندن منصرف ايلديم
تنش چه خانه زينور ازتش نه تير سمير
سرسش شقاقش ده جاز ضربت سمير

بو حاله كوردم ديرجاعت اسفونن سرته بن الماو
ايشيتديم برنامرد اولون جوابنده ديدي سن دنيا
سوبن ايچه بلمه سن حتى نرد الى ميته وتشرب
من حميمها اولسورون ترجمه سين ديرم .....
لئن انا ملك جوابنده نعلوم اولدركه اونامرد نه ديمشدي
حضرته بيوردي من بلمه كدم مم حتمن حميمدن
ايچرم من لشكرم بتوز خدا حضورنه بهشته شربت
كوراريا ايچه رم وسيزدن بتوز خدايه شكايت ايدرم
كه منيم حقمده نه ظلم ايلمشسوز هلال دمور
ايلكه بن دوست لشكر حضرتدن بر سوزي ايشيتديم
مردن عضلمدن بر كوبا الله الدرلان قلبلرنده
هرگز رحم خلق ايلمه يتشدي مردن توكولديكي حضرتك
دوستنه ح

مسئله رضاع

شیر نشر حرمت ایده رنجه شرط ایله ثابت

اول بودکه شیر زن حی دن اولمش اولمه

(۲) حملدن یا تولد طفل مدل باشنه دن عمله

نه ایله که حرامدن

(۳) پستاندن امه نه ایله بوغازینه اغزینه

واسطه اسیله توکه لر

(٤) شیر خالص اولمه نه ایله مخلوط بر شیر دیگر

(٥) شیر بر شوهر دن اولمش اولمه نه ایله فحل دن

مثل انکه سود ویرن عورت مطلقه اولوب

ثیری برار ه کیدوب مراقبی شرع حمل کوترمدوب

وسودی مستقل اولوب وضع حمله یاقین اولمه

دفعه سنده برادشی غه سود ویرمکی وضع حمل ایلدی

بر سود اولمجی شوهر ندن بعد بش دفعه ایکیجی شوهر دن

سود ویردی نشر حرمت ایلمز اکر سودی قطع

اولمیوب حمله کورمه کنه سود مکدی بو شیر ایکیجی سودی دن

اولمه

(٦) ترک طفل ایکی ایلک ارکسنده اولمش اولمه

که ارک دفعه اخری ایکیجی دورت کیدن صکره اولمه سود ویرمه

نشر حرمت ایلمز

بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد
اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

بو کونکی کوینده
ارسلدیک علی نکو کسنار

حیدر آرایک کری سندی
زمین و زمان نالیه کلدی
عرش برین برزیه کلدی
بو کونکی کوینده همهمر خدا عی ایله سین یرده
ای سین چاک ایلدی
بو کونکی کوینده اوغول رسای فاطمه اوزرینه
بیهوش دن کلدن
حس محسن ...
واضح نشدی شریفی
بو کونکی کوینده حسین مظلوم قتل کن
مبارک باسنک قاتیله حضرت اولدی
سر محمد اولدی حلقوم حسین آلدم اندان

هو الیوم له اغبرت الارض علیها
وجوا علیها والسماء اکسوفت

اربعت دعاء الفاطمیین ما سلد
بلوغ علت سمس الهار حرارت

بو کونکی کوینده اولدی فاطمه نک فانی پریزینه حارثی

افاطم لو خلت الحسین مجدلا
و قد مات عطشانا بشط فرات

اذا للطمت الخد فاطم عنده
و اجریت دمع العین فی الوجنات

افاطم قومی یا بنة الخیر و اندبی
نجوم سموات بارض فلات

٥٥

اذا جاء عاشور اقصاف خصرتی
لآل رسول الله و انهل عبرتی

نقل اولنوب برکون بربلده غلدم فروش
بازارینه برغلدم کتردیلر که ورسن ایکیسونه
مشتری بریدی ایره لی که اونی الشون
غلدمه نظر ایلیدی باخدی کوردی غلدم
کورزدن احول ال آیاقدان شکست
قامتدن اعرج غلدمی دانشدیردی
کوردی چوخ کوزل طلعت لسانی
وار دیدی عیبی یوخدر من بو غلدمه مایل
فصاحتله کوره مشتری یم .....

الهی قیامتک کرسنده عصیاتم محشره
کرسنده شرمنده نی سا خلدرلار

تفحص احوال وتجسس اعمال ایدرلر دیرلر
خداوندا اوزکه معلوم درکه بو بنده کوزریله
نامحرمه نظر ایدوب ایلیه للدن نعمت
اما فسله للدن کناهک طرلسه کسه دیدی .
الحاصل بو بنده ده فراوان عیب علت
وار

لکن دیلینده توحید احد بو رکنده عشق
صمد
وار اردی هرچند مستغرق معاصی دکنده
فار اردی .

لکن کرسنده لا اله الا الله در .

اکر کاهی پس کوزایله نامحرمه نظر ایتمشسه
ولی چوخ دفعه ده فاطمه بالاسنه آغلدمشدی

اکر کاهی قدم بیراهه جهالتده قومشدی سه
امما اغلب اوقات محافل مجالس نزهتنه
حضرت حیدر علیه السلام شرف ایلمشدی

بلکه الیله معصیت لکن ناشیره بسنه مزه
ویرمیشدی نیه؟ بوکا کوره که ایلیه بلکه لر
که الیشده بیلک که اولار سفر
مثل اسیران روم فرنک دوه لره سوار
ایدوب بربرلرینه رنجر ولایتری
لا لاندرالار

ایلیه بلکه برکدی الیشده بیلک که
سفر مالدی حضرت فخر آل خدیجا بویورمش اولمه
آقاد ولیلد فی زمش کاسی ح

لم یجب الاذن بعد

جزوه وارد او رب لام عالیمقام حل محل حضرت
لام حسن مجتبی علیه السلام برکون اوز مزرعه سنه
باخچه کیتمدی کوردی برغلدم بری شنجم ایدر
چاشت دیشندی غلدم سفره دوشه کرب ایتدی اوی
نهاری اینکه مشغول اولسون حضرت کوردی
اوزاندان برایت طرب دوردی غلدیلک
برابرنده واوغلدیلک ده اوچ قرص چورک
وار ایدی چورکلری یرین ویردی اینه بیدی
برینده ویردی اوینده بیدی اوچنجیسین ده
ویردی سفره نی یغدی آچ بدن دوردی اتاقه
یوخیده غلدیلک کردی
شفقه جمال بی مثال شاهنشاه دیندار
حضرت امام حسن علیه السلام دوستدن امیرزاده اعظم
اولدان خبر آلدی کونده سنک وظیفه نه در دیدی
عوض ایدی تا همان اوچ چورک ایدیکه اوینده
اینه ویردیم تا بیوردی پس اوردندن اوتری
نه ساغلدردن؟ سن که چورکلک اوچنده اینه
ویردین عوض ایدیه آتام آنام سنه قربان
من برابی تا بیرام چیخ اوزاقی بردن نی ایسه
دوتوب کلوب شکر ایدم دیکه اوغلی من

من تا ایسه ماتوس یوله سالدم من کنه اخشام کیدوب
طعام بیه رم بلکه اوچیانه چورک ویره اوغلاری
من ویرم ای عزیز فاطمه برایت ایکه برمخلوقک
ایسه یلنه ترنجیه قدم کرتوزه اوزاقدن اوزاقدن تا ایسه
اینه یه تمام کال نهاردن اوکا ویره اوزی شدت
آچلغه صبر ایدوب روزه اوزی بیاره ترنجانه نهار
سبزک شفاعتوزه امیدوارلق ایله آستانه
ملک پاسپانوزه ملک هرزی اوزرم
قاپوزدان تا ایسه یوله سالدرسوز
عندالله
ای عندالله اشفع لنا عندالله یا وجیها
ای عبدالله سن کیدن سلیمی اوزرم قاپوزدان
تا ایسه تا بیتا صاحبک که برپوزدلگون ظلیله
قاپوزا کلدی پوزدلک قاپوزی بارلک
بارمقوزیدا دیرکن

تم

تم بحمد الله من رجاء ومن
امید حرا دوالب بعتمد
لوجه الله حاجی اوغلی
الجحیم منطقه

حرکت من وده
ایلک قدمان عالم
قاف شلینا

يا دهر افلك من خليل
كم لك بالأشراق والأصيل

من

من طالب وصاحب قتيل
والدهر لا يقنع بالبديل

وانما الأمر الى الجليل
وكل حي سالك سبيل

في رواية الكافي عن الصادق عليه السلام

تا سوگوار بر حضرت امام حسين عليه السلام واصحاب
رضي الله عنهم بگريد و اجتماع عليهم قبيل اهل الشام و ناصبان
عليه و فراح ابن مرجانه و عمر سعد بتوفر الخيل
و كثرتها و استضعفوا فيه كيان هم. فراصحابه
و يقال الطبيري كه وحي عليه السلام به پيغمبر فرستادن و او را
گفتند كه
امام صادق عليه السلام
باب المستضعف الغريب

اشاره هر ساعته انوار كرسي جلال او جلالتور ازي
گردغبار عالي احاطه ايد بردي مستخص او لورديكه بر قتل
عبيد الله زياد دن قرشو بيدر
بخيل اصحاب مكان ايد بر ديلر كه شايد بو بلده بر
گوله گبر ركور ديلر پنجه بر قلش او لدي دشمن او زرنه
فرحلوب جلهله ايد بر ديلر اما حضرت واصحاب
حضرت بر يك مكان او لورز ديلر

تا بر قدر ميل تمام صحاري سر خ گوزري قاف اولدي
شكريه مملو ايد يلر
بو قدر شكر ها يسي تك بر نعره ز ايدن او ترايدي

مقدمه سبأ زراي عبيد الله زياد لع

راوي ديرر بركون وارد اولدم كوفه ي
نوفقره ني آخره دك ذكر ايتك بدوصل
ابن زياد
او فقدتم السلاح عليكم بالتصخر والحجارة
لعبد امام محمد باقر عليه السلام
و لقد قتل جدي بالسيف والسنان
والحجارة والعمود
ميار گريد اما بن من قتل صبرا
ام گلثوم در وقت ورود بلكوه
قتلتم اخي صبرا فويل لامكم
قال رسول الله صلى الله عليه وآله
لا تقتلوا الحيوان الا بالصبر

حدیث قدسی

یا عبید الدنیا انما نرزق الدراهم فما خلقت الدراهم
الدراهم وانما نرزق الانعام فما خلقت الانعام
ونحبب الیکم الثیاب وتتفقوا بها فی سبیلی
ایه قرآن لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون

فاخذتم کتابی فجعلتموه تحت اقدامکم واعدتم الدنیا
فجعلتموه فوق رؤسکم ومنعتم بیوتکم وخفضتم
بیوتی وآثرتم بیوتکم وادخرتم لبیوتکم
فلاثم عبید الحرار وزرار
ایسوده درفتم بوتکی فاخذتم ثیابی ودنیا تقدم
ایده بیلرسن!

یا عبید الدنیا انما نرزق الحبوب لتقوی الجسد
بری ظاهرکم (یعنی) وباطنها قبیحا یابس ادم
کما لا یبقی المصباح فوق البیت عن الظلمة
الدافقة علیها کذلک لا یبقی الله علی قلب
مع افعالکم الردیة یابس ادم اخلص قلبک
ولا یسعنی فانی اعطیک الکثیر مما یطلب
الناس قلوبهم.

قرآن بوزه جمع موعظه ایدر برجمله سنه عمل

قرآن سوبردی الذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها
دریدیکی کزمجه آلله شدید

قرآن سوبردی المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم

اناس لقدوس مؤمن قارداشلرکدر باقدیغی یردن
ایرمین سویزدیکی یرده براق راحتی قریه یوردی
الکسلیاسنه جه آغاریرسان اویله برلباس آغاریماز
والله لایحب اولباس مسلک اکسوندده اولسون
جه ماندره حرام اولسون سنه اوسهوا باسکره
ترمدیقدن پاپاق.

قرآن سوبردی ومن مثل لؤلؤا فجزاؤه جهنم خالدا
انا اوزی باطنده قورد ظاهرده اسلام لباسیله
لباسلنوب برجلد ده موسلمان آغاس اولدی
سوزلی باشلیه اوزلوبرلر
بوردی ده ناس ما فقره لشه لرکشمه دی جهنمه
برجهنمه دلکی جهنمه بربیان لشه دی اولدی

السبعة ... زنانو شیر و اینک مراتبی و ارادیدک
او کار اطلس جلی الله بزرگ شکاره آباد بشدی
او ایت او کون شکاره کا ملیق ایدوب
بر علد صده ایت سعادت ایدوب شکاری
مراتب سکسان غرض اطلس علی
برایتدن اجزب ایت شکار ایدن اینک
بیرسوک الکنه کیدر سک باغشی الله
بولسرلر ان بولورلر سعادتله یاشاسین
ایته باغشلدیغی اولدن اولدن برده کرن کارا
کرن کاتو کرم ایلرلی ایله ایته باغشلدیغی
بایس تقصیر نوکره اولدن آمان بولسه
خلق ایلن - ورداح عرفان که بزم کبوتره
کیدر بیس بیم تقصیر نوکره اولدن
الله ایلن
الله سلامت
برلی اولدن اغربان ایلیم ایلن یارب

هذا ما ان حرفلرک سورینه الله دیوب الله تعالی اولدن اولدن
اولدیریر ذالله خلق فندی ملا دعا و اسعون اولدن اولدن
برگاه عبد ... ارسه
وجوده داخل قرستان تحفه بگرید
السلام علیکم یا اهل الله دیار بس المؤمنین والمسلمین
انکم لنا فرط ونحن انشاء الله بکم لاحقون
روایتده بر کس الله دن کس قارداشنک قبرینک یانندن
۷۰ دفعه آن ایزلنا اوخوسه جناب حق اولی و قبر صاحبی
باغشلار
سبعه اکرم بر کس قرستاندن بیچه و سوره قل هو الله ۱۱ دفعه
اوقویوب ثوابنی اولنده باغشلیسه خلق الله اولنده
عدد نجه اوکا نور عطا ایدر
بخصوص جمعه و جمعه عصر قبی زیارت ... اهل
مستحب در
فی الحقیقه خدام علماء مطلب ایدر لکن البترم
بو دوران سید نظر مالی زیارت ایدوب
سلام علی المطیعین

ندای اهل قبور

ای بر کنده ره بال کبوتر پرنده بر خبر در تو

ای کس که بر پیاده بردن خبر تو تندر ای اسب بیدار

مشتاب از این خبر تو تندر ای غافلان آذر یاتاقان

خبر کو تندر

[illegible]

همیشه خفتگان را بانگ بستنه یا تیغ تا نشوری

طلوع لای لله آفتاب یا تاباق بر کره تا نوش کردن

رطوبت دار یا بیخ .

خبر من آلت فرتنه ره یا تابرم هم رو بستم هم ره

ای هیچ کل کوره بنجه فارغ شوق بریده با تیشوق که بیفته

تین ابیفته خبر شتالنده جا برق و بنجه شاخ ره

ده تا تیشوق که چوب بلکه اشکن تر خرفر تر

بر لوبرکی اوسته تا تیشوق که تا تیشوق

نقادنا ضنق المضیع و تهلت علینا

الزیوع الصوت فتشرت [illegible] صورنا

و از خبرت می اس اخبارنا فظ از تو بی کس

ایشتر اغا تنشا

بو صورکه بز انا ایله ولدوق همان خورد

صدای کلند ترنجیل تیله ایدر یا بلکه بوق در بر کل الله

کبندی ما هو بقول مکاسر ولد کاهن

حضرت سفر اوزته که سیخ اوزیده خطاب

ایدیرزدی بر یورد روی هل وجدتم ما وعدنا ربکم

عرض ایدیرلر یا پروردگار الله اولیا ایله تفاهم ایدیرسکز

اولدیکه سفر کوزل برقدر بو یورد

الحمد لله رب العالمین [illegible]

انا لله و انا الیه راجعون مثلا ایله بر یورد

اگر سفر دکلسه ده ایسه سیدلک که

اکرم الاکرمین

حالا بز وطنمز اولان الوردی وجوب تکلیف بو یرایه

بولرلر اوچون سرق الفلوق نه یه بز وطنمز ایله بر یرده

بر کره اولسون دوستلرمز دوستلرمز که بلکه بر

وبکی قوی اوچ اولدقدن اوکره ناطیا باتاق یینه یاپیشدیرلر

و بلطه سایر سوزلر اوزنه مقدر

انا لله و انا الیه راجعون مثلا ایله بر یورد

لکچه لرنا تابوردیم که عباد اس آغلیسانس اگر بو یورد

اولیا نسیدن دکلدیم بنی اولیا ایدیم که نور بخشیده

بر کیچ دوره در غفلت ایله یک قاره اسلام

ال تبرک ربنا تنده ساقه ایتیه یاپ

قولدق و بر یه یرن

و لعلون باشیتی آنانکی دسنون نقابنده و آنا باشیتی بیتیم اوشاق

کوزدونون برابرنده آیار سنونلدره اوندن اوترس نظم

سالون باشیتی بیتیم اوشاق

سالون قبقه طاقی

اوصلوی پرچه نقدسانک دل وظام کسنه لردن نعیمی ایلیوب صلیه جاقلر

زینب کچادسنه موکل الیدی و پالتسوزلر جماعت هر وقت اسدلنه

فوزی صبای باهی حسن زینب نظم

قطارلی اصلحه‌لر کوفنون محلدرکه چم لردن چکلکه هر

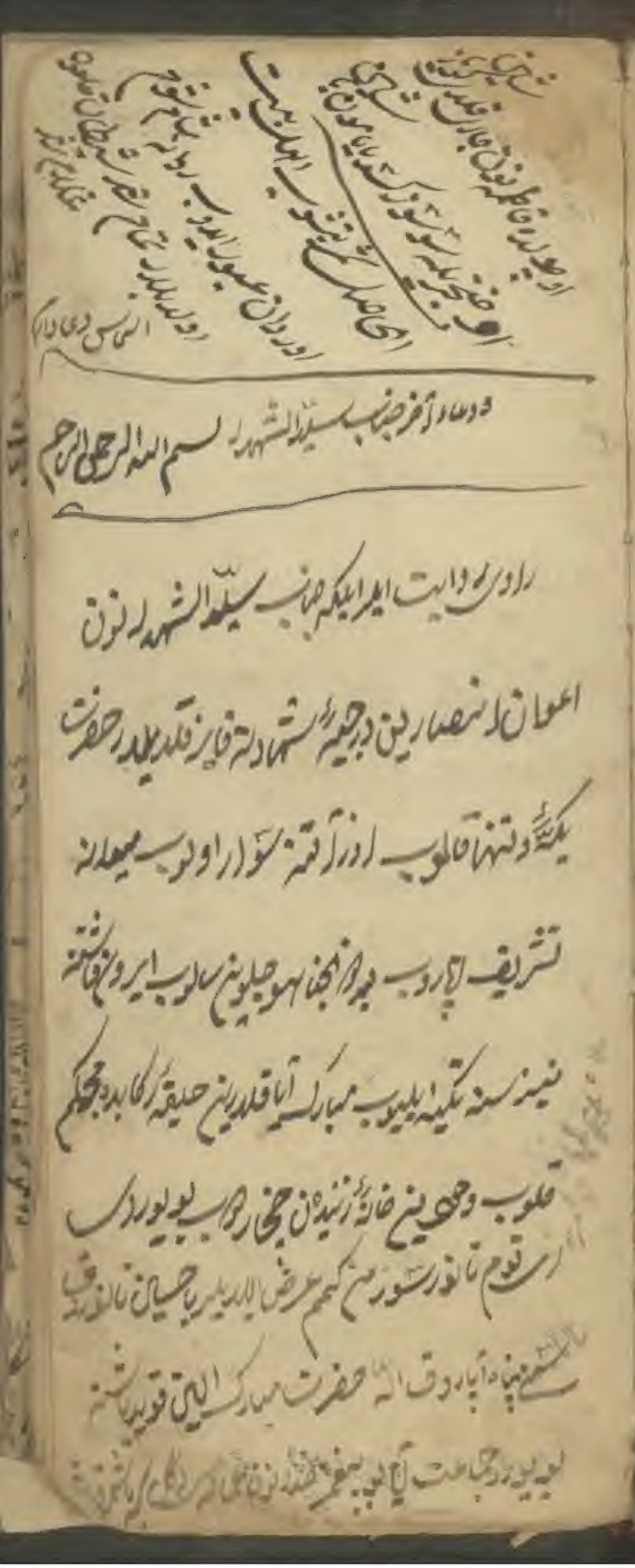

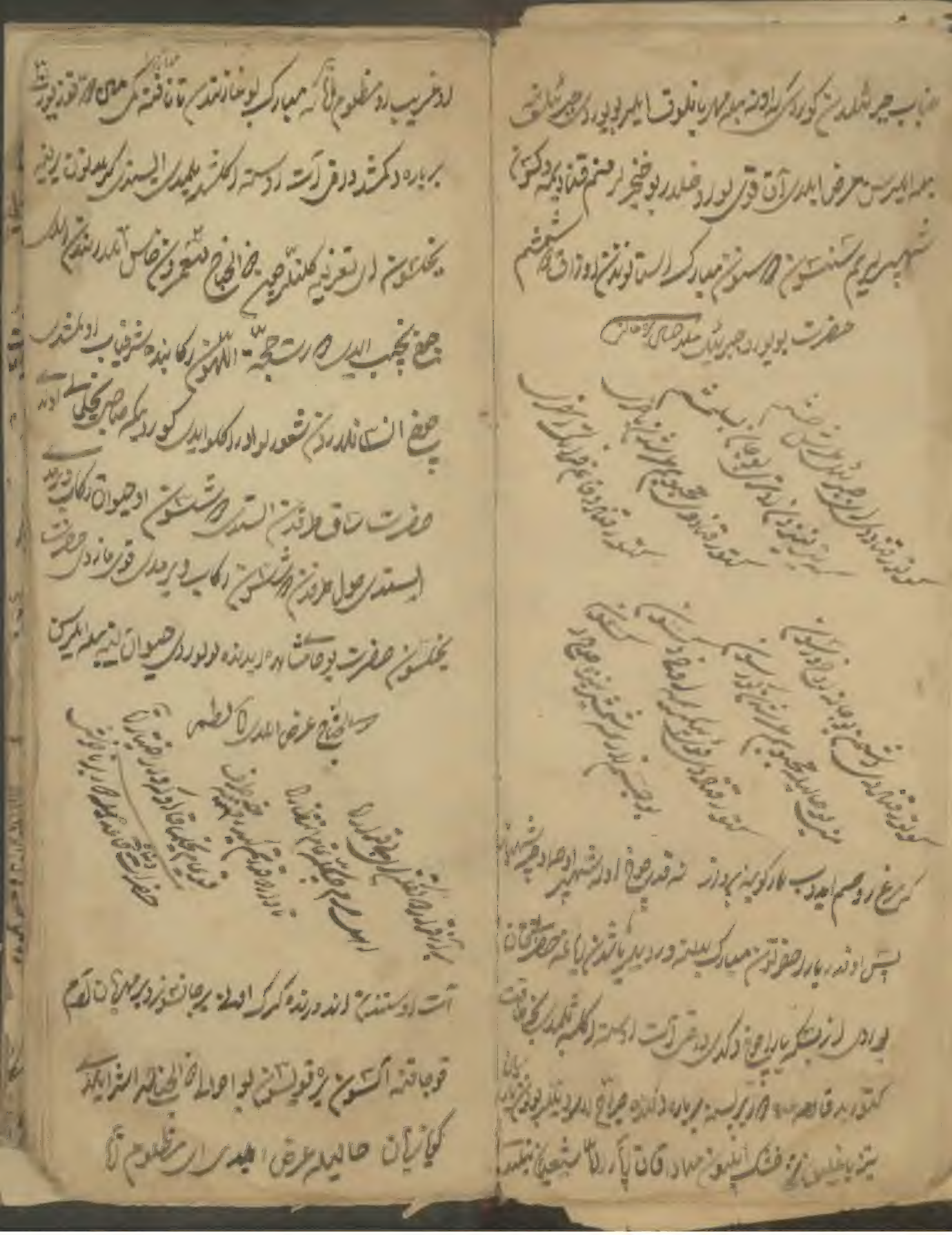

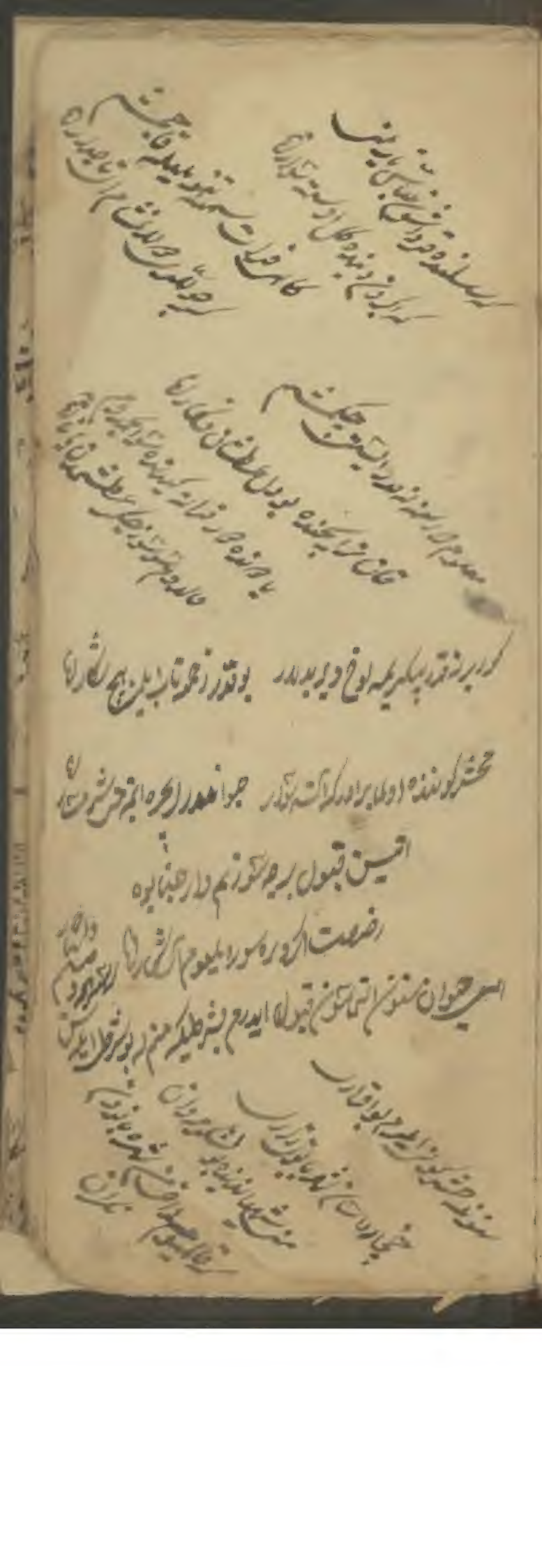

جناب عباس دیدریان علیه ما یکدیگر خاموش عباس کلمات ایکه قوت شوجاعت

عباس صدا رحمان ایشده فیدوب براکنداد دیدار فرزانش

او علیه عمو هر ایکس قول بیوی اد دیدار و دو علیه اکبر سود کشور

آل رسول تقیم ایدوب
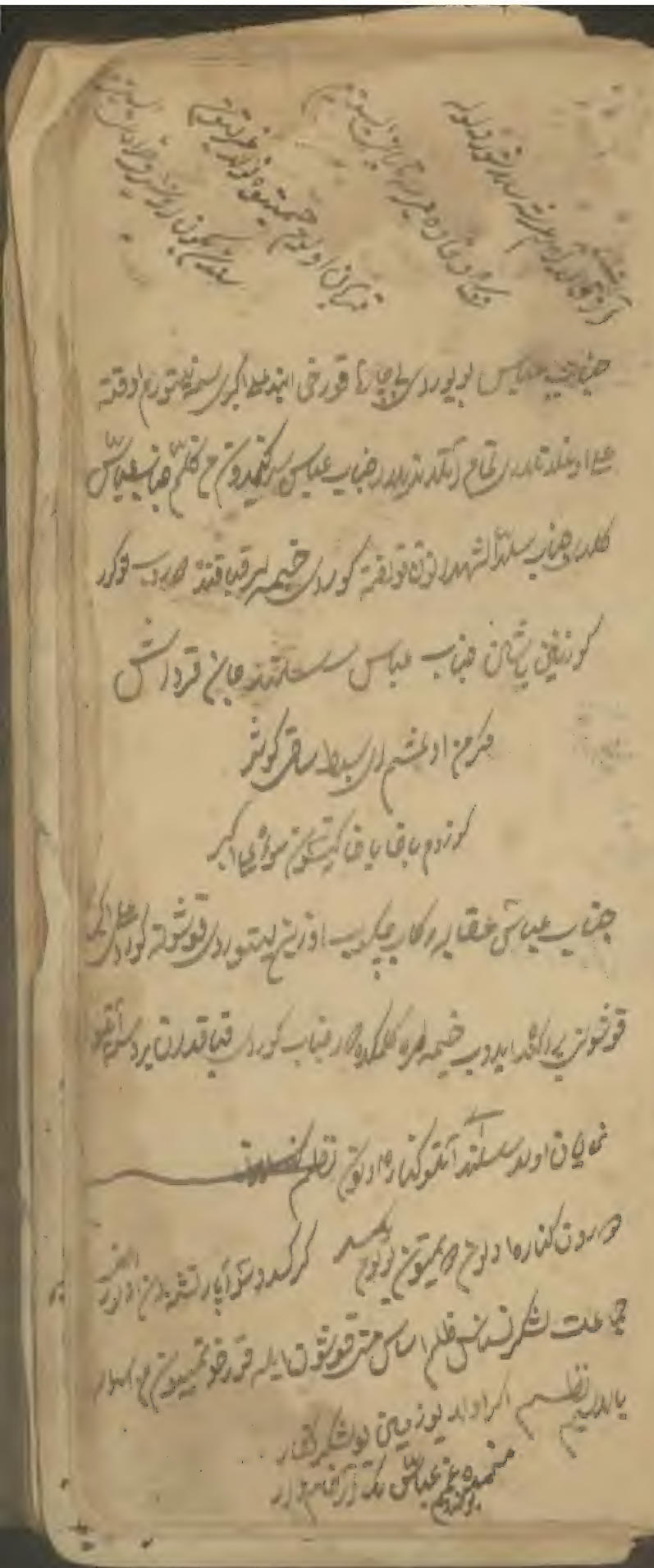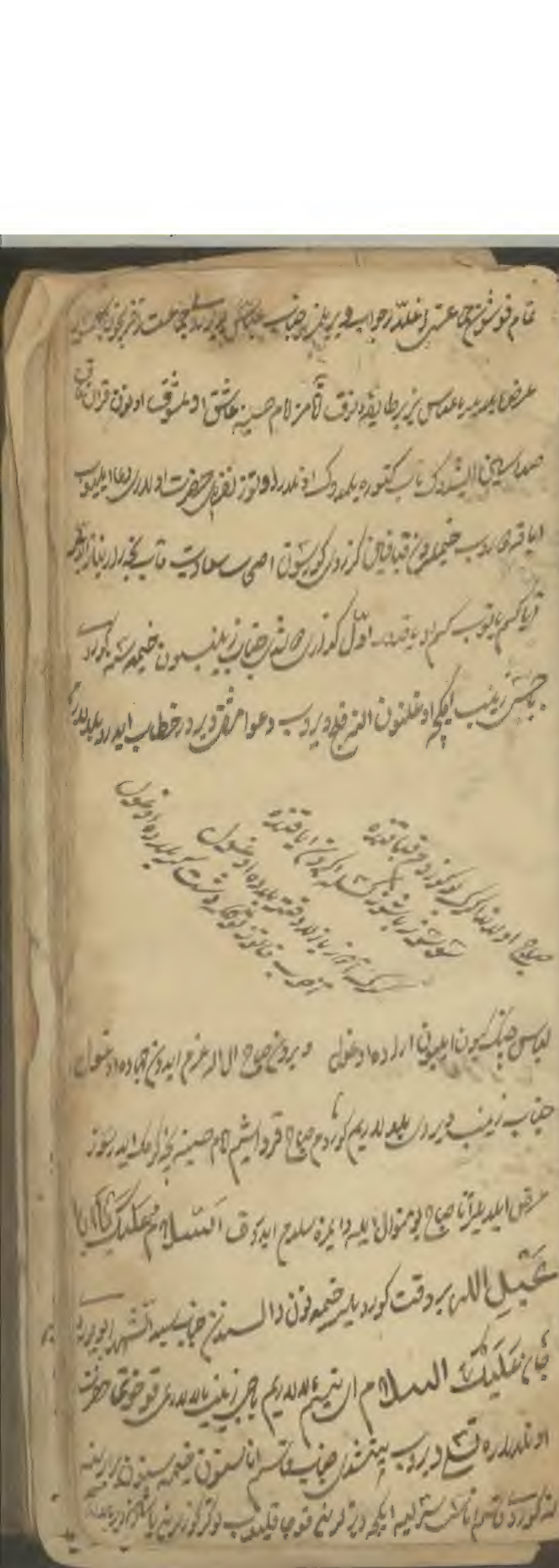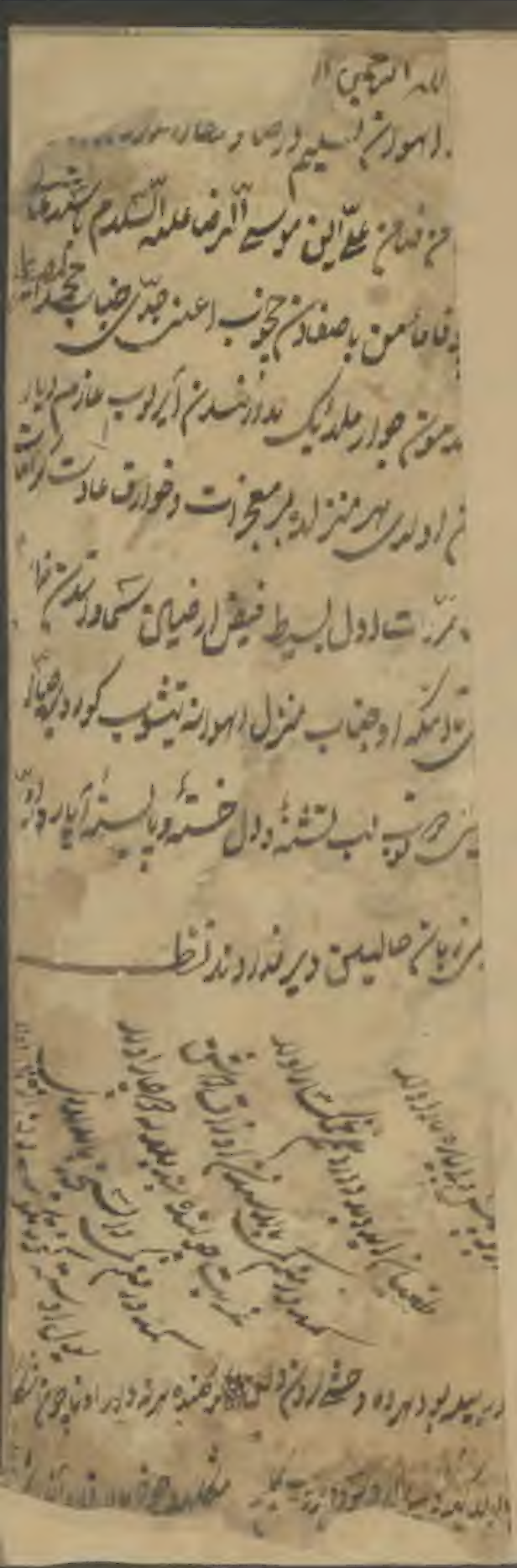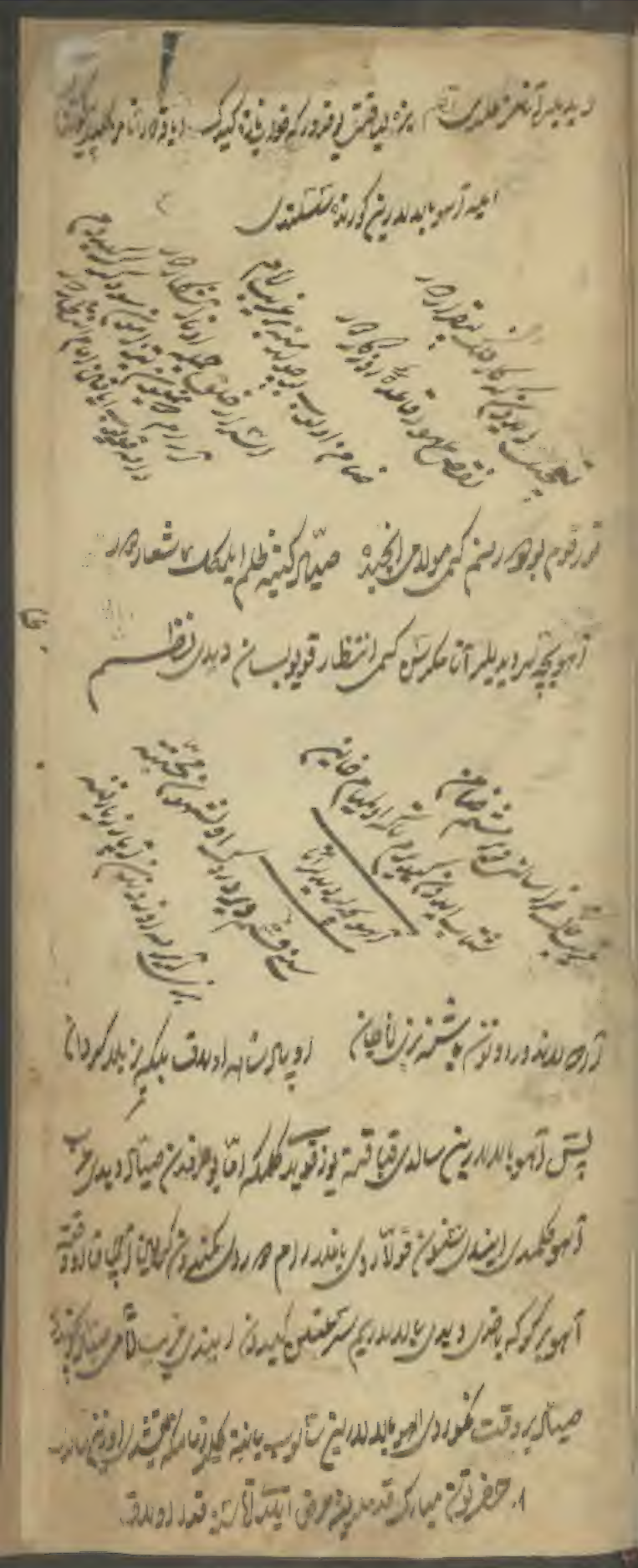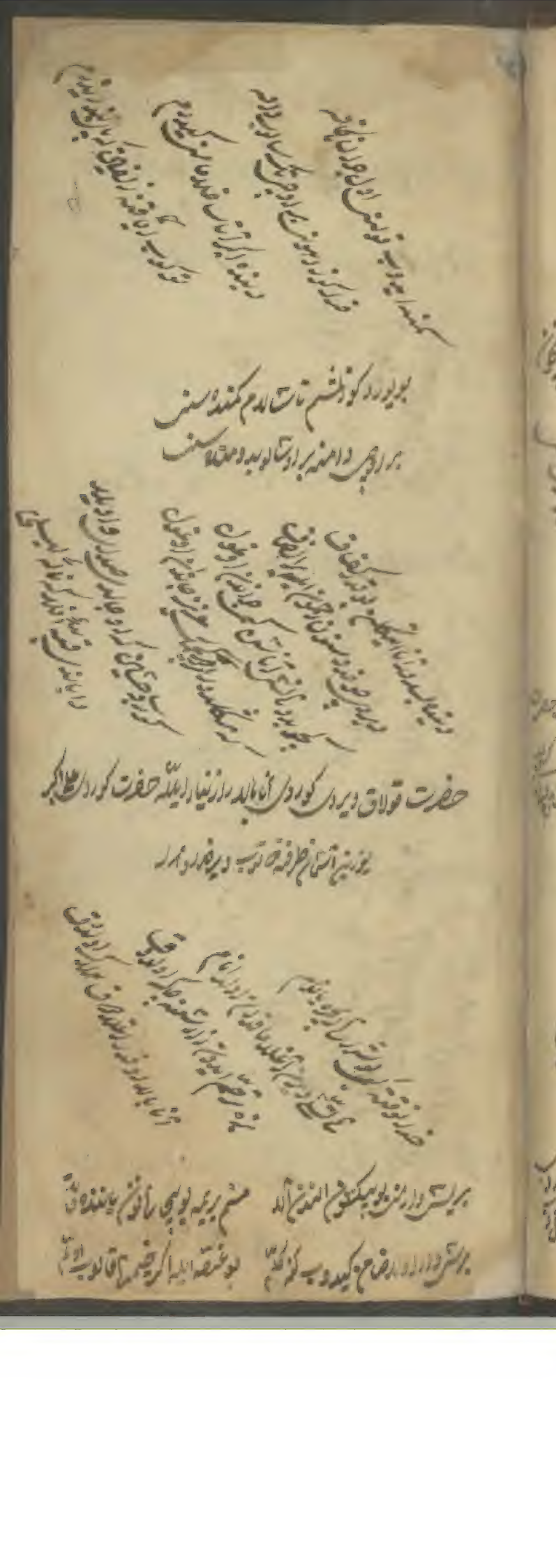
تمام شد شیطان ملعون قلمدن